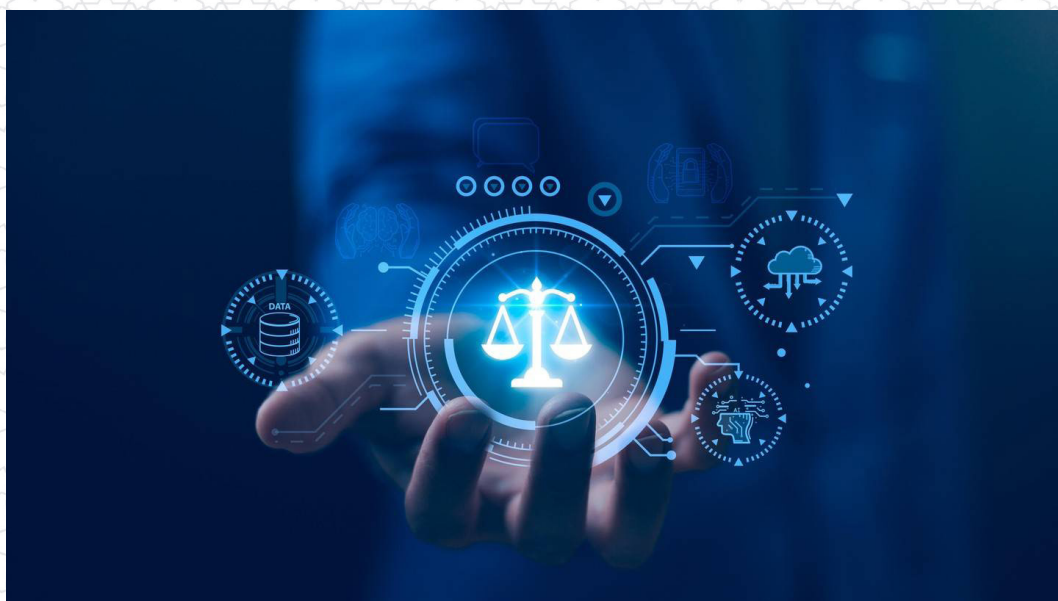


پیوست عدالت بر قانون مدیریت داده‌ها و اطلاعات ملی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تاریخ انتشار:

۱۴۰۵/۰۲/۰۸

شماره مسلسل:

۲۱۴۴۳



مرکز پژوهش‌های
مجلس شورای اسلامی

عنوان گزارش:

پیوست عدالت بر قانون مدیریت داده‌ها و اطلاعات ملی

نوع گزارش: طرح / لایحه □ راهبردی ■ نظارتی □ پیش‌نویس قانونی ■

نام دفتر:

دفتر مطالعات حکمرانی (گروه عدالت و پیشرفت)

تهیه و تدوین کنندگان:

محمدتقی نظریان مفید، زهرا غفوری

مدیر مطالعه:

محمدتقی نظریان مفید

ناظران علمی:

مهدی عبدالحمید، حسین اصلی‌پور

گرافیک و صفحه‌آرایی:

علیرضا مقدم

ویراستار ادبی:

اکرم وحدانی‌فر

واژه‌های کلیدی:

۱. پیوست عدالت
۲. قانون مدیریت داده و اطلاعات ملی
۳. کارگروه تعامل‌پذیری دولت الکترونیکی

تاریخ شروع مطالعه:

بهمن‌ماه ۱۴۰۳



فهرست مطالب

۷	چکیده
۸	خلاصه مدیریتی
۱۰	۱. مقدمه
۱۱	۲. پیشینه
۱۲	۳. جداول بازبینه عدالت
۱۵	۴. ارزیابی از منظر ابعاد موضوعی عدالت
۱۶	۵. ارزیابی از منظر مسئله
۱۸	۶. ارزیابی از منظر برابری‌های اساسی
۱۹	۱-۶. تحلیل از منظر برابری تمهیدی
۲۲	۲-۶. تحلیل از منظر برابری تعاملی
۲۴	۷. ارزیابی از منظر کارآمدی
۲۵	۱-۷. نگاشت نهادی قانون مدیریت داده‌ها و اطلاعات عمومی
۲۸	۲-۷. تحلیل روابط ساختاری
۲۹	۳-۷. ارزیابی روابط ساختاری کارگروه تعامل پذیری دولت الکترونیکی با شورای عالی فضای مجازی
۳۱	۴-۷. ارزیابی روابط ساختاری کارگروه تعامل پذیری دولت الکترونیکی با وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات
۳۲	۵-۷. ارزیابی روابط ساختاری کارگروه تعامل پذیری با دستگاه‌ها و نهادهای مشمول قانون
۳۵	۶-۷. ارزیابی ساختاری رابطه کارگروه تعامل پذیری با متولیان داده و اطلاعات
۳۶	۷-۷. ارزیابی ساختاری رابطه کارگروه تعامل پذیری با مجلس
۳۷	۸-۷. ارزیابی ساختاری رابطه مجلس و شورای عالی فضای مجازی
۳۷	۸. ارزیابی از منظر عدالت صیانتی
۳۷	۱-۸. ارزیابی از منظر عدالت تأمینی
۳۸	۲-۸. ارزیابی از منظر عدالت ترمیمی
۳۹	۳-۸. ارزیابی از منظر عدالت جزایی
۴۱	۹. ارزیابی از منظر برش‌های جمعیتی
۴۱	۱۰. ارزیابی از منظر فساد و تعارض منافع
۴۲	۱۱. وضعیت در شاخصه‌های مردمی بودن
۴۳	۱-۱۱. شاخصه «از مردم»
۴۳	۲-۱۱. شاخصه «با مردم»
۴۵	۳-۱۱. شاخصه «برای مردم»
۴۶	۴-۱۱. شاخصه «مقابل چشم مردم»
۴۷	۱۲. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری
۵۷	منابع و مأخذ

فهرست جداول

جدول ۱. تحلیل پیشینه پژوهشی	۱۱
جدول ۲. میزان انطباق کلی با عدالت	۱۲
جدول ۳. میزان ارتباط با ابعاد موضوعی عدالت	۱۳
جدول ۴. ارزیابی مسائل از منظر عدالت	۱۳
جدول ۵. وضعیت برابری‌های اساسی	۱۳
جدول ۶. وضعیت تبعیض‌ها	۱۳
جدول ۷. ارزیابی در ابعاد بخشی عدالت	۱۴
جدول ۸. عدالت در مقایسه میان برش‌های اجتماعی و جمعیتی	۱۴
جدول ۹. تناسب طرح با مبانی عدالت	۱۴
جدول ۱۰. فساد و تعارض منافع	۱۴
جدول ۱۱. وضعیت در شاخصه‌های مردمی بودن سیاست‌ها	۱۵
جدول ۱۲. پیشنهادهای اصلاحی برای ارتقای قانون از منظر جامعیت مسئله	۱۸
جدول ۱۳. پیشنهادهای اصلاحی برای ارتقای قانون در معیار برابری تمهیدی	۲۱
جدول ۱۴. پیشنهادهای اصلاحی برای ارتقای قانون در معیار برابری تعاملی	۲۳
جدول ۱۵. سطوح نهادی حکمرانی داده و اطلاعات ملی در ایران ذیل قانون مدام	۲۵
جدول ۱۶. پیشنهادهای اصلاحی برای ارتقا از منظر کارآمدی ساختاری برای ماده (۹)	۳۴
جدول ۱۷. پیشنهادهای اصلاحی برای ارتقا از منظر کارآمدی ساختاری برای ماده (۱۱)	۳۵
جدول ۱۸. پیشنهادهای اصلاحی برای ارتقا از منظر شاخصه‌های مردمی	۴۵
جدول ۱۹. متن نهایی پیشنهادهای اصلاحی برای ارتقای قانون در تمامی ابعاد عدالت	۴۸

فهرست شکل

شکل ۱. نگاشت نهادی قانون مدیریت داده و اطلاعات ملی	۲۷
--	----



پیوست عدالت بر قانون مدیریت داده‌ها و اطلاعات ملی

Doi: 10.22034/mrc.report.21443

چکیده



این گزارش با هدف ارزیابی «قانون مدیریت داده‌ها و اطلاعات ملی» از منظر عدالت تدوین شده است. با استفاده از چارچوب «جدول بازبینی عدالت»، انطباق کلی این قانون با معیارهای عدالت در سطح متوسط ارزیابی شده است. بررسی‌های تفصیلی نشان می‌دهد که این قانون اگرچه گامی مثبت در راستای حکمرانی داده‌محور و ساختارسازی این حوزه است، از منظر پوشش جامع مسائل عدالت، تأمین برابری تمهیدی و تعاملی، کارآمدی ساختاری، عدالت ترمیمی و جزایی، و همچنین شاخصه‌های مردمی بودن دارای کاستی‌های جدی است. تمرکز اصلی قانون بر تقسیم کار نهادی و تقویت توان مدیریتی بوده، اما به ابعادی مانند حق دسترسی عموم به داده‌های ملی، جبران خدمات و انگیزه بخشی برای تبادل داده، شفافیت، نظارت مردمی و سازوکارهای حل اختلاف به اندازه کافی توجه نکرده است. در نتیجه‌گیری، مجموعه‌ای از پیشنهادها برای اصلاحی ماده به ماده ارائه شده که هدف آن ارتقای تراز عدالت در این قانون و تبدیل آن به ابزاری کارآمدتر برای تحقق حکمرانی عادلانه داده در خدمت منافع ملی و آحاد جامعه است.



خلاصه مدیریتی



■ بیان/شرح مسئله

قانون مدیریت داده‌ها و اطلاعات ملی با هدف سامان‌دهی، یکپارچه‌سازی و تسهیل تبادل داده‌های دستگاه‌های دولتی و تقویت حکمرانی داده‌محور تصویب شده است. با این حال، ارزیابی این قانون از منظر «پیوست عدالت»- به‌عنوان رویکردی که عدالت را جوهره حکمرانی دینی می‌داند و بر تزیق آن در ذات قوانین تأکید دارد- نشان می‌دهد که مسئله اصلی، فاصله معنادار محتوای این قانون از ابعاد و الزامات مختلف عدالت است. اگرچه این قانون گامی ضروری در مسیر حکمرانی ملی داده قلمداد می‌شود، نتوانسته است به‌طور جامع مؤلفه‌هایی چون برابری در دسترسی، شفافیت، مشارکت مردمی، جبران خسارت و کارآمدی ساختاری را به‌گونه‌ای عادلانه پوشش دهد. این نقیصه، کارآمدی و مقبولیت قانون را در بلندمدت با چالش مواجه می‌سازد و امکان بهره‌برداری حداکثری از داده به‌عنوان یک «منبع ملی» برای توزیع عادلانه فرصت‌ها و منافع را کاهش می‌دهد.

■ نقطه‌نظرات / یافته‌های کلیدی

الف) نقاط قوت:

- **ملی‌سازی داده‌ها:** اصلی‌ترین نقطه قوت قانون، خروج داده‌ها از انحصار سازمانی و تلقی آنها به‌عنوان «داده‌های ملی» است که زمینه را برای بهره‌برداری جمعی فراهم می‌کند.
- **ساختارسازی و تعیین متولی:** قانون با تعیین نهادهای سیاستگذار (شورای عالی فضای مجازی)، ناظر (کارگروه تعامل‌پذیری) و مجری (مرکز ملی تبادل اطلاعات و متولیان بخشی)، گام اولیه را در ایجاد ساختار حکمرانی داده برداشته است.
- **تقسیم کار شفاف:** ماده (۱۰) قانون و جدول پیوست آن، با تعیین دقیق متولیان ۲۷ پایگاه داده ملی، از ابهام در مسئولیت‌ها جلوگیری کرده است.
- **تأکید بر امنیت و حریم خصوصی:** در موادی از قانون (مانند مواد (۳)، (۴)، (۵) و (۶)) به‌صیانت از امنیت داده‌ها و حفظ محرمانگی اطلاعات اشخاص توجه شده است.

ب) نقاط ضعف و چالش‌های کلیدی:

- **کاهش نگاه ملی به دولتی:** قانون با قرار دادن داده‌ها «در اختیار دولت»، نگاه ملی را به نگاه دولتی تقلیل داده و دسترسی مستقیم و گسترده عموم مردم، پژوهشگران و بخش‌های غیردولتی غیرانتفاعی را به‌طور شفاف تضمین نکرده است.
- **فقدان جامعیت در پوشش مسائل:** تمرکز قانون صرفاً بر «توان مدیریتی» است و مسائل کلانی مانند «تأمین حقوق اولیه جامعه در دسترسی به داده»، «رشد و ارتقای جامعه از طریق داده» و «جبران خدمات و انگیزه‌بخشی برای تبادل داده» را به‌اندازه کافی پوشش نمی‌دهد.
- **ضعف در عدالت توزیعی (برابری):**
- **برابری تمهیدی:** اصل را بر «محدودیت دسترسی» گذاشته نه «دسترسی آزاد»، و بهره‌برداری را عمدتاً به دستگاه‌های دولتی و کسب‌وکارهای خصوصی محدود کرده است.
- **برابری تعاملی:** برای جبران زحمات دستگاه‌های ارائه‌دهنده داده هیچ مکانیزمی (مانند تعرفه‌گذاری برای خدمات داده‌ای اختصاصی) پیش‌بینی نکرده است که این امر انگیزه تبادل داده را تضعیف می‌کند.
- **کاستی در عدالت صیانتی:**

■ **عدالت ترمیمی:** سازوکار مشخصی برای جبران خسارت اشخاص حقیقی و حقوقی که در اثر تخلف از این قانون زیان می‌بینند، پیش‌بینی نشده است.

- **عدالت جزایی:** ماده (۹) قانون فقط ناظر بر مجازات است و سازوکارهای تشویقی برای دستگاه‌های فعال و پیشرو در نظر نگرفته است. همچنین، تناسب میان جرم و مجازات به‌طور شفاف تعریف نشده است.
- **کم‌توانی در شاخصه‌های مردمی بودن:**
- **مقابل چشم مردم:** قانون الزام محکمی برای شفافیت، گزارش‌دهی عمومی و نظارت مردمی بر عملکرد دستگاه‌ها ایجاد نکرده است.
- **با مردم:** نقش و مشارکت مردم و بخش غیردولتی در تولید، اصلاح و به‌روزرسانی داده‌ها نادیده گرفته شده است.
- **ابهام و ضعف کارآمدی ساختاری:**
- **کارگروه تعامل‌پذیری:** جایگاه ساختاری این کارگروه بین شورای عالی فضای مجازی و وزارت ارتباطات مبهم است که قدرت نظارتی شورای عالی را کاهش می‌دهد. ترکیب اعضای آن نیز بیش‌ازحد دولتی است و در معرض تغییرات سیاسی قرار دارد.
- **ضعف نظارتی و حل اختلاف:** ابزارهای نظارتی کارگروه بر دستگاه‌ها ضعیف است و مرجع حل اختلاف به‌جای خود کارگروه، به نهادهای دیگر واگذار شده که منطقی نیست.

■ پیشنهاد راهکار تقنینی، نظارتی یا سیاستی

- به‌منظور ارتقای تراز عدالت در قانون مدیریت داده‌ها و اطلاعات ملی، در انتهای گزارش طرح اصلاحی برای همه مواد ارائه شده است. به‌نحو خلاصه به برخی از پیشنهادها اصلاحی در اینجا اشاره می‌شود.
- **تثبیت تغییر پارادایم از دولتی به ملی و تضمین دسترسی همگانی:**
- اصلاح ماده (۴) به‌منظور تأکید بر «حاکمیت و مدیریت یکپارچه» دولت به نمایندگی از ملت، به‌جای «در اختیار دولت بودن».
- الزام دولت به ایجاد «درگاه ملی داده‌های باز» برای دسترسی آزاد، آسان و رایگان عموم مردم به داده‌های عمومی، با شفاف‌سازی موارد استثنا (مبتنی بر حریم خصوصی و امنیت ملی).
- **طراحی مکانیزم‌های انگیزشی برای تبادل داده:**
- تفکیک «خدمات داده‌ای پایه» (رایگان) از «خدمات داده‌ای اختصاصی» (دارای تعرفه) و پیش‌بینی امکان درآمدزایی برای دستگاه‌ها از خدمات اختصاصی در قالب اصلاح ماده (۴) و افزودن تعاریف جدید به ماده (۱).
- **تقویت سازوکارهای نظارتی، شفافیت و پاسخ‌گویی:**
- الزام دستگاه‌ها به ارائه گزارش‌های عملکرد دوره‌ای به کارگروه و انتشار عمومی این گزارش‌ها.
- ایجاد «سامانه یکپارچه نظارت مردمی» برای امکان پیگیری و اصلاح داده‌های شخصی توسط شهروندان.
- **ارتقای جایگاه و کارآمدی ساختاری کارگروه تعامل‌پذیری:**
- تصریح وابستگی کامل کارگروه به شورای عالی فضای مجازی و تقویت ابزارهای نظارتی شورا بر ترکیب اعضا و مصوبات آن.
- تعیین خود کارگروه به‌عنوان «مرجع تفسیر و حل اختلاف» در اجرای مصوباتش.
- **تکمیل ابعاد صیانتی عدالت:**
- افزودن ماده‌ای مستقل برای «جبران خسارت» زیان‌دیدگان ناشی از تخلف از این قانون.
- تکمیل ماده (۹) با افزودن «سازوکارهای تشویقی» برای دستگاه‌های برتر و «معیارهای تناسب جرم و مجازات».
- **بستر سازی برای مشارکت مردمی و حکمرانی غیر متمرکز:**
- پیش‌بینی امکان «مشارکت مردمی در تولید و اصلاح داده‌ها» از طریق سامانه‌های ایمن.
- تسهیل ایجاد «مراکز استانی تبادل اطلاعات» تحت نظارت استانداردهای ملی برای تقویت حکمرانی محلی.



جمع‌بندی نهایی:

اجرای این پیشنهادها ضمن حفظ نقاط قوت موجود، قانون مدیریت داده‌ها و اطلاعات ملی را از یک سند فنی - ساختاری به ابزاری توانمند برای تحقق «عدالت داده‌ای» تبدیل خواهد کرد. این امر نه فقط کارآمدی و اثربخشی قانون را افزایش می‌دهد، بلکه موجب تقویت اعتماد عمومی، شکوفایی اقتصادی و تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی در زمینه عدالت خواهد شد.

۱. مقدمه

عدالت ستون استوار و چراغ راهنما برای حکمرانی است تا آن را از سرگردانی و غرق شدن در خودکامگی یا مصادره شدن توسط جریان‌های محفلی، رهایی بخشد. نسبت عدالت و حکمرانی مانند نسبت روح و کالبد است و حکمرانی بی‌عدالت جز لاشه‌ای تهی از روح انسانی نیست. رفعت و عظمت عدالت تا جایی است که اسلام آن را فراتر از یک آرمان معرفی، و عدالت را سنگ محک و بنیاد سنجش هر حرکت و تدبیر سیاسی قلمداد کرده است. قرآن کریم، بعثت پیامبران و نزول کتاب‌های آسمانی را برای استقرار قسط می‌داند و این، جایگاه بی‌بدیل عدالت را در منظومه اندیشه اسلامی نمایان می‌سازد.

با تأسف فراوان باید اعتراف نمود که این گوهر ناب، گاه در کشاکش روزمرگی‌های سیاست و مصلحت‌اندیشی‌های زودگذر به حاشیه رانده شده و گاه از سر ساده‌اندیشی، به اشتباه در ضمیمه همه تصمیمات مفروض دانسته شده است؛ حال آنکه غایب بزرگ تصمیمات عدالت بوده است. هر چند ایران اسلامی در نسبت با پیش از انقلاب و نیز در مقایسه با بسیاری از کشورها، صعود چشم‌گیری در عینیت‌بخشی به عدالت در جامعه داشته است، با وجود این باید بدانیم حال عدالت خوب نیست و ما در نسبت به آنچه باید باشیم، عقب مانده‌ایم.

عدالت نیز همچون یا حتی بیش از هر گوهر ارزشمندی، نیاز به مراقبت و دیده‌بانی دارد. بر همین اساس، مقام معظم رهبری (دام‌ظله‌العالی) با تأکیدی ژرف و دغدغه‌ای همیشگی، بر ایده «پیوست عدالت» تأکید کرده و گستره و جغرافیای حضور آن را تمام قلمرو حکمرانی خواستار شده‌اند. هیچ جای سیاست نباید تهی از عدالت باشد. ایشان تصریح فرموده‌اند که عدالت نباید طفیلی قوانین و سیاست‌ها باشد، بلکه باید در جان و ذات هر قانونی دمیده شود؛ زیرا عدالت جوهره حکومت دینی است. قانونی که از سرچشمه عدالت نجوشد، شایسته نام قانون نیست. ایده پیوست عدالت را باید همچون دعوت برای بازخوانی میثاقی دانست که در سال ۱۳۵۷ برای آن انقلاب شده است؛ ایده‌ای که اگر مهم انگاشته شود می‌تواند چرخه حکمرانی ما را متحول کند و سطحش را ارتقا دهد؛ می‌تواند هم قطب‌نمای پیشرفت باشد و هم نیروی محرکه آن؛ می‌تواند هم دعوت به انسجام ملی باشد و هم عامل آن.

از سوی دیگر، عصر حاضر را می‌توان عصر داده دانست. حضور و نقش‌آفرینی آن در زندگی بشر و نیاز ساحت حکمرانی به آن غیرقابل انکار است. پررنگ شدن نقش داده، مسائل جدیدی را پیش پای ما قرار داده است؛ مسائلی چون حفظ حریم خصوصی، امنیت داده، دسترسی بهینه به داده، تولید و به‌روزرسانی انواع داده، نحوه و موقف به‌کارگیری داده و... [قانون مدیریت داده‌ها و اطلاعات ملی](#) [۱] را می‌توان گامی در راستای حکمرانی داده‌محور ارزیابی کرد. قانون مذکور اگر از منظر عدالت‌بازبینی و تقویت شود، کارکرد و کارآمدی‌اش بسیار بیشتر خواهد شد. بر این اساس، در این گزارش سعی شده است تا قانون مذکور از منظر عدالت در بخش‌ها و ابعاد مختلف نقد و ارزیابی شود.

در گام نخست، سعی بر آن بود تا ارزیابی عینی از وضعیت قانون حاضر در «جدول بازبینی عدالت» ترسیم گردد که سنجشی عینی از آن قانون با مؤلفه‌های گوناگون عدالت را فراهم می‌کند. حاصل این سنجش اولیه، حاکی از میزان انطباقی در حد متوسط میان مفاد این قانون و معیارهای عدالت است. سپس، در گام دوم، هر یک از این ابعاد و سرفصل‌ها به تفصیل مورد واکاوی استدلالی قرار می‌گیرد

تا نقاط قوت و کاستی قانون از منظر هر یک از محورهای عدالت، به روشنی تبیین و تشریح گردد. در فراز پایانی و در بخش نتیجه‌گیری، تمام نقدها، ارزیابی‌ها و پیشنهادهای اصلاحی که در لابه‌لای مباحث پراکنده بود، محتسبانه گردآوری و در ساختاری نظام‌مند جمع‌شد. بر این پایه، جدولی تدوین یافت که در ستونی، متن موجود قانون و در ستونی دیگر، پیشنهادهای اصلاحی همسو با ارتقای تراز عدالت، در تقابل و تطبیق با یکدیگر قرار گرفته‌اند تا نقشه‌راهی برای بازنگری در این قانون فراهم آورند.

۲. پیشینه

جدول ۱. تحلیل پیشینه پژوهشی

ردیف	نویسندگان و سال انتشار	عنوان گزارش	درس آموخته‌ها
۱	امیررضا صدری خواه، شیخ‌آبادی، یحیی مرتب (۱۴۰۴) [۲]	تکالیف قانون مدیریت داده‌ها و اطلاعات ملی در قانون برنامه پنج‌ساله هفتم پیشرفت و ارائه پیشنهادهای سیاستی	تجربه بررسی قانون مدیریت داده‌ها و اطلاعات ملی در پیوند با احکام قانون برنامه هفتم پیشرفت نشان می‌دهد که صرف تصویب قوانین راهبردی در حوزه حکمرانی داده، بدون طراحی سازوکارهای اجرایی هماهنگ و نهادهای نظارتی مؤثر، نمی‌تواند به تحقق تعامل‌پذیری داده‌ها و انسجام نظام اطلاعاتی دولت منجر شود. اجرای مؤثر این قانون نیازمند هم‌افزایی میان قوا و نهادهای حاکمیتی، تقویت نقش و کارکرد «کارگروه تعامل‌پذیری دولت الکترونیکی» و ایجاد سازوکارهای تخصصی در سطح تقنین برای پایش اجرای تکالیف قانونی است. بدون تحقق این هماهنگی نهادی و رویکرد حکمرانی داده‌محور، پراکندگی سامانه‌ها و جزیره‌ای بودن پایگاه‌های داده تداوم یافته و اهداف کلان دولت هوشمند و بهره‌وری ملی محقق نخواهد شد. بنابراین، رویکرد آینده باید بر محور انسجام نهادی، حکمرانی داده‌محور، و نظارت مستمر بر اجرای تکالیف قانونی در چارچوب برنامه هفتم پیشرفت استوار گردد.
۲	جعفر زینت‌بخش، حسین بابایی، مجرد، مهدی خسروی (۱۴۰۴) [۳]	ارزشیابی قوانین (۴): شناسایی و تبیین پیش‌آیندها و پس‌آیندهای قانون مدیریت داده‌ها و اطلاعات ملی با رویکرد ارزشیابی فارغ از هدف	درس آموخته این گزارش آن است که تصویب قانون مدیریت داده‌ها و اطلاعات ملی هرچند گامی مهم در پاسخ به تحولات فناوری و رشد دولت داده‌محور است، بدون شناخت دقیق پیش‌آیندهای شکل‌گیری آن و درک جامع از پس‌آیندهای اجرایی‌اش، نمی‌تواند به تحقق اهداف واقعی خود منجر شود. تجربه نشان می‌دهد که رویکردهای واکنشی و شتاب‌زده در قانونگذاری داده‌محور، اگر با تحلیل نهادی، ارزیابی ظرفیت‌های اجرایی و پیش‌بینی پیامدهای ناخواسته همراه نباشد، ممکن است به ایجاد موانع جدید در مسیر حکمرانی داده و کاهش اعتماد عمومی بینجامد. از این رو، طراحی و اجرای سیاست‌های مرتبط با داده باید مبتنی بر رویکرد ارزشیابی فراهدف‌محور، مشارکت خبرگان و بازخورد مستمر از ذی‌نفعان باشد تا قانون از مرحله تصویب تا اجرا، کارآمد و مشروع باقی بماند.
۳	مهسا کریمی، حسین عزیزی، یحیی مرتب، سیدمسعود شریفی (۱۴۰۳) [۴]	بررسی چالش‌های تعامل‌پذیری دولت الکترونیکی در کشور	درس آموخته این گزارش آن است که تحقق تعامل‌پذیری دولت الکترونیکی صرفاً با تصویب قوانین و ایجاد کارگروه‌های هماهنگی میسر نمی‌شود، بلکه نیازمند تغییر رویکرد نهادی، فرهنگ سازمانی و سازوکارهای اجرایی میان‌دستگاهی است. تجربه اجرای چارچوب تعامل‌پذیری در ایران نشان می‌دهد که ضعف در همکاری، تبادل داده و هم‌راستاسازی منافع دستگاه‌ها، مانع اصلی در مسیر تحول دیجیتال دولت است. بنابراین، موفقیت در این حوزه مستلزم تعهد مدیریتی در بالاترین سطوح، طراحی مشوق‌های نهادی برای اشتراک داده، و توسعه زیرساخت‌های استاندارد تبادل اطلاعات است. فقط در چنین شرایطی می‌توان به تحقق دولت یکپارچه، شهروندمدار و داده‌محور دست یافت.



ردیف	نویسندگان و سال انتشار	عنوان گزارش	درس آموخته‌ها
۴	سپیده شفیعا، حسن پوراسماعیل، سید محمدرضا میرزابابایی (۱۴۰۱) [۵]	اظهارنظر کارشناسی درباره: «طرح یکپارچه‌سازی داده‌ها و اطلاعات ملی»	طرح یکپارچه‌سازی داده‌ها و اطلاعات ملی (شماره ثبت ۲۸۴) با هدف رفع خلأهای قانونی و موانع تبادل الکترونیکی داده‌ها میان دستگاه‌های اجرایی و در راستای توسعه دولت الکترونیکی و حرکت به سوی دولت هوشمند تدوین شده است. این طرح با شناسایی چالش‌هایی همچون عدم تمایل دستگاه‌ها به اشتراک داده‌ها، نبود اختیارات و تکالیف قانونی کافی برای متولیان دولت الکترونیکی، وجود قوانین متعارض و فقدان ضمانت اجراهای مؤثر، در پی ایجاد چارچوبی حقوقی برای حکمرانی داده، تعریف نقش‌ها و اختیارات نهادی و تضمین تبادل ایمن و کارآمد اطلاعات است. طرح مذکور پس از بررسی در کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی، با «طرح نظام جامع مدیریت داده‌های کشور و تسهیل ارائه خدمات الکترونیکی به مردم» (شماره ثبت ۴۳۴) ادغام شد و نهایتاً با عنوان «طرح مدیریت داده‌ها و اطلاعات ملی» به تصویب کمیسیون رسید.

مأخذ: یافته‌های پژوهش.

تمایز پژوهش حاضر نسبت به سوابق مطالعاتی پیشین

پژوهش حاضر با تمایز قابل توجه نسبت به مطالعات پیشین، قانون مدیریت داده‌ها و اطلاعات ملی را از منظر عدالت در حکمرانی داده‌محور ارزیابی کرده است؛ در حالی که تحقیقات پیشین عمدتاً به تحلیل‌های فنی، نهادی یا اجرایی محدود بودند و بر چالش‌های تعامل‌پذیری، ساختارهای نهادی یا درس آموخته‌های سیاستی تمرکز داشتند. نوآوری اصلی این مطالعه در طراحی جدول بازبینه عدالت به‌عنوان چارچوب تحلیلی نظام‌مند برای سنجش انطباق قانون با مؤلفه‌های عدالت نهفته است و با ارائه پیشنهادها و اصلاحی، از سطح تحلیل توصیفی فراتر رفته و به یک پیوست سیاستی اصلاح‌محور تبدیل شده است. علاوه بر این، پژوهش حاضر دو حوزه مکمل اما متفاوت، عدالت و حکمرانی داده‌ها را با یکدیگر پیوند زده است و در نتیجه، نه فقط چالش‌ها و ضعف‌های قانون را شناسایی می‌کند، بلکه نقشه‌راهی برای ارتقای تراز عدالت در متن و اجرای قانون ارائه می‌دهد؛ امری که در مطالعات پیشین مغفول مانده بود.

۳. جداول بازبینه عدالت

در این بخش نتایج حاصل از ارزیابی قانون مدیریت داده و اطلاعات ملی از منظر عدالت در برش‌های مختلف در جداول بازبینه نمایش داده شده است. منطقی و تبیین‌هریک از جداول مذکور در بخش‌های پیش‌رو به‌نحو تفصیلی توضیح داده شده‌اند. آنچه به‌صورت کلی قابل مشاهده است، آنکه میزان انطباق کلی قانون مورد بحث با عدالت در حد متوسط است. به این معنا این قانون گام بلندی در حوزه عدالت برداشته، اما هنوز با انطباق کامل با عدالت فاصله زیادی دارد و نیازمند تقویت و اصلاح در برخی موارد است.

جدول ۲. میزان انطباق کلی با عدالت

میزان انطباق کلی با عدالت:		میزان انطباق مبهم است □											
<input type="checkbox"/>	انطباق کامل	<input type="checkbox"/>	انطباق بسیار	<input type="checkbox"/>	نسبتاً منطبق □	<input type="checkbox"/>	متوسط ■	<input type="checkbox"/>	کم	<input type="checkbox"/>	بسیار کم	<input type="checkbox"/>	عدم انطباق □

مأخذ: همان.

جدول ۳. میزان ارتباط با ابعاد موضوعی عدالت

۱. چقدر و چه میزان با ابعاد موضوعی عدالت در ارتباط است؟					
ارتباط با مقوله ثروت‌ها و درآمدها:	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم
ارتباط با مقوله قدرت:	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم
ارتباط با مقوله فرصت‌ها:	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم
ارتباط با مقوله شأن و منزلت اجتماعی:	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم
ارتباط با مقوله داده و اطلاعات:	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم
ارتباط با مقوله علم و دانش:	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم
ارتباط با مقوله سلامتی:	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم

مأخذ: همان.

جدول ۴. ارزیابی مسائل از منظر عدالت

۲. ارزیابی مسائل از منظر عدالت	
آیا پوشش جامعی از مسائل مرتبط با عدالت در حوزه موضوعی وجود دارد؟	بله <input type="checkbox"/> خیر <input checked="" type="checkbox"/>
مسئله از منظر عدالت در چه اولوی قرار دارد؟	خیلی زیاد <input checked="" type="checkbox"/> زیاد <input type="checkbox"/> متوسط <input type="checkbox"/> کم <input type="checkbox"/> خیلی کم <input type="checkbox"/>

مأخذ: همان.

جدول ۵. وضعیت برابری‌های اساسی

۳. وضعیت برابری‌های اساسی				
تأثیر بر تأمین برابری تمهیدی:	مثبت زیاد	مثبت کم	خنثی	منفی کم
تأثیر بر تأمین برابری فرایندی:	مثبت زیاد	مثبت کم	خنثی	منفی کم
موضوعیت ندارد	موضوعیت ندارد	موضوعیت ندارد	موضوعیت ندارد	موضوعیت ندارد

مأخذ: همان.

جدول ۶. وضعیت تبعیض‌ها

۴. وضعیت تبعیض‌ها:					
ارتباط با تبعیض‌های روا:	عموماً ناموجه	بخشی ناموجه	اندکی ناموجه	موجه	ناموجه
تبعیض عمومیت:	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	بی‌ارتباط
تبعیض جبرانی:	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	بی‌ارتباط
تبعیض کارآمد پایه:	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	بی‌ارتباط
تبعیض ارزش پایه:	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	بی‌ارتباط

مأخذ: همان.



جدول ۷. ارزیابی در ابعاد بخشی عدالت

۵. ارزیابی در ابعاد بخشی عدالت

ارزیابی از منظر توزیع اولیه:	مثبت زیاد	<input type="checkbox"/>	مثبت کم	<input checked="" type="checkbox"/>	بی‌اثر	<input type="checkbox"/>	منفی کم	<input type="checkbox"/>	منفی زیاد	<input type="checkbox"/>	اثر مبهم	<input type="checkbox"/>	در ارتباط با توزیع اولیه نیست	<input type="checkbox"/>
ارزیابی از منظر توزیع تعاملی:	مثبت زیاد	<input type="checkbox"/>	مثبت کم	<input type="checkbox"/>	بی‌اثر	<input type="checkbox"/>	منفی کم	<input checked="" type="checkbox"/>	منفی زیاد	<input type="checkbox"/>	اثر مبهم	<input type="checkbox"/>	در ارتباط با تعاملی نیست	<input type="checkbox"/>
ارزیابی از منظر عدالت تأمینی:	مثبت زیاد	<input checked="" type="checkbox"/>	مثبت کم	<input type="checkbox"/>	بی‌اثر	<input type="checkbox"/>	منفی کم	<input type="checkbox"/>	منفی زیاد	<input type="checkbox"/>	اثر مبهم	<input type="checkbox"/>	در ارتباط با عدالت تأمینی نیست	<input type="checkbox"/>
ارزیابی در بُعد عدالت ترمیمی:	مثبت زیاد	<input type="checkbox"/>	مثبت کم	<input type="checkbox"/>	بی‌اثر	<input type="checkbox"/>	منفی کم	<input type="checkbox"/>	منفی زیاد	<input checked="" type="checkbox"/>	اثر مبهم	<input type="checkbox"/>	در ارتباط با عدالت ترمیمی نیست	<input type="checkbox"/>
ارزیابی از منظر عدالت جزایی:	مثبت زیاد	<input type="checkbox"/>	مثبت کم	<input type="checkbox"/>	بی‌اثر	<input type="checkbox"/>	منفی کم	<input type="checkbox"/>	منفی زیاد	<input checked="" type="checkbox"/>	اثر مبهم	<input type="checkbox"/>	در ارتباط با عدالت جزایی نیست	<input type="checkbox"/>

مأخذ: همان.

جدول ۸. عدالت در مقایسه میان برش‌های اجتماعی و جمعیتی

۶. عدالت در مقایسه میان برش‌های اجتماعی و جمعیتی

اثر در بهبود عدالت در برش نسلی:	مثبت زیاد	<input checked="" type="checkbox"/>	مثبت کم	<input type="checkbox"/>	بی‌اثر	<input type="checkbox"/>	منفی کم	<input type="checkbox"/>	منفی زیاد	<input type="checkbox"/>	اثر مبهم	<input type="checkbox"/>	در ارتباط با برش نسلی نیست	<input type="checkbox"/>
اثر در بهبود عدالت در برش قومی:	مثبت زیاد	<input type="checkbox"/>	مثبت کم	<input type="checkbox"/>	بی‌اثر	<input type="checkbox"/>	منفی کم	<input type="checkbox"/>	منفی زیاد	<input type="checkbox"/>	اثر مبهم	<input type="checkbox"/>	در ارتباط با برش قومی نیست	<input checked="" type="checkbox"/>
اثر در بهبود عدالت در برش منطقه‌ای:	مثبت زیاد	<input type="checkbox"/>	مثبت کم	<input type="checkbox"/>	بی‌اثر	<input type="checkbox"/>	منفی کم	<input type="checkbox"/>	منفی زیاد	<input type="checkbox"/>	اثر مبهم	<input type="checkbox"/>	در ارتباط با برش منطقه‌ای نیست	<input checked="" type="checkbox"/>
اثر در بهبود عدالت در برش جنسی:	مثبت زیاد	<input type="checkbox"/>	مثبت کم	<input type="checkbox"/>	بی‌اثر	<input type="checkbox"/>	منفی کم	<input type="checkbox"/>	منفی زیاد	<input type="checkbox"/>	اثر مبهم	<input type="checkbox"/>	در ارتباط با برش جنسی نیست	<input checked="" type="checkbox"/>
اثر در بهبود عدالت در برش قشری:	مثبت زیاد	<input type="checkbox"/>	مثبت کم	<input type="checkbox"/>	بی‌اثر	<input type="checkbox"/>	منفی کم	<input checked="" type="checkbox"/>	منفی زیاد	<input type="checkbox"/>	اثر مبهم	<input type="checkbox"/>	در ارتباط با برش قشری نیست	<input type="checkbox"/>
اثر در بهبود عدالت در برش طبقات اقتصادی:	مثبت زیاد	<input type="checkbox"/>	مثبت کم	<input type="checkbox"/>	بی‌اثر	<input type="checkbox"/>	منفی کم	<input type="checkbox"/>	منفی زیاد	<input type="checkbox"/>	اثر مبهم	<input type="checkbox"/>	در ارتباط با طبقات اقتصادی نیست	<input checked="" type="checkbox"/>

مأخذ: همان.

جدول ۹. تناسب طرح با مبانی عدالت

۷. آیا مبانی طرح / لایحه در تناسب با مبانی عدالت اسلامی است؟

در تناسب است	<input checked="" type="checkbox"/>
در تناسب نیست	<input type="checkbox"/>

مأخذ: همان.

جدول ۱۰. فساد و تعارض منافع

۸. فساد و تعارض منافع

آیا امکان ایجاد فساد وجود دارد؟	بله	<input type="checkbox"/>	خیر	<input checked="" type="checkbox"/>	موضوعیت ندارد	<input type="checkbox"/>
آیا امکان ایجاد تعارض منافع وجود دارد؟	بله	<input checked="" type="checkbox"/>	خیر	<input type="checkbox"/>	موضوعیت ندارد	<input type="checkbox"/>

مأخذ: همان.

جدول ۱۱. وضعیت در شاخصه‌های مردمی بودن سیاست‌ها

۹. وضعیت در شاخصه‌های مردمی بودن سیاست‌ها			
آیا ایده‌های مردمی بررسی شده است؟	بله <input type="checkbox"/>	خیر <input type="checkbox"/>	موضوعیت ندارد <input checked="" type="checkbox"/>
آیا منابع و نیروهای مردمی در اجرای سیاست در اولویت قرار گرفته‌اند؟	بله <input type="checkbox"/>	خیر <input checked="" type="checkbox"/>	موضوعیت ندارد <input type="checkbox"/>
آیا شفافیت در تصمیم‌گیری‌ها و فرایندها برای مردم رعایت شده است؟	بله <input type="checkbox"/>	خیر <input checked="" type="checkbox"/>	موضوعیت ندارد <input type="checkbox"/>
آیا اقناع کافی در خصوص سیاست در جامعه صورت گرفته است؟	بله <input type="checkbox"/>	خیر <input type="checkbox"/>	موضوعیت ندارد <input checked="" type="checkbox"/>
چه تأثیری بر احساس عدالت در جامعه خواهد داشت؟	تأثیر مثبت <input type="checkbox"/>	بی‌تأثیر <input checked="" type="checkbox"/>	تأثیر منفی <input type="checkbox"/>

مأخذ: همان.

۴. ارزیابی از منظر ابعاد موضوعی عدالت

قوانین و تصمیمات سیاستی عموماً آثار چندبعدی در جامعه از خود بر جای می‌گذارند. آثار یک قانون یا تصمیم سیاستی محصور در قصد و خواست سیاستگذاران نیست و می‌تواند در مقام اجرا، دامنه یابد و در حوزه‌های دیگر نیز سرریز نماید. احصای کامل ابعاد و گستره یک قانون و فهم میزان تماس آن با عدالت، به ما کمک خواهد کرد تا در تحلیل آثار قانون، از آثار غیرمستقیم و خارج از مقصود قانونگذار یا پیامدهای ناخواسته آن، غافل نماند و بتوان ارزیابی جامع و دقیقی از نظرگاه عدالت داشت.

در یک احصای کلی می‌توان ابعاد موضوعی عدالت را در هفت بُعد بخش‌بندی نمود. این ابعاد عبارت‌اند از: «ثروت»، «قدرت»، «فرصت»، «شأن و منزلت اجتماعی»، «داده و اطلاعات»، «دانش و علم» و «سلامتی». ابعاد هفت‌گانه مذکور در واقع همان «خیرهای اجتماعی» اند که افراد در جامعه برای به‌دست آوردن آنها می‌کوشند. محدودیت در آنها محفل و بستر تعارضات و اختلافات است و حل این تعارضات دعوت از هنجار عدالت را ضروری می‌کند. البته باید توجه داشت که تماس با ابعاد هفت‌گانه فوق، به یک میزان در هر ماده یا تبصره نیست و هر ماده و هر تبصره‌ای به اقتضای خود، وزن خاصی از ارتباط با آنها را به همراه دارد.

بررسی مواد این قانون نشان از تماس معنادار آن با مقولاتی چون، «قدرت»، «داده و اطلاعات» و نیز «فرصت» دارد. بیشترین تماس با مقوله قدرت است و در عموم مواد و تبصره‌های آن در صدد تقسیم قدرت، اختیارات و مسئولیت‌ها میان نهادهای مختلف و تنظیم روابط مدیریتی و نظارتی و به تعبیر جامع‌تر ساختارسازی میان کنشگران این عرصه است. از همین رو در ادامه خواهیم دید عمده ثقل این قانون بر مباحث ساختاری معطوف است. این قانون در اولویت دوم با مقوله «داده و اطلاعات» در تماس بوده و این امر از آن حیث است که اساساً موضوع این قانون، داده و اطلاعات ملی است. در برخی از مواد از جمله (۴)، (۷) و (۹) نیز به صورت مختصر و جزئی با مقوله فرصت‌ها ارتباط برقرار شده است. مقوله فرصت‌ها هم با بخش تمهیدی و نیز بخش تحلیل مبتنی بر شاخصه‌های مردمی بودن، نقش آفرین است.

در پایان گفتنی است، تأکید بر مقولات مذکور به معنای عدم ارتباط با سایر مقولات و ابعاد موضوعی نیست. هیچ قانونی نمی‌تواند به صورت مطلق با مقولات هفت‌گانه بی‌ارتباط باشد. لذا همان‌طور که در جدول ناظر به ابعاد موضوعی مشاهده می‌شود، صحیح آن بود که ارتباط با سایر مقولات بسیار کم فرض شود.



۵. ارزیابی از منظر مسئله



باید توجه داشت که قوانین برای حل مسائل و چالش‌ها یا برای جلوگیری از پیش‌آمد آنها طراحی، تصویب و اجرا می‌شوند؛ لذا می‌توان مسئله و درک درست آن را، نقطه صفر حکمرانی خردمندانانه دانست. مسئله، مصداق خشت اول سیاست‌ورزی است که اگر معمار سیاست آن را کج جای نهد، بنای سیاست تا ثریا کج خواهد رفت و هرگز سازه‌های مطمئن و پایدار نخواهد شد. اختلال در شناسایی درست مسئله، بدون شک ظرفیت‌های حکمرانی کشور را به بیراهه می‌برد و به شکست و ناکارآمدی آن خواهد انجامید. اساساً مسئله زاییده نوعی رویکرد ارزش‌شناختی است و بدون تحلیل هنجاری نمی‌توان مسائل را درک کرد. از این رو پیوست عدالت باید نگرانی و دغدغه جدی پیرامون نظام مسائل یک قانون داشته باشد و به‌طور خاص، کلان مسائل آن را از منظر عدالت و اینکه به چه میزان در رویکرد عدالت‌خواهانه دارای وزن و ضرورت توجه باشند، ارزیابی کند. تحلیل قانون «مدیریت داده‌ها و اطلاعات ملی» از منظر نظام مسائل آن، می‌تواند روایت قابل توجهی از جهت‌گیری کلان این قانون را به نمایش گذارد.

اگر رویکرد عدالت‌خواهانه ملاک کشف و احصای مسائل در حوزه داده و اطلاعات ملی قرار داده شود، می‌توان کلان مسائل آن را در پنج دسته ذیل برشمرد:

- ۱) مسائل مرتبط با تأمین حقوق اولیه جامعه در دسترسی به داده‌های عمومی که با برداشتن موانع، تسهیل دسترسی آحاد جامعه به داده‌ها و اطلاعات ملی و نیز از بین بردن انواع تبعیض‌ها و رانت‌های ممکن در دسترسی به داده و اطلاعات به‌عنوان منابع عمومی، فراهم می‌شود.
- ۲) مسائل مرتبط با تعاملات و تبادلات داده و اطلاعات که مرتبط با تولید، به‌روزرسانی، فراوری و ایجاد بستر و امکان مبادله داده و اطلاعات و نیز مسائلی چون حقوق مالکیت و ارزش‌گذاری داده و اطلاعات و نیز نرخ خدمات مرتبط با این حوزه است.
- ۳) مسائل صیانتی مرتبط با داده و اطلاعات ملی که شامل مواردی چون حفظ و نگهداری داده و اطلاعات، حفظ حریم خصوصی، تقویت امنیت داده‌ها و اطلاعات در سطح ملی، مجازات خاطیان، جبران آسیب‌ها، افزایش توان و قدرت نظارتی و... می‌شود.
- ۴) مسائل مرتبط با افزایش کارآمدی در بهره‌برداری جامعه از داده و اطلاعات ملی که شامل تقویت توان مدیریت، بهینه‌سازی، سامان‌دهی، انسجام‌بخشی، یکپارچه‌سازی، هماهنگی، سرمایه‌گذاری و توسعه زیرساخت‌ها، کاهش هزینه تبادلات داده و اطلاعات می‌شود.
- ۵) رشد و ارتقای جامعه که از یک سو مرتبط با داده‌هایی است که حقوق شهروندی ایجاد می‌کند تا حاکمیت به‌نحو تکلیف‌ایجابی بخشی از داده‌ها و اطلاعات ملی را به آحاد جامعه برساند. این امر فراتر از ایجاد دسترسی به داده و اطلاعات است. از سوی دیگر مرتبط با نحوه استفاده و به‌کارگیری داده و اطلاعات به‌عنوان یک منبع زیرساختی برای رشد و رفاه جامعه است. این امر نیز نیازمند سیاست‌گذاری و راهبری است تا منابع داده‌ای و اطلاعاتی در خدمت رشد و رفاه جامعه قرار گیرند.

اگر قانون مدیریت داده‌ها و اطلاعات ملی بخواهد تناسب خود با عدالت را بیشتر نماید، باید تمام مسائل مذکور را پوشش دهد. آنچه از مطالعه و تحلیل این قانون می‌توان نتیجه گرفت، آن است که تأکید و تمرکز آن بر محور چهارم از مسائل مذکور است و همان‌طور که از عنوان این قانون روشن است، سعی بر آن داشته است تا مسیر و بستری برای «تقویت توان مدیریت» در حوزه داده‌ها و اطلاعات ملی ایجاد نماید و از این رو در غالب مواد متمرکز بر تقسیم کار و تعیین مسئول و متولی برای عرصه‌های مختلف مدیریت داده و اطلاعات بوده است. بدین شکل که مسئله اصلی در ماده (۲) تعیین متولی سیاست‌گذاری کلان است؛ مسئله اصلی در ماده (۳) تعیین متولی اعمال و نظارت بر اجرای سیاست‌های کلان است؛ مسئله اصلی در ماده (۵) تعیین متولی حفاظت، صیانت و امنیت داده‌ها و اطلاعات است؛ مسئله اصلی ماده (۷) تعیین متولی تبادل داده‌ها و اطلاعات است؛ مسئله اصلی در مواد (۸) و (۱۰) تعیین مسئول و متولی برای اداره و به‌روزرسانی داده‌ها و اطلاعات به‌صورت حوزه‌ای است.

نه تنها این قانون پوشش جامعی از مسائل ندارد، بلکه حتی اگر موضوع محدود در «مدیریت» داده‌ها و اطلاعات ملی دانسته شود، باز هم از

منظر مسئله‌شناسی دچار نقص است و این قانون نتوانسته پوشش جامعی از مسائل مدیریتی این عرصه نیز داشته باشد. تقویت توان مدیریتی علاوه بر تعیین متولی برای امور مختلف، نیازمند توجه به مسائل ساختاری و تنظیم روابط نهادی، توجه به تأمین ظرفیت‌های انسانی و مالی مورد نیاز برای تحقق اهداف، طراحی ابزارهایی برای ایجاد انگیزه و مهار کنشگران مرتبط و نیز مسائل مرتبط با ابعاد نظارتی، ارزیابی و پاسخ‌گویی است. در بخش‌های بعدی نشان داده خواهد شد که از عموم ابعاد شمارش شده یا به‌طور کلی در این قانون غفلت شده یا به آنها بسیار اندک و رقیق توجه شده است.

ممکن است چنین فرض شود که با توجه به ماده (۲) و تعیین نقش سیاستگذاری و راهبری کلان برای شورای عالی فضای مجازی، این نهاد دارای اختیار و ظرفیت لازم برای جبران خلأهای مذکور است؛ به این صورت که شورای عالی می‌تواند در مصوبات خود، آن دسته از مسائل اساسی را که در قانون مغفول مانده، پوشش داده و نقص‌های موجود را برطرف سازد. این نگاه می‌تواند درست باشد، مشروط بر آنکه انشای ماده (۲) با دغدغه ایجاد جامعیت در پوشش مسائل تغییر نماید. مسئله اصلی و کلان این قانون در ماده (۲) در قالب هدف به صورت «افزایش قدرت حکمرانی، سامان‌دهی و انسجام‌بخشی به نظام تبادل داده‌ها و اطلاعات، گسترش تبادل اطلاعات میان دستگاه‌ها و نهادهای مشمول این قانون و تسهیل دسترسی به اطلاعات پایه برای کسب و کارهای بخش خصوصی» بیان شده است. در این بند بر «افزایش قدرت حکمرانی»، «گسترش تبادل اطلاعات میان دستگاه‌ها و نهادهای مشمول این قانون» و «تسهیل دسترسی به اطلاعات پایه برای کسب و کارهای بخش خصوصی» تأکید شده است. هر یک از موارد مذکور با توجه به اهمیت روزافزون عرصه داده و اطلاعات، می‌توانند با اولویت بالا ارزیابی شوند. انشای ماده (۲) این معنا را می‌رساند که شورای عالی فضای مجازی در صورتی می‌تواند در عرصه‌هایی چون تولید، نگهداری، پردازش، دسترسی، یکپارچه‌سازی، تبادل و امنیت داده و اطلاعات ملی، سیاستگذاری و راهبرد کلان تصویب نماید که این سیاست‌ها لزوماً با هدف افزایش قدرت حکمرانی، گسترش تبادل اطلاعات و تسهیل دسترسی به اطلاعات باشد. نوع و شکل بیان این سه مقوله به عنوان هدف به آن شکل معنا می‌شود که سیاستگذاری با اهدافی چون افزایش امنیت یا صیانت از حریم خصوصی یا با هدف تشویق سرمایه‌گذاری و افزایش توان تولید داده، خارج از حیطه اختیارات شورای عالی فضای مجازی است.

باید توجه داشت که مدیریت و تقویت توان حکمرانی در حوزه داده و اطلاعات ملی به عنوان یک مسئله و هدف میانی مطرح است نه هدف غایی. تقویت توان حکمرانی باید در راستای مرتفع شدن مسائل پنج‌گانه ذکر شده در عبارت‌های پیشین اعمال شود و هدف از سیاستگذاری‌های کلان باید حل مسائل شمارش شده از منظر عدالت باشد.

این توضیح نیز لازم است که متن ماده (۲) از منظر اصول قانون‌نویسی دارای اشکالاتی است؛ از یک سو این ماده طولانی و پیچیده نوشته شده و چندین هدف و وظیفه را در یک جمله گنجانده است که خوانایی و درک آن را دشوار می‌سازد. از سوی دیگر، مفاهیم کلیدی مبهم مثل افزایش قدرت حکمرانی در آن گنجانده شده است که می‌تواند زمینه‌ساز سوءتفسیرهای سلیقه‌ای باشد. در متن ماده (۲) به هیچ مکانیزمی در خصوص نظارت بر عملکرد شورا یا الزام آن به ارائه گزارش پیش‌بینی نشده است. همچنین عبارت «سیاستگذاری و تصویب» دارای ابهام است. آیا بدان معناست که شورا هم سیاستگذاری و هم آن را تصویب می‌کند؟ با توجه به این توضیحات، ماده (۲) به این شکل می‌تواند اصلاح شود:



جدول ۱۲. پیشنهادهای اصلاحی برای ارتقای قانون از منظر جامعیت مسئله

متن قانون	متن پیشنهادی برای ارتقا از منظر جامعیت مسئله
<p>ماده (۲) سیاستگذاری و تصویب راهبردهای کلان نظام تولید، نگهداری، پردازش، دسترسی، یکپارچه‌سازی، تبادل و امنیت داده‌ها و اطلاعات ملی با هدف افزایش قدرت حکمرانی، سامان‌دهی و انسجام‌بخشی به نظام تبادل داده‌ها و اطلاعات، گسترش تبادل اطلاعات میان دستگاه‌ها و نهادهای مشمول این قانون و تسهیل دسترسی به اطلاعات پایه برای کسب و کارهای بخش خصوصی بر عهده «شورای عالی فضای مجازی» است.</p>	<p>ماده (۲): سیاستگذاری، تعیین راهبردهای کلان و نظارت عالی بر حکمرانی داده‌ها و اطلاعات ملی با اهداف و وظایف زیر بر عهده شورای عالی فضای مجازی است:</p> <p>الف) اهداف و مأموریت‌ها</p> <ul style="list-style-type: none"> - تسهیل دسترسی بهینه و عادلانه جامعه به داده‌ها و اطلاعات ملی. - توسعه زیرساخت‌ها و استانداردهای تبادل و یکپارچه‌سازی داده‌ها. - صیانت از حریم خصوصی افراد و امنیت داده‌ها و اطلاعات ملی. - ارتقای کارآمدی و ارزش‌آفرینی داده‌ها در خدمت توسعه اقتصادی، علمی و اجتماعی کشور. <p>ب) وظایف و اختیارات</p> <p>به منظور تحقق اهداف مندرج در ماده (الف)، وظایف و اختیارات شورای عالی فضای مجازی شامل این موارد است:</p> <ul style="list-style-type: none"> - تصویب راهبرد کلان و نقشه جامع حکمرانی داده‌ها و اطلاعات ملی. - تصویب استانداردهای امنیتی، فنی و حقوقی در چرخه حیات داده (تولید، ذخیره‌سازی، پردازش، تبادل و انتشار). - تعیین نهادهای متولی و نظارت بر عملکرد آنان در حوزه‌های تخصصی داده. <p>تبصره: پیگیری و نظارت بر اجرای مصوبات این شورا و ارائه گزارش سالیانه به مقام رهبری بر عهده مرکز ملی فضای مجازی است.</p>

مأخذ: همان.

۶. ارزیابی از منظر برابری‌های اساسی



برابری نقش غیر قابل انکار و جایگاه مهمی در نظریه عدالت داشته و از دیرباز قرابت نزدیکی با آن دارد؛ تاجایی که همواره جنبش‌های عدالت‌خواه، وصف ناعادلانه را برای تقبیح نابرابری‌ها به کار برده‌اند. البته این سخن به معنای محدود کردن عدالت به برابری خواهی نیست. برابری، برخلاف چهره به‌ظاهر ساده خود، مفهومی غامض و قابل مناقشه دارد. هم برابری و هم نابرابری مفاهیمی ذوابعد است و واکاوی نظریه‌های مبتنی بر برابری در سیر تاریخی آنها نشان از آن دارد که این مفهوم در هر بازه تاریخی با تقریر متفاوتی تعریف شده است. برابری اقسام گوناگونی می‌تواند داشته باشد؛ اما آنچه در این بخش به آن پرداخته و قانون مورد بحث از آن منظر ارزیابی خواهد شد، دو شکل از برابری یعنی «برابری تمهیدی» و «برابری تعاملی» است. لذا در ادامه سعی خواهد شد در دو زیرفصل مجزا، وضعیت برابری‌های مذکور در این قانون تحلیل شود.

۱. گفتنی است که در جداول پایان هر بخش، صرفاً آنچه حاصل نقدهای مرتبط با همان بخش بوده، در متن پیشنهادی ذکر شده است. برآیند همه بخش‌ها و نقدها به‌صورت یکپارچه در بخش جمع‌بندی و نتیجه‌گیری بیان شده است. لذا نباید متن پیشنهادی در جداول پایان هر بخش به عنوان متن پیشنهادی نهایی تلقی شود.

۱-۶. تحلیل از منظر برابری تمهیدی

برابری تمهیدی، بر وضعیت زمینه‌ها و مقدمات لازم برای تعاملات اجتماعی تأکید دارد. مبتنی بر برابری تمهیدی، ساختارهای اجتماعی نباید به‌نحوی سامان‌دهی شوند که از فرد یا گروهی علیه فرد یا گروه دیگر در بهره‌مندی از مواهب اولیه و بسترهای کمال و رشد، جانب‌داری صورت گیرد. یکی از مصادیق بارز مواهب اولیه، بهره‌گیری از «منابع اولیه» است. اولیه بودن منابع، بیش از آنکه به خود منابع وابسته باشد، وابسته به افرادی است که بهره‌گیری از آن منابع برای آنها مورد بحث است؛ به عبارتی، اولیه بودن منابع در نسبت با افراد است نه در ذات خود منابع. اگر آنچه مورد بحث است، در نسبت با افرادی باشد که آن افراد در به وجود آمدن آن منابع هیچ نقشی نداشته باشند یا اگر هم دارای نقش باشند، سهم‌بری از آن منابع کاملاً مستقل از نقش آنها در ایجاد یا دسترسی به آن منابع تعریف شود، آن قسم از منابع به‌عنوان منابع اولیه عنوان‌گذاری خواهد شد.

با این تعریف، بخش عمده‌ای از منابع اولیه شامل منابع طبیعی مثل جنگل‌ها، کوه‌ها، دریاها، نفت، گاز، معادن، زمین‌های بایر و... است. اما نکته مهم آن است که داده‌ها و اطلاعات مورد بحث در این قانون نیز مصداق روشن و بارزی از منابع اولیه است. این داده‌ها در طول زمان با منابع و بودجه‌های عمومی تجمیع شده‌اند و افراد اگر نقشی در انباشت آنها داشته‌اند، همگی حق‌العمل خود را به‌عنوان حقوق و دستمزد از منابع عمومی دریافت کرده‌اند. یکی از اساسی‌ترین نقاط قوت قانون مدیریت داده‌ها و اطلاعات ملی، در همان ملی‌سازی این منابع نهفته است. فهم اینکه این داده‌ها ملی است و باید در خدمت منافع ملی و آحاد جامعه باشد و بخش‌های مختلف حاکمیت نمی‌توانند آنها را در حبس خود نگاه دارند، ارتقای بسیار معناداری از منظر معیار برابری تمهیدی ایجاد کرده است. تعریف ارائه شده برای داده‌ها و اطلاعات ملی، در بند «ت» ماده (۱)، گستره و عمومیت بسیار خوبی را شامل می‌شود و تعریف مذکور را می‌توان به‌عنوان یک نقطه قوت دیگر این قانون در بُعد تمهیدی ذکر کرد.

هر چند این قانون توانسته داده‌ها و اطلاعات عمومی را از اختصاصی‌سازی سازمانی، بخشی و نهادی خارج نماید، نتوانسته است به نگاه ملی ملتزم بماند. تأمل در مواد مختلف این قانون گویای تنزل از نگاه ملی به نگاه دولتی است. در ماده (۴) داده‌ها و اطلاعات را در اختیار دولت جمهوری اسلامی ایران فرض نموده و این بدان معناست که داده‌ها و اطلاعاتی که در اختیار بخش‌ها و سازمان‌ها و نهادهای مختلف است، منابع اختصاصی آنها نبوده و دولت، تصمیم‌گیر اولیه در خصوص آنهاست. البته گفتنی است که در معنای عبارت «در اختیار دولت بودن» ابهام وجود دارد و مشخص نیست که مقصود از آن به‌معنای مالکیت است؟ یا حاکمیت؟ یا مدیریت؟ این ابهام می‌تواند به تفسیرهای گسترده و انحصاری بینجامد؛ لذا بهتر آن است که عبارت مذکور به «حاکمیت و مدیریت یکپارچه» تغییر یابد. این عبارت مفهوم دقیق‌تر و پذیرفته‌شده‌تری است و بار مالکیت انحصاری را ندارد و تأکید بر عبارت «مدیریت یکپارچه» وظیفه دولت را نیز بهتر تبیین می‌نماید. همچنین با پیشنهادهای اصلاحی پیش‌رو برای اصلاح نگاه دولتی به داده‌ها و اطلاعات همگن‌تر است. این عبارت بدان معناست که دولت به‌عنوان وکیل و نماینده مردم، اختیار مدیریت و اعمال حاکمیت بر داده‌های ملی را به‌دست می‌گیرد.

نکته دیگر آنکه در تبصره ماده (۴) از تعیین سطح دسترسی توسط کارگروه تعامل‌پذیری دولت الکترونیکی صحبت شده است. صحبت از تعیین سطح دسترسی در ماده (۸) و نیز بند «ت» ماده (۱۲) نیز تکرار شده است. اشکال این نگاه آن است که اصل را بر عدم دسترسی فرض کرده و دسترسی را منوط به مجوز و تأیید کارگروه تعامل‌پذیری دولت الکترونیکی قرار داده است. حال آنکه اگر نگاه ملی بوده باشد، اصل بر حق دسترسی است؛ مگر آنکه به‌دلایلی مثل حفظ حریم خصوصی اشخاص یا مباحث امنیت ملی، دسترسی به برخی از داده‌ها استثنا شود. این موضوع بدان معناست که باید بار استدلال و سختی توجیه در جلسه کارگروه تعامل‌پذیری دولت الکترونیکی، بر دوش کسی باشد که خواهان یا مدعی محدودیت در دسترسی است، نه کسی که خواهان دسترسی است. متن قانون باید به‌نحوی اصلاح شود که اصل را بر دسترسی قرار دهد، مگر آنکه محدودیت‌هایی از جنس حفظ حریم خصوصی و نیز امنیت ملی مانع از دسترسی آزاد شود. در این صورت نیاز به آن است که سازوکار شفاف‌تری برای اعتراض به تصمیمات کارگروه یا نظارت بر آن پیش‌بینی شود و ضمانت اجرایی برای دستگاه‌های متخلف که به تعهد خود برای تأمین دسترسی عمومی عمل نکنند، در نظر گرفته شود.



موضوع دیگری که می‌توان در راستای عدم امتداد نگاه ملی به داده‌ها و اطلاعات مورد بحث در این قانون بدان اشاره داشت آن است که استفاده و بهره‌گیری از این منابع به دستگاه‌های عمومی و کسب و کارهای خصوصی محدود شده است. به این موضوع در مواد (۲) و (۷) اشاره شده است. گفتنی است که در خصوص کسب و کارها در عبارت پردازی محدودیت بیشتری وضع شده و دسترسی صرفاً به «اطلاعات پایه» داده شده است. در این عبارت پردازی اولاً دسترسی به «داده‌ها» را اساساً حذف نموده و ثانیاً دسترسی به اطلاعات را به «اطلاعات پایه» محدود کرده است. افزون بر این، سؤال دیگر آن است که آیا استفاده از داده‌ها و اطلاعات مورد بحث فقط برای کسب و کارهای خصوصی متصور است؟ آیا بخش تعاونی یا بخش مردمی برای موضوعات غیرانتفاعی نمی‌تواند متقاضی استفاده از آنها باشد؟ آیا بخش‌های مردمی نمی‌توانند از داده‌ها و اطلاعات مذکور برای امور علمی، فرهنگی و سیاسی استفاده کنند؟ آیا به‌عنوان مثال یک دانشجو یا استاد دانشگاه یا حوزه نمی‌تواند برای بهره‌گیری در پژوهش‌های خود متقاضی دسترسی به آنها باشد؟ آیا دانشگاه‌ها، حوزه‌های علمیه، پژوهشگاه‌ها و... نمی‌توانند متقاضی بهره‌گیری از داده‌های مذکور باشند؟ محدود شدن تبادلات و دسترسی به کسب و کارهای خصوصی باعث شده این قانون در تأمین برابری تمهیدی دچار چالش باشد و برای رفع این نقیصه، لازم است که قانون بسترهای دسترسی برای بخش غیردولتی را با نگاه وسیع‌تری مورد توجه قرار دهد.

همچنین نیاز است به نکته دیگری در ارتباط با برابری تمهیدی در ماده (۷) توجه شود. عبارت به کار گرفته شده در ابتدای این ماده به این شکل است: «تبادل داده‌ها و اطلاعات بین دستگاه‌ها و نهادهای مشمول این قانون با دستگاه‌های اجرایی». آنچه نیازمند توجه است، عبارت «دستگاه‌های اجرایی» است. عبارت فوق این‌گونه بیان شده است که در تبادل داده، همواره باید یک طرف تبادل دستگاه‌های اجرایی باشد. هر چند در عبارت دستگاه‌های اجرایی ابهام وجود دارد، به نظر مقصود دستگاه‌های ذیل قوه مجریه است. مفهوم متن مورد بحث آن است که، دستگاه‌هایی که ذیل قوه مجریه قرار ندارند، نمی‌توانند تبادل داده با یکدیگر داشته باشند یا اگر تبادل داده داشته باشند، نیازی به آن نیست که تبادل خود را از بستر «مرکز ملی تبادل اطلاعات» وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات، انجام دهند. ارتباط این موضوع با برابری تمهیدی از آن روست که شمولیت قانون را با عبارت پردازی ضعیف کاهش داده است. متن باید به شکلی اصلاح شود که مفهوم آن این باشد هر نوع تبادل داده‌ای باید از طریق مرکز ملی تبادل اطلاعات رخ دهد و نیز دستگاه‌های خارج از قوه مجریه نیز می‌توانند با همدیگر تبادل داشته باشند.

همچنین به این موضوع نیز باید توجه کرد که در ماده (۷)، انشای متن به نحوی است که تبادل اطلاعات دستگاه‌های مشمول با کسب و کارها، تبادلی دوطرفه معنا می‌شود. منطقی است که اگر کسب و کارها تقاضای دسترسی به داده‌ها و اطلاعات ملی داشته باشند، باید از طریق مرکز ملی تبادل اطلاعات دریافت نمایند؛ اما آیا تقاضای داده توسط دستگاه‌های عمومی از کسب و کارها نیز باید انحصاراً از همان طریق صورت گیرد؟ به نظر، مقصود قانونگذار این نبوده است و اگر هم چنین باشد، ضرورتی برای این موضوع نیست و این امر باعث افزایش تکلف خواهد شد. لذا بهتر آن است که در آن تأکید بر «دسترسی» باشد نه تبادل.

برای آنکه بتوان عیار برابری تمهیدی را در موادی که در آنها از محدودیت دسترسی صحبت شده است، افزایش داد، باید مواد مرتبط با برابری تمهیدی به این شکل اصلاح و تغییر یابند:

جدول ۱۳. پیشنهاد‌های اصلاحی برای ارتقای قانون در معیار برابری تمهیدی

متن پیشنهادی برای ارتقا در معیار برابری تمهیدی	متن قانون
<p>ماده (۲): سیاست‌گذاری و تصویب راهبردهای کلان نظام تولید، نگهداری، پردازش، دسترسی، یکپارچه‌سازی، تبادل و امنیت داده‌ها و اطلاعات ملی با هدف افزایش قدرت حکمرانی، سامان‌دهی و انسجام‌بخشی به نظام تبادل داده‌ها و اطلاعات، گسترش تبادل اطلاعات میان دستگاه‌ها و نهادهای مشمول این قانون و تسهیل دسترسی به اطلاعات ملی برای بخش خصوصی و غیر دولتی دارای شخصیت حقوقی مستقل برعهده «شورای عالی فضای مجازی» است.</p>	<p>ماده (۲): سیاست‌گذاری و تصویب راهبردهای کلان نظام تولید، نگهداری، پردازش، دسترسی، یکپارچه‌سازی، تبادل و امنیت داده‌ها و اطلاعات ملی با هدف افزایش قدرت حکمرانی، سامان‌دهی و انسجام‌بخشی به نظام تبادل داده‌ها و اطلاعات، گسترش تبادل اطلاعات میان دستگاه‌ها و نهادهای مشمول این قانون و تسهیل دسترسی به اطلاعات پایه برای کسب و کارهای بخش خصوصی برعهده «شورای عالی فضای مجازی» است.</p>
<p>ماده (۴): حاکمیت و مدیریت یکپارچه داده‌ها و اطلاعات ملی به نمایندگی از جانب جمهوری اسلامی ایران، برعهده دولت است. تبصره «۱»: دستگاه‌های مشمول موظف‌اند اطلاعات عمومی (موضوع ماده (۱۰) قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات) خود را حداکثر ظرف ۶ ماه از تاریخ ابلاغ این قانون در این درگاه بارگذاری و به‌روزرسانی نمایند. تبصره «۲»: فهرست داده‌های ملی که دسترسی به آنها به موجب قوانین خاص یا به تشخیص کمیسیون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات (موضوع ماده (۱۸) قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات) به دلایل قطعی امنیت ملی محدود می‌شود، باید به صورت شفاف و علنی اعلام گردد. اعمال هرگونه محدودیت علاوه بر آنها ممنوع است. تبصره «۳»: آیین‌نامه اجرایی این ماده، شامل فرایندهای دسترسی، اعتراض و نظارت، ظرف سه ماه توسط شورای عالی فضای مجازی تهیه و به تصویب می‌رسد.</p>	<p>ماده (۴): داده‌ها و اطلاعات ملی با لحاظ مسائل امنیتی و با رعایت محرمانگی اطلاعات اشخاص در اختیار دولت جمهوری اسلامی ایران است. تبصره: دستگاه‌ها و نهادهای مشمول این قانون و ارائه‌دهندگان خدمات ذیل تنظیم‌گران بخشی موظف‌اند امکان دسترسی و تبادل داده‌ها و اطلاعات ملی را صرفاً براساس سطوح دسترسی تعیین شده توسط کارگروه تعامل‌پذیری دولت الکترونیکی فراهم نمایند.</p>
<p>ماده (۷): تبادل داده‌ها و اطلاعات بین دستگاه‌ها و نهادهای مشمول این قانون با یکدیگر و نیز با بخش خصوصی و غیردولتی، با رعایت اصول حفاظتی و امنیتی برعهده «مرکز ملی تبادل اطلاعات» وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات است.</p>	<p>ماده (۷): تبادل داده‌ها و اطلاعات بین دستگاه‌ها و نهادهای مشمول این قانون با دستگاه‌های اجرایی و یا کسب و کارها با رعایت اصول حفاظتی و امنیتی برعهده «مرکز ملی تبادل اطلاعات» وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات است.</p>
<p>ماده (۸): به منظور صیانت و حفظ یکپارچگی در داده‌ها و اطلاعات ملی و صرفه‌جویی در تبادل داده‌ها و اطلاعات، دولت می‌تواند متناسب با کارکرد و نحوه و تواتر به‌روزرسانی آنها در مراکز داده دولت، براساس مصوبه کارگروه تعامل‌پذیری دولت الکترونیکی، این داده‌ها را نگهداری نماید. دستگاه‌ها و نهادهای مشمول این قانون موظف به به‌روزرسانی برخط این پایگاه‌های اطلاعاتی هستند. تعیین سطح دسترسی به این پایگاه‌های اطلاعات به موجب مصوبه کارگروه تعامل‌پذیری دولت الکترونیکی می‌باشد.</p>	<p>ماده (۸): به منظور صیانت و حفظ یکپارچگی در داده‌ها و اطلاعات ملی و صرفه‌جویی در تبادل داده‌ها و اطلاعات، دولت می‌تواند متناسب با کارکرد و نحوه و تواتر به‌روزرسانی آنها در مراکز داده دولت، براساس مصوبه کارگروه تعامل‌پذیری دولت الکترونیکی، این داده‌ها را نگهداری نماید. دستگاه‌ها و نهادهای مشمول این قانون موظف به به‌روزرسانی برخط این پایگاه‌های اطلاعاتی هستند. تعیین سطح دسترسی به این پایگاه‌های اطلاعات به موجب مصوبه کارگروه تعامل‌پذیری دولت الکترونیکی می‌باشد.</p>
<p>ماده (۱۲): تبصره ماده (۷۳) قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲/۱۰/۰۳ به شرح زیر اصلاح می‌شود: تبصره تعیین نحوه و محدودیت‌های دسترسی به داده‌ها جز در مواردی که مشمول دسترسی‌های قوه قضائیه است، برعهده کارگروه تعامل‌پذیری دولت الکترونیکی می‌باشد.</p>	<p>ماده (۱۲): تبصره ماده (۷۳) قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲/۱۰/۰۳ به شرح زیر اصلاح می‌شود: تبصره تعیین نحوه و سطوح دسترسی به داده‌ها جز در مواردی که مشمول دسترسی‌های قوه قضائیه است، برعهده کارگروه تعامل‌پذیری دولت الکترونیکی می‌باشد.</p>

مأخذ: همان.



یکی دیگر از تماس‌های قانون «قانون مدیریت داده‌ها و اطلاعات ملی» با برابری تمهیدی را می‌توان در تبصره «۱» ماده (۳) جست‌وجو کرد. این تبصره اختیار انتخاب اعضا و تعیین روش و نحوه اداره کار گروه تعامل پذیرد دولت الکترونیکی به شورای عالی فضای مجازی سپرده شده است. چرایی ارتباط این موضوع با برابری تمهیدی از آن روست که هر جایگاه، پست و صندلی در دامن حاکمیت، به‌نوعی عمومی محسوب شده و متعلق به همه جامعه است و کسی نمی‌تواند آن را از پیش متعلق به خود بداند یا اختصاصی‌سازی نماید. معنای این سخن آن است که هر یک از افراد جامعه باید به‌نحو بالقوه از فرصت برابری برای قرار گرفتن در هر جایگاه عمومی داشته باشد. البته قطعاً امکان اینکه همه بر آن جایگاه تکیه بزنند وجود ندارد و با معیارهای شایستگی متناسب با مأموریت تعریف شده برای هر جایگاه باید از جامعه افرادی برای به دوش گرفتن آن مسئولیت انتخاب شوند. متأسفانه در ساختار سیاسی و اداری کشور، نمی‌توان به‌نحو کامل از رعایت برابری فرصت دفاع نمود. از این رو ترکیب تعیین شده توسط شورای عالی فضای مجازی نمی‌تواند با رعایت برابری فرصت محقق شود. این امر به معنای نقض برابری تمهیدی است. با وجود این، نمی‌توان این موضوع را اشکال بر قانون مدیریت داده‌ها و اطلاعات ملی دانست؛ زیرا این موضوع زائیده این قانون نیست و نیز نمی‌توان اصلاح نقیصه فوق را در دامن این قانون محقق کرد.

۲-۶. تحلیل از منظر برابری تعاملی

برابری تعاملی قسم دیگری از برابری‌هاست که اصطلاحاً بسیار زیادی با قوانین متعدد دارد. برابری تعاملی که از آن به «برابری فرایندی» نیز می‌توان نام برد، ناظر به تعاملات، فرایندها و رویه‌هاست. در این شکل از برابری، سهم افراد از تعاملات صورت گرفته، با یکدیگر مقایسه می‌شود. هر بخشی از قانون که در آن شکلی از تعامل و مبادله وجود داشته و صورتی از ارزش‌گذاری مطرح باشد، موقف حضور برابری تعاملی است. با این بیان، مسائلی چون تعیین حقوق و دستمزدها، قیمت‌گذاری خدمات عمومی، بخش عمده‌ای از نرخ‌های مالیاتی، تعیین نرخ ارز و... همگی ذیل برابری تعاملی باید ارزیابی و از منظر عدالت قضاوت شوند. تماس قانون «مدیریت داده‌ها و اطلاعات ملی» با برابری تعاملی بسیار وسیع است؛ زیرا عموماً و در موادی مثل (۲)، (۴)، (۶) و (۷) بر تبادلی و توسعه آن تأکید کرده است.

با وجود تماس معنادار قانون مدیریت داده‌ها و اطلاعات عمومی با برابری تعاملی، باید گفت این قانون دچار تغافل غیرسازنده از اقتضائات برابری تعاملی است. برابری تعاملی مهم‌ترین عامل برای هم‌گرا نمودن انگیزه‌ها برای تعامل و تبادل است. برای مثال، این‌گونه فرض کنید سازمانی نیازمند داده‌هایی برای ارائه خدمات عمومی در راستای وظایف خود به شهروندان است. این داده‌ها در اختیار سازمان دوم است. کار گروه تعامل پذیرد دولت الکترونیکی، سازمان دوم را به ارائه داده به سازمان نخست ملزم می‌کند و کیفیت خدمات سازمان نخست به واسطه این داده‌ها افزایش می‌یابد. عایدی این اقدام برای سازمان دوم چیست؟ چرا این سازمان باید نیروی انسانی و منابع خود را برای افزایش کیفیت سازمان دیگر به کار گیرد؟ بی‌توجهی به این موضوع انگیزه تعامل و تبادل داده و اطلاعات را به شدت کاهش می‌دهد و در نهایت توسعه آن را صرفاً وابسته به قوت ابزارهای تنبیهی و اعمال آنها می‌نماید. این امر اگر به‌نحوی طراحی می‌شد که سازمان نخست هم داده‌هایی از خود به داده دوم ارائه می‌داد تا او نیز بتواند در ارائه خدمات، کیفیت انجام مسئولیت خود را ارتقا دهد و سهل نماید، تا حدودی جبران می‌شد؛ اما باید توجه داشت در برآیند برخی سازمان‌ها بیشتر مصرف‌کننده یا درخواست‌کننده داده و اطلاعات‌اند و برخی دیگر بیشتر ارائه‌دهنده داده و اطلاعات. تغافل از جبران خدمت در قبال ارائه داده، انگیزه تبادل و تعامل را از سمت نهادها و سازمان‌هایی که داده در اختیار دارند، کاهش خواهد داد. این موضوع تا جایی می‌تواند اثرگذار باشد که کل قانون را از انتفاع خارج نماید.

برابری تعاملی ایجاب می‌کند که هر دادی، ستدی نیز داشته باشد و این دادوستد از برابری نسبی برخوردار باشند. به این معنا که داده بخش بر ستانده یک سمت برابر با داده بخش بر ستانده طرف دیگر باشد. البته مقصود در معادله، برابری حجم داده و اطلاعات با آنچه دریافت می‌شود نیست. بلکه مقصود ارزش خدماتی است که ارائه شده و خدماتی است که در این تبادل دریافت می‌شود. نیاز به آن است که به موضوع جبران خدمات به روش‌های مختلف توجه شود تا انگیزه سازمانی برای تعامل با سازمان‌ها و نهادهای درخواست‌کننده داده و اطلاعات افزایش یابد. ارائه خدمات مرتبط با داده و اطلاعات می‌تواند به‌عنوان منبع درآمد اختصاصی برای بسیاری از سازمان‌ها و نهادهای عمومی فرض شود. این

موضوع نیازمند توجه به مقوله جبران خدمات بین سازمانی و تعیین نرخ برای آن است. همین امر انگیزه‌ای برای توجه بیشتر به این منبع مهم شده و در بستر زمان، انباشت منابع داده‌ای و اطلاعاتی را بیشتر و بهینه‌تر خواهد کرد. در این رابطه می‌توان میان خدمات داده‌ای پایه و خدمات داده‌ای اختصاصی تفکیک قائل شد. مقصود از خدمات داده‌ای پایه، تولید، جمع‌آوری، استانداردسازی، نگهداری و به‌روزرسانی داده‌های عمومی مطابق با حداقل استانداردهای کیفی است که دستگاه‌ها براساس تکالیف قانونی خود به ارائه آن موظف‌اند. در نقطه مقابل منظور از خدمات داده‌ای اختصاصی، تولید، پردازش، تحلیل یا ارائه داده‌هایی است که به درخواست اشخاص حقیقی یا حقوقی و فراتر از وظایف قانونی پایه دستگاه، انجام می‌پذیرد. دستگاه‌ها باید مجوز دریافت هزینه برای انجام این خدمات داده‌ای اختصاصی برای دستگاه‌های دیگر یا هر شخص حقیقی و حقوقی غیردولتی را داشته باشند.

البته باید توجه داشت که در کنار پیاده‌سازی اقتضائات و الزامات برابری تعاملی، نیاز است به جنبه‌های تنبیهی قانون به‌عنوان مکمل و ضامن نهایی برای توسعه تبادلات و جلوگیری از استنکاف سازمان‌ها از ارائه خدمات، توجه بیشتری شود تا مانع از ترک فعل توسط مدیران و کارشناسان مرتبط در این موضوع باشد.

با توجه به آنچه بیان شد، می‌توان برای ارتقای برابری تعاملی در قانون، برخی مواد را به این شکل اصلاح کرد و مقوله جبران خدمات و نیز نرخ‌گذاری برای خدمات را جزو وظایف کارگروه تعامل‌پذیری دولت الکترونیکی قرار داد. در جدول ۱۴ سعی شده است تا اصلاحاتی از منظر برابری تعاملی برای مواد مختلف پیشنهاد شود.

جدول ۱۴. پیشنهادهای اصلاحی برای ارتقای قانون در معیار برابری تعاملی

متن پیشنهادی برای ارتقا در معیار برابری تعاملی	متن قانون
<p>ماده (۴): داده‌ها و اطلاعات ملی با لحاظ مسائل امنیتی و با رعایت محرمانگی اطلاعات اشخاص در اختیار دولت جمهوری اسلامی ایران است. تبصره: دستگاه‌ها و نهادهای مشمول این قانون و ارائه‌دهندگان خدمات ذیل تنظیم‌گران بخشی موظف‌اند امکان دسترسی و تبادل داده‌ها و اطلاعات ملی را صرفاً براساس سطوح دسترسی تعیین شده توسط کارگروه تعامل‌پذیری دولت الکترونیکی فراهم نمایند.</p> <p>تبصره «۲»: تولید و ارائه خدمات داده‌ای پایه جزو وظایف قانونی دستگاه‌های مشمول این قانون است و ارائه این خدمات رایگان می‌باشد.</p> <p>تبصره «۳»: دستگاه‌های مشمول مجازند صرفاً برای ارائه خدمات داده‌ای اختصاصی، مطابق تعرفه‌ای که کارگروه تعامل‌پذیری دولت الکترونیکی تعیین و ابلاغ می‌نماید، هزینه دریافت نمایند. درآمد حاصل از این تبصره، به‌حساب درآمد دستگاه خدمات‌دهنده واریز و صرفاً برای بهبود کیفیت، توسعه و نگهداری خدمات داده‌ای همان دستگاه هزینه می‌گردد.</p>	<p>ماده (۴): داده‌ها و اطلاعات ملی با لحاظ مسائل امنیتی و با رعایت محرمانگی اطلاعات اشخاص در اختیار دولت جمهوری اسلامی ایران است. تبصره: دستگاه‌ها و نهادهای مشمول این قانون و ارائه‌دهندگان خدمات ذیل تنظیم‌گران بخشی موظف‌اند امکان دسترسی و تبادل داده‌ها و اطلاعات ملی را صرفاً براساس سطوح دسترسی تعیین شده توسط کارگروه تعامل‌پذیری دولت الکترونیکی فراهم نمایند.</p>

مأخذ: همان.



۷. ارزیابی از منظر کارآمدی



یکی دیگر از برش‌های مهم برای فهم نسبت یک قانون با عدالت، بررسی وضعیت تبعیض‌ها در آن است. تبعیض‌ها اگر روا باشند، مصداق و عین عدالت است و باید حمایت و تقویت شوند و اگر ناروا باشند، باید با آنها مقابله کنند و از متن قانون حذف شوند. تبعیض‌های روان نیز همچون مقوله برابری، انواع مختلفی دارند. از آن جمله می‌توان به تبعیض «عمومیت»، «تبعیض جبرانی»، «تبعیض کارآمد پایه» و «تبعیض ارزش پایه» اشاره داشت. هر یک از انواع مذکور، اقتضائات و الزامات خاصی را به همراه دارد و به کارگیری آنها جغرافیا و جایگاه ویژه‌ای دارد و روانمندی و عادلانه بودن آنها منوط به رعایت دقیق الزامات و جایگاه آنهاست. بررسی قانون مدیریت داده‌ها و اطلاعات عمومی حاکی از آن است که از میان چهار تبعیض فوق، این قانون صرفاً با تبعیض کارآمد پایه در تماس است. از این رو تحلیل پیرامون وضعیت تبعیض‌ها را صرفاً از منظر کارآمدی پیش خواهیم برد.

کارآمدی از آن روی ذیل تبعیض‌های روا دسته‌بندی می‌شود که در مواضع خاصی، به‌عنوان یک معیار برای ترجیح یک وضعیت بر وضعیت دیگر، بدان ارجاع داده می‌شود. به‌عنوان مثال، برای قرار گرفتن در یک موقعیت دولتی، اقتضائات برابری تمهیدی ایجاد می‌نماید که برابری فرصت برای همه برقرار باشد؛ اما آیا می‌توان همه متقاضیان را برای آن موقعیت و جایگاه پذیرفت؟ قطعاً پاسخ منفی است. این موضوع نیازمند به کارگیری شاخص‌ها و معیارهایی برای انتخاب شایسته‌ترین و مناسب‌ترین فرد برای آن جایگاه است. **انتخاب فرد مناسب بر اساس معیار شایستگی در واقع مصداقی از ارجاع به معیار کارآمدی بوده و به نوعی اعمال تبعیض روا به نفع فرد شایسته و علیه سایر متقاضیان است.** ترجیح مبتنی بر کارآمدی صرفاً محدود به جغرافیای شایستگی نیست. علاوه بر آن در تحلیل ساختاری و نیز تحلیل آثار سیاست‌ها در نسبت با مسئله سیاست، می‌تواند محل ارجاع باشد. توضیح آنکه در دامن قوانین، ساختارهای متعددی با روابط و اشکال مختلف پیشنهاد می‌شود. از میان حالت‌های مختلف، یک شکل باید انتخاب شود. چه معیاری می‌تواند راهنمای ما در انتخاب بهترین ساختار باشد؟ قطعاً از میان ساختارها و روابط نهادی بهترین ساختار، صورت و شکلی از روابط است که بتواند در مسیر تأمین اهداف قانون، مناسب‌ترین و به تعبیر دیگر کارآمدترین باشد. اینجا نیز ترجیح یک ساختار بر ساختار دیگر با ارجاع به فهمی از کارآمدی رخ داده است. قسم دیگر ناظر به تحلیل آثار احکام مندرج در قوانین برای حل مسئله یا مسائل محوری هر ماده است. به آن معنا که هر ماده با فرض یک مسئله خاص تصویب می‌شود و در دل خود حکم خاصی را برای برطرف نمودن آن مسئله جا داده است. تحلیل از منظر کارآمدی در این لایه در پاسخ به این سؤال معنا می‌یابد که آیا آن حکم و تصمیم سیاستی اثر معنادار در حل مسئله مفروض دارد یا خیر؟ همچنین از میان راهکارهای متعدد، با آثار متفاوت، کدام یک می‌تواند بهترین و مناسب‌ترین پاسخ با کمترین هزینه و بیشترین اثر مثبت باشد؟ در این معنا هم می‌توان مسئله کلان یک سیاست را در نسبت با روح و کلیت یک سیاست ارزیابی کرد. به این شکل که آیا کلیت یک طرح یا لایحه تناسب با کلیت یک مسئله دارد؟ آیا فارغ از جزئیات مواد، رویکرد و کلان راهکار ارائه شده، می‌تواند آن مسئله را حل نماید یا خیر؟ و نیز می‌توان بند به بند و جزء به جزء آن را از این منظر که خرده مسائل با چه راهکاری بنای حل شدن دارند، ارزیابی کرد و نیز حتی می‌توان ذیل مسئله کارآمدی، شکل و قالب قانون را نیز ارزیابی نمود. قانون‌نویسی فی‌نفسه ابزار و طریقی برای حل مسائل جامعه است و باید به بهترین شکل طراحی و انشا شوند. به کارگیری عبارت‌های مبهم و کش‌دار، عبارت‌پردازی‌ها با امکان تفسیرهای چندگانه، وجود قوانین متعارض و... همگی به کاهش کارآمدی قانون در مقام اجرا برای حل مسائل کشور منجر می‌شوند.

از میان موارد مذکور، قانون مدیریت داده‌ها و اطلاعات عمومی، از آنجاکه بر تقسیم کار و ایجاد روابط ساختاری میان نهادها و بازیگران این حوزه متمرکز است، بیش از همه با ابعاد ساختاری تماس دارد و از منظر کارآمدی ساختاری باید نقد و بررسی شود. در ادامه سعی بر آن است ابتدا نگاهی از نهادها و ساختار مرتبط با قانون مدیریت داده و اطلاعات ارائه شود و سپس روابط ساختاری میان آنها با مرکزیت و تأکید بر کارگروه تعامل‌پذیری دولت الکترونیکی به‌عنوان قلب و هسته اصلی این قانون ارزیابی و تحلیل شود.

نتیجه تحلیل ارائه شده ذیل سرفصل‌هایی که در این بخش آمده، آن است که هر چند قانون مدیریت داده‌ها و اطلاعات ملی، گام بسیار مثبتی

در راستای ایجاد ساختار و سامان یافتن این حوزه بوده است، ساختار طراحی شده نقص‌های جدی دارد و نیازمند بازبینی و اصلاح روابط ساختاری تعریف شده بین نهادهای متعدد مسئول و دارای نقش مرتبط با این موضوع است.

۷-۱. نگاشت نهادی قانون مدیریت داده‌ها و اطلاعات عمومی

تحلیل و ارزیابی قانون مدیریت داده‌ها و اطلاعات عمومی از منظر کارآمدی ساختاری ابتدا نیازمند ترسیم و تدارک نگاشتی از نهادهای مختلف مرتبط با آن و روشن نمودن نوع ارتباط ساختاری و سازمانی میان آنهاست. تحلیل ساختاری این امکان را فراهم می‌نماید تا تصویر جامعی از وضعیت حکمرانی در حوزه داده‌ها و اطلاعات عمومی به دست آید و به مدد آن گره‌ها و شکاف‌هایی که ممکن است به شکست حکمرانی در این عرصه بینجامند، کشف شود. در ادامه سعی خواهد شد تا نهادهای مرتبط با این حوزه، در چهار سطح، همراه با نقش اصلی آنها توضیح داده شود.

جدول ۱۵. سطوح نهادی حکمرانی داده و اطلاعات ملی در ایران ذیل قانون مدام

سطح حکمرانی	نهادهای / بازیگران اصلی	نقش‌ها و وظایف کلیدی	ارتباطات بین سطحی
سطح ۱ حاکمیت، قانونگذاری و تعیین چارچوب‌های کلان	- شورای عالی فضای مجازی - مجلس شورای اسلامی - قوه قضائیه	شورای عالی فضای مجازی؛ نهاد سیاستگذار کلان در حوزه حکمرانی داده و اطلاعات؛ مصوبات آن برای همه قوای اجراست. مجلس شورای اسلامی؛ نهاد تقنین‌گر که قوانین عادی مرتبط با داده را تصویب می‌کند (مانند: قانون جرایم رایانه‌ای [۶]، قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات [۷]، قانون مدیریت داده‌ها و اطلاعات عمومی و...). این قوانین باید در چارچوب سیاست‌های شورای عالی اجرا شوند. قوه قضائیه؛ مرجع نظارت و قضاوت در تخلفات داده‌ای؛ رسیدگی به جرمی چون دسترسی غیرمجاز، افشای داده و سوءاستفاده اطلاعاتی؛ ایجاد بازدارندگی و حل اختلافات بین دستگاه‌ها. نظارت قوه قضائیه محدود به یک نهاد و دستگاه خاص نبوده و سایه بر تمام سطوح و دستگاه‌ها دارد. ^۱	این سطح چارچوب‌های سیاستی و نظارتی کلان را تعیین می‌کند که سایر سطوح به تبعیت از آن موظف‌اند.
سطح ۲ هماهنگی، نظارت، استانداردسازی و تبدیل سیاست به راهبرد	- دبیرخانه شورای عالی فضای مجازی (مرکز ملی فضای مجازی) - کارگروه تعامل‌پذیری دولت الکترونیک [۸]. - شورای اجرایی فناوری اطلاعات	مرکز ملی فضای مجازی؛ ناظر عالی و هماهنگ‌کننده بر اجرای سیاست‌های داده و اطلاعات ملی؛ ابلاغ مصوبات شورای عالی به دستگاه‌ها؛ نظارت بر اجرای آنها؛ اخذ گزارش عملکرد. این نهاد به نمایندگی از حاکمیت، نقش «متولی داده» در سطح کلان را در کشور ایفا می‌کند. کارگروه تعامل‌پذیری دولت الکترونیک؛ تنظیم‌گر استانداردهای فنی داده؛ تعیین قالب‌های داده، ^۲ پروتکل‌های تبادل، ^۳ فراداده ^۴ و الزامات امنیت داده؛ تسهیل تعامل سامانه‌های ملی. شورای اجرایی فناوری اطلاعات؛ هماهنگ‌کننده اجرایی در قوه مجریه؛ تضمین انطباق وزارتخانه‌ها با استانداردها و راهبردهای تعیین شده؛ تصمیم‌گیری درباره اولویت‌گذاری و سرمایه‌گذاری در پروژه‌های داده‌ای در دولت.	این سطح، واسط میان سیاست‌گذاری کلان و اجراست؛ سیاست‌ها را به راهبردها و استانداردهای عملیاتی تبدیل می‌کند. همچنین وظیفه نظارت بر رعایت مصوبات را در نهادهای اجرایی برعهده دارد.

۱. گفتنی است که در این نوشتار نقش قوه قضائیه در نسبت با همه نهادها پیش‌فرض انگاشته شده و در ادامه کمتر متعرض آن شده است.

2. Format
3. Application Programming Interfaces (API)
4. Metadata



ارتباطات بین سطحی	نقش‌ها و وظایف کلیدی	نهادهای / بازیگران اصلی	سطح حکمرانی
این سطح مجری فنی و مسئول زیرساخت‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری کشور برای مدیریت داده است. ارتباط مستقیم با سطح دوم دارد و سیاست‌های استانداردسازی را عملیاتی می‌سازد.	وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات؛ تأمین‌کننده زیرساخت پایه‌ای برای انتقال و ذخیره‌سازی امن داده‌ها؛ توسعه و حفاظت از شبکه ملی اطلاعات، دیتاسنترهای ملی و سرویس‌های ابری امن؛ نقش اصلی در حفاظت فیزیکی از داده و توسعه زیرساخت‌های ارتباطی و تبادل اطلاعات. مرکز ملی تبادل اطلاعات؛ بستر اصلی تبادل داده در کشور؛ «بزرگراه داده‌ای ملی»؛ ایجاد جریان ایمن و کنترل شده داده بین پایگاه‌های دستگاه‌ها براساس استانداردهای کارگروه تعامل‌پذیری.	- وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات - مرکز ملی تبادل اطلاعات	سطح ۳ زیرساخت و عملیات (اجرای فنی و میدانی)
این سطح، لایه عملیاتی و منبع داده‌های ملی است. به‌طور مستقیم با مرکز ملی تبادل اطلاعات در تعامل بوده و داده‌های مورد نیاز سایر دستگاه‌ها و بخش‌ها را فراهم می‌آورد.	نهادهای تولیدکننده، به‌روزرساننده و نگهدارنده داده‌های پایه ملی؛ مکلف به اجرای مصوبات کارگروه تعامل‌پذیری و رعایت استانداردهای فنی و امنیتی؛ تأمین امنیت، صحت و تمامیت داده‌ها؛ همکاری در تبادل داده با سایر دستگاه‌ها.	دستگاه‌ها و سازمان‌های متولی پایگاه‌های ملی داده (مطابق ماده (۱۰) قانون مدیریت داده و اطلاعات؛ شامل ۲۷ پایگاه داده) ^۱	سطح ۴ تولیدکنندگان و نگهدارندگان اصلی داده

مأخذ: همان.

۱. این پایگاه‌ها شامل موارد زیر است:

- پایگاه ملی هویت اشخاص حقیقی (سازمان ثبت احوال کشور)
- پایگاه ملی هویت اشخاص حقوقی (سازمان ثبت اسناد و املاک کشور)
- پایگاه نظام ملی نشانی‌گذاری مکان محور کشور (شرکت ملی پست جمهوری اسلامی ایران)
- پایگاه اطلاعات مکان اقامت اشخاص حقیقی (سازمان ثبت احوال کشور)
- پایگاه اطلاعات مکان اقامت اشخاص حقوقی (سازمان ثبت اسناد و املاک کشور)
- پایگاه شناسه کالا و خدمات (وزارت صنعت، معدن و تجارت)
- پایگاه وسایط نقلیه کشور (فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی ایران)
- پایگاه شناسنامه خدمات دولت (سازمان اداری و استخدامی کشور)
- پایگاه اطلاعات شبکه احراز هویت کاربران ارتباطی (شاهکار) (سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی)
- پایگاه اطلاعات و مدارک تحصیلی کشور (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری)
- پایگاه ملی اسناد و املاک و حدنگاری (کاداستر) کشور (سازمان ثبت اسناد و املاک کشور)
- پایگاه ملی بیمه‌های سلامت کشور (سازمان بیمه سلامت ایران)
- پایگاه اطلاعات دانش آموزی و مدارس (وزارت آموزش و پرورش)
- پایگاه اطلاعات رفاه ایرانیان (وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی)
- پایگاه اطلاعات مجوزهای کسب و کار کشور (وزارت امور اقتصادی و دارایی)
- پایگاه ملی اطلاعات داده‌های باز کشور (سازمان فناوری اطلاعات ایران)
- پایگاه ملی سلامت (پرونده الکترونیکی، نظام پزشکی، غذا و دارو) (وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی)
- پایگاه اطلاعات مالیاتی و مؤدیان کشور (سازمان امور مالیاتی کشور)
- پایگاه اطلاعات مالی کشور (وزارت امور اقتصادی و دارایی)
- پایگاه اطلاعات خدمات بانکی و پولی کشور (بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران)
- پایگاه اطلاعات مکان محور کشور (سازمان برنامه و بودجه کشور)
- پایگاه ملی اطلاعات و آمار کشور (مرکز آمار ایران)
- پایگاه اطلاعات ثنا و سجل کیفری کشور (قوه قضائیه)
- پایگاه اطلاعات تقسیمات کشوری (وزارت کشور)
- پایگاه اطلاعات املاک و اسکان (وزارت راه و شهرسازی)
- پایگاه اطلاعات نقشه کشور (سازمان نقشه‌برداری کشور)
- پایگاه اطلاعات اوراق بهادار (کدال و سجام) (سازمان بورس و اوراق بهادار)



۲-۷. تحلیل روابط ساختاری

کار گروه تعامل پذیری دولت الکترونیکی به عنوان هسته اصلی قانون مدیریت داده‌ها و اطلاعات ملی عمل می‌کند. از این رو سعی خواهد شد تحلیل ساختاری عمدتاً بر اساس روابط تعریف شده با این کار گروه تحلیل شود. این کار گروه در راستای تبصره «ا» بند «ث» ماده (۶۷) قانون برنامه ششم توسعه تشکیل شده است. در تبصره مذکور بر «احصای کلیه استعلامات و ایجاد نظام استاندارد سازی و تبادل اطلاعات بین دستگاهی» تأکید شده و تدوین آیین نامه اجرایی آن بر عهده مرکز ملی فضای مجازی با همکاری وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات و سایر دستگاه‌های مرتبط گذاشته شده و مرجع تصویب کننده آیین نامه، شورای عالی فضای مجازی قرار داده شده است. آیین نامه مذکور در جلسه پنجاه و چهارم شورای عالی فضای مجازی و در تاریخ ۱۳۹۷/۰۹/۲۴ تحت عنوان «آیین نامه اجرایی احصای کلیه استعلامات و ایجاد نظام استاندارد سازی تبادل اطلاعات بین دستگاهی» به تصویب شورای عالی فضای مجازی رسیده است.

این کار گروه بر اساس ماده (۶) آیین نامه اجرایی احصای کلیه استعلامات و ایجاد نظام استاندارد سازی تبادل اطلاعات بین دستگاهی، ذیل مرکز ملی فضای مجازی و با عضویت دبیر شورای اجرایی فناوری اطلاعات (رئیس کار گروه)، نماینده رئیس مجلس شورای اسلامی، رؤسای کار گروه‌های چهارده گانه خوشه‌های خدمات به تناسب موضوع و نمایندگان سازمان اداری و استخدامی کشور، دبیرخانه هیئت مقررات زدایی و تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار، وزارت اطلاعات، قوه قضائیه، وزارت کشور، بانک مرکزی ج.ا.ا، وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات، ستاد کل نیروهای مسلح، نیروی انتظامی ج.ا.ا، دستگاه‌های مبدأ (متولیان پایگاه اطلاعات پایه) و مقصد (بهره‌برداران پایگاه اطلاعات پایه) حسب مورد و دو نفر متخصص فناوری اطلاعات به انتخاب رئیس کار گروه تشکیل شده است. وظایف این کار گروه به شرح ذیل تعیین شده است:

- تعیین ضوابط و استانداردهای لازم نظیر قالب شناسنامه‌های فنی؛

- ارزیابی شناسنامه فنی تکمیل شده توسط دستگاه‌های اجرایی؛

- استعلامات و نحوه دسترسی به آنها؛

- تعیین دادگان^۱ برای دولت الکترونیک؛

- تدوین توافق نامه تبادل اطلاعات بین دستگاه‌های مبدأ، مقصد و مرکز ملی تبادل اطلاعات؛

- تأیید درخواست استمهال دستگاه‌های اجرایی و موارد مستثنا از این مصوبه؛

- تعیین مدل پیاده‌سازی تبادل اطلاعات و استعلام الکترونیکی بین دستگاهی؛

- به‌روزرسانی فهرست پایگاه‌های اطلاعاتی پایه؛

- تدوین دستورالعمل‌های اجرایی مورد نیاز.

وجود نهادی برای ایجاد هماهنگی، ایجاد زبان مشترک و ارائه استانداردهای مشخص برای تبادل داده و اطلاعات در ساختار سیاستی کشور، امری ضروری و لازم بوده است و توجه به این موضوع را می‌توان گام روبه‌جلو در ساختار دهی به این عرصه دانست. این نهاد هر چند ذیل عنوان کار گروه فعالیت می‌کند، اما ذات آن شورایی و بر اساس همفکری و تفاهم بنا شده است. از این رو ترکیب آن همان‌طور که اشاره شد، از بخش‌های مختلف حاکمیت چینش شده است.

در ادامه تلاش شده است روابط ساختاری این کار گروه با سایر نهادهای مرتبط بررسی و ارزیابی شود. اما لازم است قبل از ورود به تحلیل روابط، در مشکل ساختاری خود کار گروه تأملی صورت گیرد. نکته مهم در این خصوص آنکه نقش اصلی این کار گروه، ایجاد استاندارد و معیار برای تبادل داده و اطلاعات است. جایگاه‌های تعریف شده برای آن نیز با توجه به مصوبه شورای عالی فضای مجازی ثابت است. اما ضعف جدی این ترکیب در تأثیرپذیری آن از سرریز آثار و تحولات چرخه‌های دمکراتیک است که می‌تواند تداوم رویکرد واحد در حوزه ارائه معیار و استانداردها را دچار چالش نماید. توضیح بیشتر آنکه کارکرد اصلی این کار گروه ارائه استاندارد و معیار برای تبادل داده است. اما ترکیب آن بیشتر دولتی است. غالب بودن تعداد اعضای دولتی آن را متأثر از تغییر دولت خواهد کرد. این یعنی جایگاه ثابت است، اما افرادی که به‌عنوان نماینده برای

حضور در کارگروه معرفی می‌شوند با تغییرات عمده‌ای روبه‌رو می‌شوند. افراد جدید به معنای رویکرد جدید در کارگروه است و این کارگروه را دچار گسست رویکردی می‌کند. گسست و چرخش‌های رویکردی نمی‌تواند برای حوزه طراحی استاندارد و معیار موضوع معقول و موجهی ارزیابی شود.

این مسئله نیازمند رسمیت مصوبات کارگروه توسط نهاد فوقانی آن برای گریز از آثار تحولات و گسست رویکردی است. این امر می‌تواند با افزایش قدرت نظارتی شورای عالی فضای مجازی و تأیید مصوبات کارگروه تعامل‌پذیری توسط آن تأمین شود. در این خصوص در بخش تحلیل رابطه کارگروه با شورای عالی فضای مجازی پیشنهادهای اصلاحی برای تبصره «۱» ماده (۳) قانون مدیریت داده و اطلاعات ارائه شده است.

۳-۷. ارزیابی روابط ساختاری کارگروه تعامل‌پذیری دولت الکترونیکی با شورای عالی فضای مجازی

شورای عالی فضای مجازی نهاد سیاستگذار اصلی و کلان حکمرانی داده و اطلاعات در کشور محسوب می‌شود و مصوبات آن برای همه قوا لازم‌الاجراست. براساس حکم رهبر انقلاب، وظیفه اصلی این شورا، سیاستگذاری، مدیریت کلان و برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری‌های لازم و بهنگام و همچنین نظارت و رصد کارآمد و روزآمد در این عرصه است. مرکز ملی فضای مجازی نیز به‌عنوان دبیرخانه و بازوی اجرایی این شورا ذیل آن، فعالیت می‌نماید. وظایف این مرکز براساس بند «۲» حکم انتصاب اعضای شورای عالی فضای مجازی توسط رهبر انقلاب به این شرح بیان شده است: رصد وضعیت جاری فضای مجازی و پیش‌بینی و آینده‌نگری تحولات در این فضا در سطح ملی و بین‌المللی، ایجاد هماهنگی و هم‌افزایی میان وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها و نهادهای مختلف ذی‌ربط در ابعاد علمی، فنی، اقتصادی، بازرگانی، حقوقی، انتظامی، امنیتی و دفاعی مرتبط با فضای مجازی و نظارت مستمر بر عملکرد دستگاه‌ها و بخش‌های ذی‌ربط در چارچوب مصوبات شورای عالی^۱. از این رو شورای عالی فضای مجازی و در دامن آن مرکز ملی فضای مجازی، به‌عنوان نهاد مافوق کارگروه تعامل‌پذیری دولت الکترونیکی محسوب می‌شود و این کارگروه باید فعالیت‌های خود را در چارچوب مصوبات و در نظارت شورای عالی فضای مجازی تنظیم نماید. حال سؤال این است که آیا روابط ساختاری بین شورای عالی فضای مجازی و کارگروه تعامل‌پذیری دولت به‌نحوی طراحی شده است که راه و مسیر برای جریان یافتن مصوبات شورا در تصمیمات و اقدامات کارگروه تعامل‌پذیری باز باشد؟ یا به‌عبارت‌دیگر اگر مرکز ملی فضای مجازی تصمیم به اعمال سیاست‌ها و مصوبات شورای عالی فضای مجازی در این کارگروه داشته باشد، آیا ابزار و ظرفیتی برای او طراحی شده است؟

نکته نخست آنکه در قانون مدیریت داده‌ها و اطلاعات ملی به‌طور صریح بر نسبت کارگروه تعامل‌پذیری با شورای عالی فضای مجازی تأکید نشده است. فقط در تبصره‌های «۱» و «۲» ماده (۳) به تعیین اعضا و نحوه اداره کارگروه و ارائه گزارش از سمت کارگروه به شورای عالی فضای مجازی اشاره شده، اما در هیچ‌جای قانون تصریح بر این موضوع که کارگروه باید در چارچوب مصوبات شورا اقدام نماید، تصریح نشده است. البته گفتنی است که طبق ماده (۶) «آیین‌نامه اجرایی احصای کلیه استعلامات و ایجاد نظام استانداردسازی تبادل اطلاعات بین دستگاهی» تصویب شده توسط شورای عالی فضای مجازی، کارگروه تعامل‌پذیری دولت الکترونیک به‌لحاظ ساختاری و سازمانی، ذیل مرکز ملی فضای مجازی تشکیل شده است؛^۲ اما به این موضوع در قانون مدیریت داده‌ها و اطلاعات ملی هیچ اشاره‌ای نشده است. در عمل نیز این کارگروه در ساختمان وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات مستقر شده و به‌نوعی جزئی از آن فهم می‌شود و ارتباط ساختاری آن با شورای عالی بسیار ضعیف است. ارتباط سازمانی و ساختاری میان کارگروه تعامل‌پذیری و شورای عالی فضای مجازی نیازمند تصریح و تأکید در قانون تصویب شده در مجلس است تا رابطه و سلطه ساختاری بین شورای عالی فضای مجازی و کارگروه تعامل‌پذیری تقویت شود. از این رو نیاز به آن است ارتباط ساختاری بین این دو نهاد در تبصره «۱» ماده (۳) تصریح و تأکید شود و تبصره مذکور به «کارگروه تعامل‌پذیری دولت الکترونیک به‌عنوان یک نهاد فرادستگاهی دائمی، ذیل شورای عالی فضای مجازی بوده و ترکیب اعضا و نحوه اداره آن توسط شورای عالی فضای مجازی تعیین می‌شود» تغییر یابد.

۱. حکم انتصاب اعضای شورای عالی فضای مجازی، ۱۴/۰۶/۱۳۹۴، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=30658>

۲. <https://majazi.ir/index.php>



نکته دیگر آنکه به کار بردن عبارت «اعمال سیاست‌ها و راهبردهای کلان» در ماده (۳) باعث پدید آمدن ابهام ساختاری است؛ زیرا از یک سو مشخص نشده است که مقصود، سیاست‌ها و راهبردهای کلان مصوب شورای عالی فضای مجازی است و از سوی دیگر اگر مقصود از آن، مصوبات شورای عالی فضای مجازی باشد، ذیل این نوع عبارت پردازی، وظایف تعریف شده برای کارگروه تعامل‌پذیری با وظایف تعریف شده برای مرکز ملی فضای مجازی دچار تداخل خواهد شد. از این رو پیشنهاد می‌شود که در ماده (۳) قانون مدیریت داده و اطلاعات ملی، عبارت «اعمال سیاست‌ها و راهبردهای کلان و نظارت و مدیریت بر نحوه نگهداری، پردازش، دسترسی، یکپارچه‌سازی، امنیت و به‌ویژه تبادل و به‌اشتراک‌گذاری داده‌ها و اطلاعات موضوع این قانون» به «نظارت و مدیریت بر نحوه نگهداری، پردازش، دسترسی، یکپارچه‌سازی، امنیت و به‌ویژه تبادل و به‌اشتراک‌گذاری داده‌ها و اطلاعات موضوع این قانون در چارچوب مصوبات شورای عالی فضای مجازی» تغییر یابد.

ارتباط دیگر میان شورای عالی فضای مجازی و کارگروه تعامل‌پذیری دولت الکترونیکی، از طریق تعیین رئیس و اعضای کارگروه توسط شورای عالی فضای مجازی است. شورای عالی فضای مجازی در ماده (۶) آیین‌نامه اجرایی احصای کلیه استعلامات و ایجاد نظام استانداردسازی تبادل اطلاعات بین دستگاهی، به تعیین رئیس و اعضای کارگروه تعامل‌پذیری دولت اقدام نموده است. در تبصره «۱» ماده (۳) قانون مدیریت داده‌ها و اطلاعات ملی نیز بر این موضوع تأکید شده و تعیین ترکیب اعضا و نحوه اداره این کارگروه بر عهده شورای عالی فضای مجازی قرار داده شده است. نکته نخست در این خصوص آنکه برخلاف تصریح قانون، آیین‌نامه داخلی کارگروه تعامل‌پذیری دولت الکترونیکی که به‌نوعی نحوه اداره آن را صورت‌بندی می‌کند، توسط خود کارگروه به تصویب رسیده است و نه شورای عالی فضای مجازی. این بدان معناست که آیین‌نامه مذکور فاقد وجهت قانونی بوده و شورا از ابزار کنترلی خود در خصوص نحوه اداره کارگروه استفاده نکرده است؛ حال آنکه در متن قانون صراحت بر این موضوع است که شورا باید نحوه اداره این کارگروه را تعیین نماید نه خود کارگروه. نکته مهم‌تر آنکه شورای عالی فضای مجازی در تعیین اعضای کارگروه تعامل‌پذیری دولت الکترونیکی، صرفاً جایگاه‌های حقوقی را تعیین نموده است. این موضوع به شدت قدرت نظارتی شورا بر این کارگروه را کاهش داده است. توضیح آنکه در مصوبه شورای عالی فضای مجازی، دبیر شورای اجرایی فناوری اطلاعات به‌عنوان رئیس کارگروه تعامل‌پذیری تعیین شده است. این بدان معناست که در دولت هر فردی در این جایگاه منصوب شود، به‌صورت خودکار رئیس کارگروه نیز خواهد بود و شورای عالی فضای مجازی خود را از اعمال نظر در این موضوع محروم نموده است. اساساً شورای عالی فضای مجازی اختیاری برای اعمال نظارت خود قائل نشده است. جالب آن است که در ماده (۳) «آیین‌نامه داخلی کارگروه تعامل‌پذیری دولت الکترونیکی» که توسط خود کارگروه تصویب شده، از نحوه عضویت در کارگروه صحبت شده و در آن چنین قید شده است: «بالاترین مقام دستگاه اجرایی عضو، یکی از معاونین یا عناوین مشابه در دستگاه اجرایی را به‌عنوان نماینده ذی‌ربط به کارگروه پیشنهاد و حکم انتصاب توسط رئیس کارگروه برای یک دوره دوساله صادر خواهد شد». معنای این عبارت که دستگاه‌های عضو نماینده خود را پیشنهاد می‌دهند و رئیس کارگروه برای آنها حکم دوساله صادر می‌کند آن است که رئیس کارگروه این اختیار را دارد که فرد پیشنهادی را رد کند و برای آنها حکم صادر نکند. این یعنی برخلاف آنکه قانون، تعیین اعضای کارگروه تعامل‌پذیری را برای شورای عالی فضای مجازی فرض کرده، طبق آیین‌نامه تصویب شده توسط کارگروه تعامل‌پذیری، این حق به انحصار رئیس کارگروه درآمده است. فرض اختیار برای رئیس کارگروه تعامل‌پذیری در خصوص پذیرش یا عدم پذیرش نمایندگان معرفی شده توسط سایر دستگاه‌های عضو در کارگروه و جهت قانونی ندارد. این بند در واقع قدرت نظارتی در چینش و ترکیب اعضای کارگروه را از اختیار شورا خارج نموده و در اختیار دبیر کارگروه قرار داده است. این امر نظارتی شورا بر عملکرد این کارگروه را به حداقل رسانده است. به این شکل که اگر عملکرد اعضای این کارگروه ضعیف یا خلاف مصوبات شورای عالی فضای مجازی باشد، به هیچ طریق نمی‌تواند اقدام به تغییر اعضای آن کارگروه نماید. در این خصوص پیشنهاد آن است که شورای عالی فضای مجازی بر اساس اختیارات قانونی خود، بازبینی در آیین‌نامه داخلی کارگروه تعامل‌پذیری دولت الکترونیکی داشته و ابزار نظارتی خود را برای چینش افراد این کارگروه تقویت نماید. البته این نکته قابل اشاره است که در تبصره ماده (۷) «آیین‌نامه داخلی کارگروه تعامل‌پذیری دولت الکترونیکی» در خصوص غیبت اعضای کارگروه چنین ذکر شده است: «در صورت سه جلسه غیبت در طول ۶ ماه، کارگروه گزارش مربوط را به دستگاه ذی‌ربط و رئیس مرکز ملی فضای مجازی اعلام خواهد نمود». سؤال آن است رئیس مرکز ملی فضای مجازی با دریافت چنین

گزارشی، چه اقدامی می‌تواند در خصوص فرد گزارش شده انجام دهد؟ او هیچ ابزاری برای تغییر و جابه‌جایی آن فرد ندارد. در واقع گزارش مذکور فقط به منظور اطلاع است نه اقدام.

نکته دیگر نظارت بر عملکرد کارگروه است. در تبصره «۲» ماده (۳) قانون مدیریت داده‌ها و اطلاعات ملی چنین بیان شده است: «کارگروه فوق‌الذکر مکلف است گزارش‌های عملکرد دستگاه‌ها و نهادهای مشمول این قانون را هر سه ماه یک بار به مجلس شورای اسلامی و شورای عالی فضای مجازی ارائه نماید». در این بند نظارت پسین مدنظر بوده است. به این معنا که شورای عالی فضای مجازی از طریق گزارش‌های سه‌ماهه، از عملکرد و تصمیمات کارگروه کسب اطلاع نماید. اما سؤال این است که چه کسی مسئول نظارت فرایندی بر تصمیمات کارگروه از منظر انطباق با مصوبات شورای عالی فضای مجازی است؟ آیا باید بعد از آنکه تصمیمات اتخاذ و ابلاغ شده باشد و گزارش آن به شورا داده شود، این نظارت رخ دهد یا در فرایند تصمیمات این نظارت باید به‌نحو مستدام حضور داشته باشد؟ به نظر نیاز است تا وجهت تصمیمات کارگروه وابسته به تأیید مرکز ملی فضای مجازی، به‌عنوان بازوی نظارتی شورای عالی فضای مجازی، شود. از این رو پیشنهاد می‌شود تبصره «۱» ماده (۳) به این شکل تغییر یابد. «ترکیب اعضا و نحوه اداره کارگروه موضوع این ماده توسط شورای عالی فضای مجازی تعیین می‌شود. مصوبات کارگروه موضوع این ماده پس از تأیید مرکز ملی فضای مجازی از منظر انطباق با مصوبات شورای عالی فضای مجازی، لازم‌الاجراست». نکته قابل اشاره در این خصوص آن است که با توجه به توضیحات پیشین ارائه شده در خصوص ضعف ساختاری ترکیب کارگروه و احتمال تأثیرپذیری آن از تحولات دمکراتیک، می‌تواند به‌عنوان لنگر ثبات در حوزه تدوین و تصویب معیارها و استانداردها نیز عمل نماید.

رابطه ساختاری دیگری که می‌توان میان کارگروه تعامل‌پذیری و شورای عالی فضای مجازی اشاره نمود، رابطه از طریق رئیس جمهور است. رئیس جمهور از یک سو رئیس شورای عالی فضای مجازی است و از سوی دیگر حکم رئیس کارگروه تعامل‌پذیری توسط رئیس جمهور امضا می‌شود. این امر ضمانت اجرای مصوبات شورای عالی فضای مجازی را افزایش می‌دهد؛ اما به شدت اجرای آنها را وابسته به ملاحظات و نگرش‌های شخص رئیس جمهور می‌نماید. اگر رئیس جمهور همراه با نظرات شورای عالی فضای مجازی باشد، مصوبات آن ضمانت اجرا خواهد یافت و اگر رئیس جمهور همراه با نگرش حاکم بر شورا نباشد، مصوبات شورا بر روی کاغذ باقی خواهد ماند.

۴-۷. ارزیابی روابط ساختاری کارگروه تعامل‌پذیری دولت الکترونیکی با وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات

بر اساس ماده (۲) قانون وظایف و اختیارات وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات، «تدوین ضوابط و استانداردها و نظارت بر حسن اجرای آنها در بخش‌های مختلف از جمله انتقال داده‌ها» بر عهده وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات است. همچنین در بند «الف» ماده (۳) همان قانون بر «تدوین سیاست‌ها و ضوابط کلی در زمینه توسعه ارتباطات و فناوری اطلاعات در چارچوب سیاست‌های کلی نظام» و نیز در بند «ک» به‌نحو دیگری بر «تدوین و پیشنهاد استانداردهای ملی مربوط به ارتباطات و فناوری اطلاعات در کشور» به‌عنوان وظایف وزارت ارتباطات و فناوری تأکید شده است. این در حالی است که اساساً فلسفه تشکیل کارگروه تعامل‌پذیری دولت الکترونیکی، همان‌گونه که در تبصره «۱» بند «ث» ماده (۶۷) قانون برنامه ششم توسعه بیان شده، برای «ایجاد نظام استانداردسازی و تبادل اطلاعات» است. برآیند وظایف ۹گانه تصویب شده توسط شورای عالی فضای مجازی در «آیین‌نامه اجرایی احصای کلیه استعلامات و ایجاد نظام استانداردسازی تبادل اطلاعات بین دستگاهی» برای کارگروه تعامل‌پذیری دولت الکترونیکی نیز تأکید بر همان نظام استانداردسازی و تبادل اطلاعات دارد. این بدان معناست که فلسفه تشکیل این کارگروه در تداخل با وظایف تعریف و تصریح شده برای وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات بوده است و این موضوع از جمله موارد ابهام ساختاری است.

ارتباط ساختاری میان کارگروه تعامل‌پذیری دولت الکترونیکی و وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات از چند مسیر است: نخست آنکه طبق مصوبه شورای عالی فضای مجازی، رئیس کارگروه تعامل‌پذیری دولت الکترونیکی در واقع دبیر شورای اجرایی فناوری اطلاعات^۱ است. بر اساس بند «ب» ماده (۴) قانون وظایف و اختیارات وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات، حکم دبیر شورای اجرایی فناوری

۱. نام شورای اجرایی فناوری اطلاعات پیش‌تر شورای عالی فناوری اطلاعات بوده و با مصوبه شورای عالی فضای مجازی، عنوان آن تغییر یافته است.



اطلاعات توسط رئیس‌جمهور، اما با پیشنهاد وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات امضا می‌شود. همچنین این دبیرخانه در وزارت ارتباطات و فناوری و با استفاده از امکانات و نیروی انسانی و منابع وزارتخانه مذکور اداره می‌شود. فعالیت‌ها و جلسات مرتبط با کارگروه تعامل‌پذیری دولت نیز در همان مکان و به همان شکل اداره می‌شود. این بدان معناست که کارگروه مورد بحث هم از نظر نیروی انسانی و هم از نظر تشکیلاتی و بودجه‌ای وابستگی عمیقی به وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات دارد.

ارتباط ساختاری دیگر به لحاظ تأمین زیرساخت‌های تبادل داده و اطلاعات است. براساس ماده (۷) قانون مدیریت داده‌ها و اطلاعات ملی، تبادل داده‌ها و اطلاعات بین دستگاه‌ها و نهادهای مشمول قانون مذکور با دستگاه‌های اجرایی یا کسب و کارها برعهده «مرکز ملی تبادل اطلاعات» است که ذیل وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات تعریف شده است.

نتیجه آنکه وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات بیشترین قدرت ساختاری را در نسبت با کارگروه تعامل‌پذیری دولت الکترونیکی در اختیار دارد. این وزارتخانه هم در چینش اعضای این کارگروه به صورت غیرمستقیم نقش دارد و هم در تأمین بودجه و امکانات آن سهم فراوان دارد و هم اساساً زیرساخت تبادلات در اختیار اوست؛ لذا می‌توان این گونه نتیجه گرفت که بیش از هر کسی، نظرها و نگاه‌های وزارت ارتباطات در کارگروه تعامل‌پذیری در جریان است. این در حالی است که براساس قانون، این کارگروه باید از منظر ساختاری بیش از هر نهادی متأثر از شورای عالی فضای مجازی و مرکز ملی فضای مجازی باشد.

۵-۷. ارزیابی روابط ساختاری کارگروه تعامل‌پذیری با دستگاه‌ها و نهادهای مشمول قانون

براساس بند «الف» ماده (۱) دستگاه‌ها و نهادهای مشمول این قانون شامل دستگاه‌ها و نهادهای موضوع ماده (۱) قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور مصوب ۱۳۹۵/۱۰/۱۱ و ماده (۲۹) قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۵/۱۲/۱۴ به جز استثنائات آن و دبیرخانه شورای عالی مناطق آزاد تجاری صنعتی و ویژه اقتصادی و سازمان‌های مناطق آزاد تجاری صنعتی، می‌شود. رابطه ساختاری میان کارگروه تعامل‌پذیری دولت الکترونیکی و دستگاه‌ها و نهادهای مشمول قانون مورد بحث از چند منظر قابل بررسی است.

رابطه نخست، رابطه نظارتی و سیاستگذاری اجرایی است. براساس ماده (۳) کارگروه تعامل‌پذیری موظف است بر نحوه نگهداری، پردازش، دسترسی، یکپارچه‌سازی، امنیت، تبادل و اشتراک‌گذاری داده‌ها و اطلاعات ملی توسط دستگاه‌های مشمول این قانون نظارت و مدیریت کند. همچنین براساس ماده (۵)، دستگاه‌ها و نهادهای مشمول این قانون به اجرای مصوبات و سیاست‌های این کارگروه مکلف‌اند. پرسش جدی آن است که آیا از منظر ساختاری کارگروه تعامل‌پذیری ابزارهای کافی برای اعمال سیاست و نیز نظارت بر دستگاه‌ها را دارد یا خیر؟

نکته نخست آنکه در هیچ‌جا این قانون به تکلیف گزارش‌دهی از طرف دستگاه‌ها و نهادهای مشمول این قانون به کارگروه تعامل‌پذیری اشاره و تأکید نشده است. این امر پاسخ‌گویی دستگاه‌ها به کارگروه را دچار ضعف می‌کند و نیاز است بدان تأکید صریح شود. به خصوص آنکه باید تأکید بر گزارش هم‌ازسوی دستگاه‌های مشمول باشد و هم تأکید بر ارائه گزارش ازسوی مرکز ملی تبادل اطلاعات تا گزارش‌ها قابلیت اعتبارسنجی باشد. از این رو پیشنهاد می‌شود ذیل ماده (۵) تبصره دومی به شرح ذیل بر آن افزوده شود: «تبصره: دستگاه‌ها و نهادهای مشمول این قانون مکلف‌اند گزارش‌های عملکرد خود در راستای تحقق این قانون و مصوبات شورای عالی فضای مجازی و کارگروه تعامل‌پذیری دولت الکترونیکی را هر سه ماه یک بار به کارگروه تعامل‌پذیری دولت الکترونیکی ارسال نمایند». مبتنی بر گزارش‌های ارسال شده توسط دستگاه‌ها و نهادهای مشمول، کارگروه تعامل‌پذیری می‌تواند دستگاه‌های مختلف را از نظر میزان تحقق قانون رتبه‌بندی کند و آن را در گزارش خود به شورای عالی فضای مجازی و مجلس شورای اسلامی، انعکاس دهد. رتبه‌بندی و ایجاد مقایسه میان دستگاه‌ها به نوعی به افزایش انگیزه برای تحقق تکالیف منجر خواهد شد.

اشاره به این موضوع لازم است که امضای حکم رئیس کارگروه تعامل‌پذیری توسط رئیس‌جمهور به‌عنوان رئیس شورای عالی فضای مجازی، سطح و قدرت بوروکراتیک او را ارتقا می‌دهد و از این منظر این تصمیم بسیار درست است؛ زیرا فعالیت‌ها و وظایف این کارگروه به هیچ‌وجه

بخشی و حتی محدود به دستگاه‌های ذیل قوه مجریه نیست و این امر نیازمند ترسیم جایگاه سطح بالا و حتی فراقوه‌ای برای آن است. اما اشکال آن است که در واقعیت و مقام اجرا، باتوجه به رابطه عمیق میان کارگروه تعامل‌پذیری و وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات، این کارگروه به نحو معناداری ذیل وزارت ارتباطات قرار گرفته و حیث فراقوه‌ای آن به سطح بخشی تنزل یافته است. همین امر و جاهت و سطح مصوبات این کارگروه را تنزل داده است.

نکته بعد آنکه وجود تعارض منافع میان بخش‌های مختلف در انتقال داده به دیگر بخش‌ها یکی از موانع ساختاری جدی در تبادل داده و اطلاعات میان دستگاه‌هاست. این موضوع در بخش مرتبط با تحلیل برابری تعاملی توضیح داده شد. باید ساختار تعاملی دستگاه‌ها به نحوی سامان‌دهی شود که انگیزه تعامل بین دو طرف (تقاضاکننده و عرضه‌کننده داده و اطلاعات) برقرار شود. در قانون فعلی توجهی به حل معضل مذکور نشده است و همین امر انگیزه جریان یافتن احکام و مصوبات کارگروه در دستگاه‌های مشمول این قانون را کاهش می‌دهد. باید توجه داشت که ایجاد انگیزه فقط با تعیین نرخ برای خدمات داده‌ای رخ نمی‌دهد. باید از ابزارهای قهری و الزام‌آور نیز به شکل کارآمد بهره‌گیری شود. در ماده (۹) قانون مدیریت داده‌ها و اطلاعات ملی، به این موضوع توجه شده است؛ اما در شکل کنونی نمی‌تواند ابزار اعمال حکم برای کارگروه ایجاد نماید. در این ماده باید تأکید شود که کارگروه ملزم است گزارش تخلفات، اخلاص و استتکاف از اجرای قانون را به معاونت اداری و استخدامی دولت و نیز قوه قضائیه برای طی روند قانونی جهت مجازات افراد ارسال نماید. این موضوع به خصوص برای سازمان‌ها و نهادهایی که در رتبه‌بندی گزارش‌ها در زمره ۲۰ درصد پایین رتبه‌بندی قرار دارند، با تأکید بیشتر باید رخ دهد. البته ناگفته پیداست که رتبه‌بندی دستگاه‌ها و نهادها، نیازمند تدوین معیارها و شاخص‌های قابل اندازه‌گیری برای ارزیابی فعالیت آنها برای تحقق این قانون است؛ لذا کارگروه تعامل‌پذیری باید شاخص‌هایی را برای تحقق این موضوع تدوین کند و از پیش به اطلاع سازمان‌ها و دستگاه‌های مشمول این قانون برساند. با بیان مذکور، نیاز به افزودن تبصره‌هایی به این شرح ذیل ماده (۹) هست:

تبصره «۱»: کارگروه تعامل‌پذیری دولت الکترونیکی موظف است ظرف سه ماه، معیارها و شاخص‌های قابل اندازه‌گیری برای رتبه‌بندی عملکرد دستگاه‌های مشمول این قانون در زمینه اجرای مفاد آن را تدوین و به تصویب شورای عالی فضای مجازی برساند و ابلاغ نماید.

تبصره «۲»: کارگروه مذکور موظف است گزارش عملکرد دوره‌ای (حداقل هر سه ماه یک بار) دستگاه‌ها را براساس شاخص‌های مصوب تهیه و به مراجع ذیصلاح قضایی و اداری (از جمله معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس‌جمهور و سازمان بازرسی کل کشور) ارسال نماید.

این گزارش باید به‌طور مشخص به تخلفات و کاستی‌های اثبات‌شده و همچنین رتبه عملکرد هر دستگاه اشاره داشته باشد.

تبصره «۳»: دستگاه‌هایی که به‌طور مستمر در رده‌های پایین عملکردی قرار گیرند، مشمول برنامه نظارت و پیگیری ویژه توسط کارگروه خواهند بود.

نکته مهم دیگر آنکه ماده (۹) از دو بخش تشکیل شده است: بخشی از آن از نوع برخوردهای انضباطی است که شامل انفصال از خدمت دولتی از ۶ ماه تا ۵ سال است. بخش دوم شامل حبس تعزیری است که فراتر از تنبیه‌های انضباطی بوده و در صورتی قابل اعمال است که افعال مجرمانه رخ داده باشد. حبس تعزیری را نمی‌توان براساس قوانین و مقررات اداری اعمال نمود و نیز مرجع رسیدگی به هر دوی آنها نمی‌تواند واحد باشد. بخش نخست از طریق سازمان‌هایی چون سازمان اداری و استخدامی قابل اعمال است، اما بخش دوم ضرورتاً باید در فرایند قوه قضائیه و از سوی دادگاه‌های صالحه رسیدگی و تجویز شود. از تفکیک نهادی فوق در قانون و در ماده (۹) غفلت شده و همین امر از منظر ساختاری، بُعد نظارتی و تنبیهی این قانون را دچار اختلال کرده است. لذا نیاز است تفکیک مذکور در متن ماده (۹) به این شکل اعمال شود:



جدول ۱۶. پیشنهادهای اصلاحی برای ارتقای منظر کارآمدی ساختاری برای ماده (۹)

متن پیشنهادی برای ارتقای کارآمدی ساختاری	متن قانون
<p>ماده (۹): هریک از اشخاص مشمول این قانون که برخلاف مفاد آن، مرتکب تخلف، اخلال در پردازش و تبادل داده‌ها یا استتکاف از اجرای آن گردد، به مجازات‌های زیر محکوم می‌شود:</p> <p>الف) انفصال از خدمت دولتی به مدت شش ماه تا پنج سال؛</p> <p>ب) حبس تعزیری درجه شش (نود و یک روز تا شش ماه)؛</p> <p>تبصره «۱»: تعقیب، رسیدگی و صدور حکم به مجازات موضوع بند «الف» این ماده، مطابق قوانین و مقررات رسیدگی به تخلفات اداری خواهد بود.</p> <p>تبصره «۲»: تعقیب، رسیدگی و صدور حکم به مجازات موضوع بند «ب» این ماده، در دادگاه‌های کیفری صالح صورت می‌پذیرد.</p>	<p>ماده (۹): متخلف یا اخلال‌کننده در پردازش و تبادل یا مستتکف از اجرای این قانون مشمول مجازات انفصال از خدمت به مدت شش ماه تا پنج سال یا حبس تعزیری به مدت نود و یک روز تا شش ماه می‌شود.</p>

مأخذ: همان.

مسئله ساختاری پایانی که نیاز است به آن اشاره شود، نادیده گرفته شدن جایگاه حل اختلاف برای کارگروه تعامل‌پذیری دولت الکترونیک در مواقع بروز اختلاف میان دستگاه‌ها و نهادهای مشمول قانون مورد بحث است. مبتنی بر ماده (۱۱) قانون مدیریت داده‌ها و اطلاعات ملی، در صورت بروز اختلاف در اجرا و تفسیر فنی مصوبات کارگروه تعامل‌پذیری دولت الکترونیکی، بین دستگاه‌های اجرایی، «شورای اجرایی فناوری اطلاعات» و برای نهادهای خارج از قوه مجریه، «مرکز ملی فضای مجازی» مرجع داوری است. این حکم نافی اختیارات قضات و برای آنان لازم‌الاتباع نیست. تقسیم کار رخ داده، جایگاه این کارگروه را تنزل داده است. به‌طور منطقی مفسر یک متن یا قانون باید نهاد تصویب‌کننده آن متن باشد نه نهاد دیگر. لذا شایسته‌ترین نهاد برای تفسیر مصوبات کارگروه تعامل‌پذیری، خود کارگروه است. همچنین در صورت بروز اختلاف میان دستگاه‌ها و نهادهای مشمول قانون، خود کارگروه، به‌عنوان کسی که استانداردها را تصویب کرده است و با توجه به حضور نمایندگان مختلف از نهادهای مختلف، بهترین نهاد برای حل اختلاف است. لذا ماده (۱۱) اساساً باید نقش مفسر و حل اختلاف بین دستگاه‌ها را در اختیار کارگروه تعامل‌پذیری دولت تعریف نماید. با توجه به ترکیب و جایگاه فراقوه‌ای فرض شده برای کارگروه، نیازی به تفکیک اختلافات بین دستگاه‌های ذیل قوه مجریه و خارج از آن نیست. همچنین باید توجه داشت که در این ماده اشاره‌ای به فرایند و چگونگی اعتراض به آرای صادره نشده است. اگر دستگاهی به رأی و نوع حل اختلاف اعتراض داشته باشد، چگونه باید اعتراض نماید؟ نکته دیگری که در این ماده مبهم است آنکه آیا آرای صادره لازم‌الاتباع خواهد بود یا خیر؟ از متن ماده (۱۱) این برداشت نمی‌شود که آرای صادر شده توسط نهادهای مرجع در حل اختلاف لازم‌الاتباع است. با بیان مذکور، ماده (۱۱) باید مطابق جدول ۱۷ اصلاح شود.

جدول ۱۷. پیشنهادهای اصلاحی برای ارتقا از منظر کارآمدی ساختاری برای ماده (۱۱)

متن قانون	متن پیشنهادی برای ارتقای کارآمدی ساختاری
<p>ماده (۱۱): در صورت بروز اختلاف در اجرا و تفسیر فنی مصوبات کارگروه تعامل‌پذیری دولت الکترونیکی، بین دستگاه‌های اجرایی، «شورای اجرایی فناوری اطلاعات» و برای نهادهای خارج از قوه مجریه، «مرکز ملی فضای مجازی» مرجع داوری است. این حکم نافی اختیارات قضات نبوده و برای آنان لازم‌الاتباع نیست.</p>	<p>ماده (۱۱): کارگروه تعامل‌پذیری دولت الکترونیکی، مرجع تفسیر مقررات فنی و حل اختلافات اجرایی بین دستگاه‌های مشمول این قانون است. تبصره «۱»: آرای صادره توسط این کارگروه در چارچوب مصوبات شورای عالی فضای مجازی، برای دستگاه‌های اختلاف‌کننده لازم‌الاجراست. تبصره «۲»: در صورتی که یکی از دستگاه‌های طرف اختلاف، ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ رأی، به آن اعتراض داشته باشد، می‌تواند اعتراض خود را به شورای عالی فضای مجازی تسلیم نماید. رأی شورا قطعی است. تبصره «۳»: مفاد این ماده و آرای مذکور، مانع از رسیدگی مراجع قضایی ذیصلاح در حدود قوانین و مقررات مربوط نمی‌باشد.</p>

مأخذ: همان.

۶-۷. ارزیابی ساختاری رابطه کارگروه تعامل‌پذیری با متولیان داده و اطلاعات

در ماده (۱۰) قانون مدیریت داده‌ها و اطلاعات به تقسیم کار بین نهادها و دستگاه‌های بیست و هفت‌گانه برای تولی و مدیریت و نگهداری داده‌ها و اطلاعات اقدام شده است. تقسیم کار مذکور را می‌توان یکی از نقاط قوت این قانون تلقی کرد. رابطه ساختاری میان کارگروه تعامل‌پذیری و متولیان داده را نیز می‌توان در سه سطح ارزیابی و تحلیل نمود.

سطح و لایحه نخست، رابطه سیاستگذاری و تعیین چارچوب‌ها و استانداردهاست. براساس ماده (۱۰)، متولیان داده موظف‌اند براساس مصوبات کارگروه اقدامات اجرایی لازم را برای تحقق اهداف قانون مدیریت داده‌ها و اطلاعات به اجرا گذارند. در این سطح از تعامل کارگروه چارچوب و خط‌مشی کلی را تعیین می‌کند و متولیان در سطح عملیاتی و تخصصی مسئولیت اجرای آن را برعهده دارند.

سطح و لایحه دوم رابطه نظارتی و کنترلی از سوی کارگروه تعامل‌پذیری بر متولیان داده است. این موضوع در تبصره «۱» ماده (۱۰) اشاره شده است. به این شرح که کارگروه می‌تواند در صورت تشخیص ضرورت، در فهرست بیست و هفت‌گانه اقدام به حذف، الحاق، ادغام یا تفکیک پایگاه‌های داده و اطلاعات نماید. این اختیار نقش و اختیار نظارتی بالایی به کارگروه می‌دهد. نکته قابل توجه در این خصوص آن است که حصر نگهداری و مدیریت داده و اطلاعات در اختیار یک سازمان و نهاد، به معنای افزایش قدرت برای آن سازمان است که می‌تواند در تعامل و چانه‌زنی با دیگر سازمان‌ها خود را نمایان سازد.

این موضوع نیازمند تیزتر شدن لبه نظارت درباره این نهادهاست. در این خصوص در بخش‌های پیشین پیشنهادهایی داده شده است که در صورت اعمال آنها در قانون، سطح پاسخ‌گویی در نهادهای متولی نیز افزایش خواهد یافت. اما با وجود این، نیاز است تا در ماده (۱۰) بر گزارش‌های منظم از سوی متولیان داده به کارگروه تأکید شود. بر این اساس، توصیه می‌شود این تبصره‌ها به ماده (۱۰) اضافه شود.

تبصره «۳»: نهادهای متولی اداره داده موضوع این ماده، مکلف‌اند گزارش عملکرد سه‌ماهه خود را مطابق با فرم و شاخص‌های مصوب کارگروه تعامل‌پذیری دولت الکترونیکی تهیه و حداکثر تا پانزدهم ماه بعد از پایان هر فصل به این کارگروه ارائه نمایند.

تبصره «۴»: کارگروه تعامل‌پذیری دولت الکترونیکی موظف است خلاصه‌ای از گزارش‌های دریافتی و رتبه‌بندی عملکرد نهادهای متولی را به صورت عمومی از طریق درگاه ملی داده‌های باز منتشر نماید.

تبصره «۵»: آیین‌نامه اجرایی این ماده، شامل جزئیات شاخص‌های نظارتی، فرایندهای گزارش‌دهی و ضمانت‌های اجرایی، ظرف سه ماه توسط کارگروه مذکور تهیه و به تصویب شورای عالی فضای مجازی می‌رسد.



سطح سوم رابطه و نقش هماهنگ کننده و تسهیل گر برای کارگروه تعامل پذیری در تعاملات تعریف شده میان متولیان داده و اطلاعات با سایر نهادهای مشمول قانون مدیریت داده‌ها و اطلاعات ملی است. این موضوع در تبصره «۲» ماده (۱۰) تأکید شده است.

۷-۷. ارزیابی ساختاری رابطه کارگروه تعامل پذیری با مجلس

مجلس شورای اسلامی نیز همراه با شورای عالی فضای مجازی، با توجه به جایگاه تعریف شده برای آن در قانون اساسی، به عنوان نهادی مهم در سطح و لایه حکمرانی در فضای مجازی تعریف می‌شود. رابطه میان مجلس و کارگروه تعامل پذیری دولت الکترونیکی را در دو سطح می‌توان تحلیل کرد:

سطح نخست سطح تقنین است؛ این رابطه، بنیادی‌ترین و کلان‌ترین سطح ارتباط است. مجلس شورای اسلامی به عنوان مرجع تقنین (اصل (۷۱) قانون اساسی)، قانون مدیریت داده و اطلاعات ملی را تصویب کرده و کارگروه تعامل پذیری را به رسمیت شناخته است. بنابراین، وجود، مشروعیت و حدود اختیارات قانونی کارگروه تعامل پذیری، ناشی از اراده مجلس است.

علاوه بر آن، مجلس با توجه به شأن تعریف شده برای آن در قانون اساسی، برخوردار از شأن نظارتی بر کارگروه تعامل پذیری است. مجلس بر اساس اصل (۷۶) قانون اساسی حق تحقیق و تفحص در تمام امور کشور را دارد. علاوه بر آن، بر اساس تبصره «۲» ماده (۳) کارگروه تعامل پذیری موظف به ارسال گزارش‌های عملکرد دستگاه‌های مشمول قانون مدیریت داده‌ها و اطلاعات ملی به نحو سه ماه یک بار به مجلس شورای اسلامی شده است. این الزام در واقع رابطه نظارتی شفاف و مستقیمی ایجاد کرده است.

اما نکته آنجاست که اگر مجلس به عملکرد کارگروه و اعضای آن اشکال وارد بداند، چگونه می‌تواند از ابزار نظارتی خود برای رفع نقص اقدام نماید؟ از آنجاکه در شکل کنونی، حکم رئیس کارگروه توسط رئیس جمهور و حکم اعضای آن نیز توسط رئیس کارگروه امضا می‌شود، مجلس دسترسی به اعضای آن برای تغییر یا اعمال فشار ندارد. در واقع شأن نظارتی مجلس شورای اسلامی در خصوص ترکیب اعضا، فقط به اطلاع از عملکرد تقلیل می‌یابد و ابزاری برای اعمال نظارت برای اصلاح عملکرد کارگروه ندارد. ممکن است چنین ادعا شود که مجلس می‌تواند از طریق استیضاح وزیر ارتباطات و فناوری، از آن رو که در ساختار کنونی به صورت غیر مستقیم اعضای آن به پیشنهاد او تعیین می‌شوند، اعمال نظارت نماید. در این خصوص باید گفت هر چند کارگروه مذکور تحت تأثیر وزارت ارتباطات است، این رابطه الزامی نیست و در همه شرایط به سادگی نمی‌توان عملکرد ضعیف کارگروه را به حساب وزیر فرض نمود. اشکال و نقیصه فوق ناشی از ابهام ساختاری در جایگاه سازمانی کارگروه تعامل پذیری است. مشخص نیست که این کارگروه ذیل شورای عالی و مرکز ملی فضای مجازی قرار دارد یا به عنوان یکی از بازوهای وزارت ارتباطات فرض می‌شود.

در خصوص مسئله مذکور یا باید به واقع این کارگروه از نظر ساختاری به صورت معنادار ذیل مرکز ملی قرار گیرد که در این صورت انتصاب رئیس کارگروه باید به پیشنهاد مرکز ملی و حکم رئیس جمهور باشد. یا باید کاملاً ذیل وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات قرار گیرد و عملکرد آن به تمامه در کارنامه این وزارتخانه باشد که در این صورت باید رئیس کارگروه خود وزیر ارتباطات و فناوری باشد. در شکل نخست قدرت نظارت برای مرکز ملی فضای مجازی فراهم می‌شود و در شکل دوم قدرت نظارت بر عملکرد این کارگروه برای مجلس شورای اسلامی فراهم می‌گردد. در ساختار کنونی هیچ کدام قدرت و ابزار اعمال نظارت جز دریافت گزارش‌های سه ماه یک بار ندارند.

از آنجاکه حوزه وظایف و تکالیف وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات بسیار وسیع تر از وظایف تعریف شده برای کارگروه تعامل پذیری است؛ لذا ایجاد ظرفیت استیضاح از طریق ریاست وزیر ارتباطات در این کارگروه، نمی‌تواند ابزار نظارتی معقولی باشد؛ زیرا استفاده از این ابزار برای این موضوع بسیار پرهزینه ارزیابی می‌شود. همچنین به تسلط بیشتر نگرش بخشی و تنزل سطح فراقوه‌ای این کارگروه منجر خواهد شد. با این استدلال، پیشنهاد مطلوب آن است که ابهام ساختاری کارگروه تعامل پذیری به سمت شورای عالی فضای مجازی حل شده، رئیس این کارگروه به پیشنهاد مرکز ملی فضای مجازی و حکم رئیس جمهور منصوب شود. این موضوع نیازمند اصلاح در قانون مدیریت داده‌ها و اطلاعات ملی نیست؛ زیرا در تبصره «۱» ماده (۳) تعیین اعضا و نحوه اداره کارگروه به عهده شورای عالی فضای مجازی گذاشته شده است. در این خصوص نیاز به آن است که مصوبه شورای در خصوص اعضا و نحوه انتخاب رئیس کارگروه تغییر یابد.

۸-۷. ارزیابی ساختاری رابطه مجلس و شورای عالی فضای مجازی

مسئله‌شناسی و تصمیم‌سیاستی در سطح کلان و قانونگذاری در حوزه داده و اطلاعات عمومی، همان‌طور که در بخش نگاشت نهادی این موضوع شرح داده شد، بر عهده شورای عالی فضای مجازی و مجلس شورای اسلامی است. هر دو نهاد باتوجه به جایگاه تعریف شده برای آنها، می‌توانند در سطح کلان اقدام کنند و سیاستگذاری داشته باشند. اما همین موضوع نشان از اختلال ساختاری در این سطح است. هر چند در ماده (۲) قانون مدیریت داده‌ها و اطلاعات ملی، تأکید بر آن شده است که سیاستگذاری و تصویب راهبردهای کلان بر عهده شورای عالی فضای مجازی است، ولی این بدان معنا نیست که مجلس شورای اسلامی حق تقنین در حوزه‌های امنیتی، حقوقی، قضایی و انتظامی مورد نیاز در فضای مجازی و مدیریت داده و اطلاعات را از خود سلب کرده باشد. ابهام در سطح سیاستگذاری کلان، باید با شفاف شدن حوزه حضور و نقش‌آفرینی دو نهاد مذکور مرتفع شود.

۸. ارزیابی از منظر عدالت صیانتی

در یک بخش بندی کلان عدالت اجتماعی را می‌توان به «عدالت توزیعی» و «عدالت صیانتی» بخش نمود. عدالت توزیعی تمرکز بر توزیع خیرات اجتماعی و تعیین تکالیف و حقوق افراد در قبال هم داشته و در صدد پاسخ به این سؤال است که «چه چیزی باید سهم چه کسانی باشد؟» عدالت توزیعی خود به دو بخش مجزای «توزیع اولیه» و «توزیع تعاملی» قابل تقسیم است. ارزیابی صورت گرفته در بخش‌های پیشین از منظر برابری‌های اساسی و نیز تبعیض‌های روا، به‌نوعی چتر تحلیلی کاملی بر قانون مدیریت داده‌ها و اطلاعات ملی از منظر تماس با عدالت توزیعی انداخته و ما را از بحث مجزا پیرامون توزیع اولیه و توزیع تعاملی بی‌نیاز کرده است.

اما عدالت صیانتی گام بعد از پاسخ به سؤالات توزیعی است و ناظر به مرحله بعد از تعیین تکالیف و حقوق بوده و معطوف به شرایط، فرایندها و اقداماتی است که هدف از آن حفظ و صیانت از حقوق تعریف شده برای آحاد جامعه است. البته در این گام نیز ممکن است حقوق و تکالیفی برای افراد و نهادهای مختلف تعریف شود، اما این حقوق فی‌نفسه موضوعیت ندارد و به‌عبارتی طریقتی برای حفاظت و نگهداری از حقوقی دارند که در مرحله عدالت توزیعی تعریف شده‌اند. عدالت صیانتی در سه بخش «عدالت تأمینی»، «عدالت ترمیمی» و «عدالت جزایی» قابل بحث است. رد پای عدالت صیانتی در قانون مدیریت داده‌ها و اطلاعات ملی، تقریباً در تمام مواد از جمله (۳)، (۵)، (۶)، (۷)، (۸)، (۹) و (۱۰) قابل ردیابی است و این نشان از تماس گسترده این قانون با بُعد صیانتی عدالت دارد. در ادامه سعی می‌شود قانون مدیریت داده‌ها و اطلاعات را در سه بخش مجزای عدالت صیانتی تحلیل، و میزان و وضعیت آن را بر مبنای هنجارهای عدالت صیانتی ارزیابی کرد.

۸-۱. ارزیابی از منظر عدالت تأمینی

عدالت تأمینی که موضوع بحث این بخش است، بر الزامات و شرایط مورد نیاز برای حفظ و نگهداشت حقوقی معطوف است که برای افراد فرض شده است. مدیریت داده‌ها و اطلاعات ملی باید به‌نحوی باشد که حقوق جامعه در این موضوع دچار مخاطره نباشد. در موضوع عدالت تأمینی سؤال این است که اولاً آیا در قانون توجهی به حفظ حریم خصوصی شده است؟ دوماً آیا در خصوص امنیت داده‌ها و اطلاعات در سطح ملی و مراقبت از آنها در مقابل تهاجم یا سرقت توسط عناصر غیر ملی و خارجی دقتی شده است؟ و ثالثاً آیا به حفظ داده‌ها به‌عنوان یک سرمایه مشترک ملی و نیز بین‌نسلی، و جلوگیری از آسیب به آنها، توجه صورت گرفته است؟

بررسی مواد قانون مدیریت داده‌ها و اطلاعات ملی گویای آن است که در این قانون به‌نحو مطلوبی به موضوع عدالت تأمینی در هر سه ساحت مذکور توجه شده است. برای مثال، در ماده (۳)، کار گروه تعامل‌پذیری موظف شده است تا در حوزه امنیت داده‌ها و اطلاعات، اعمال سیاست



و نظارت داشته باشد.^۱ البته این موضوع به معنای آن نیست که کار گروه حتماً چنین کاری را انجام داده است. در این خصوص مجلس باید پیگیری‌های نظارتی خود را از این کار گروه انجام دهد. به هر تقدیر، در سطح قانون، دقت در ترسیم وظیفه در حوزه امنیت داده بوده است. همچنین در ماده (۴) قید شده است که داده‌ها و اطلاعات با لحاظ مسائل امنیتی و با رعایت محرمانگی اطلاعات اشخاص در اختیار دولت جمهوری اسلامی است و در ماده (۵) تمام دستگاه‌ها و نهادهای مشمول این قانون به صیانت و حفظ داده‌های شخصی موظف شده‌اند. در ماده (۶) متولی اصلی در حوزه امنیت داده و اطلاعات مشخص شده است. در این ماده تأکید شده است که اعمال تدابیر حفاظتی و امنیتی به منظور صیانت از داده‌ها و اطلاعات و حفظ محرمانگی داده‌ها و اطلاعات اشخاص بر عهده دستگاه‌ها و نهادهای مشمول این قانون و ارائه‌دهندگان خدمات ذیل تنظیم گران بخشی است که مسئول تولید، نگهداری یا پردازش‌کننده داده‌ها و اطلاعات‌اند. همچنین در ماده (۷) بحث امنیت داده در مسیر تبادل بر عهده مرکز ملی تبادل اطلاعات وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات قرار داده شده است. این یعنی هم در حوزه نگهداری و هم در حوزه تبادل، قانونگذار به‌طور آگاهانه فرد مسئول حفاظت و صیانت از داده‌ها را تعیین کرده و بر آن دقت داشته است.

در پایان این بخش می‌توان به موضوع حل اختلاف به‌عنوان یکی از الزامات ضروری برای تأمین و ایفای حقوق تعریف شده اشاره نمود. ماده (۱۱) قانون مدیریت داده و اطلاعات به موضوع فرایند و متولی حل اختلاف بین دستگاه‌های اجرایی و خارج از قوه مجریه پرداخته است. نفس توجه به این موضوع نکته قابل دفاعی است؛ اما همان‌طور که در بخش تحلیل کارآمدی اشاره شد، نوع ساختار بندی برای حل اختلاف بهینه و منطقی نیست. از آنجا که توضیحات و پیشنهادهای لازم در این مورد در همان بخش بیان شده است، لذا از تکرار مباحث در اینجا خودداری می‌شود.

۲-۸. ارزیابی از منظر عدالت ترمیمی

«عدالت ترمیمی» بُعد دیگری از عدالت صیانتی است که در تماس با قانون مدیریت داده‌ها و اطلاعات ملی است. عدالت ترمیمی ناظر به جبران حقوق از دست‌رفته افراد است. هر جایی از قوانین که در آن صحبت از تأدیه بدهی یا بازپس‌گیری مطالبات و نیز جبران خسارت‌ها باشد، هنجار مسلط در آنجا، عدالت ترمیمی است و موضوع باید از عینک آن، ارزیابی و بهینه‌یابی شود. مسئله در عدالت ترمیمی آن است که حقوق نقض شده یا از دست‌رفته، به‌صورت کامل و با رعایت درست اولویت‌ها، تأدیه و بازپس‌گرفته شوند. البته این بدان معنا نیست که لزوماً قوانین به این موضوع به‌صراحت باید اشاره داشته باشند. در بسیاری از مواد یک قانون، ظرفیت و ضرورت توجه به بُعد ترمیمی عدالت وجود دارد و ممکن است قانون از آن غفلت نموده باشد. در خصوص قانون مدیریت داده‌ها و اطلاعات نیز می‌توان غفلت در خصوص عدالت ترمیمی را دریافت.

از این‌رو نیاز است تا نقاطی را که ظرفیت تماس با عدالت ترمیمی دارند شناسایی و در آن نقاط قانون را تقویت کرد. اولین پرسش از قانون آن است که اگر به‌عنوان مثال به‌واسطه اهمال و سستی در اجرای ماده (۴) و رعایت نکردن ملاحظات امنیتی یا رعایت محرمانگی اطلاعات اشخاص، آسیبی به اشخاص وارد آید، جبران آسیب چگونه و در چه فرایندی رخ خواهد داد؟ در پاسخ به این سؤال باید گفت قوانینی چون «قانون دسترسی آزاد به اطلاعات» و «قانون جرائم رایانه‌ای» به‌عنوان قوانین اقماری قانون مدیریت داده‌ها و اطلاعات ملی عمل می‌کنند و می‌توان دغدغه این سؤال را در آن قوانین جست‌وجو کرد. ملاحظه قوانین نام‌برده گویای آن است که بافت تقنین کشور می‌تواند نقایص قانون مدیریت داده را در حوزه عدالت ترمیمی در موضوع حریم خصوصی به‌طور مطلوب پوشش دهد و نیاز به اعمال اصلاحات در این قانون از این منظر نباشد. برای مثال، در ماده (۲۱) قانون دسترسی آزاد به اطلاعات، در خصوص انتشار اطلاعات خلاف واقع و نیز انتشار اطلاعات واقعی بر خلاف محدودیت ذکر شده در آن قانون (که شامل محدودیت‌های حفظ حریم خصوصی نیز می‌شود)، افراد می‌توانند مطابق قواعد عمومی مسئولیت‌های مدنی ادعای خسارت نمایند. همچنین در مواد (۱۶) و (۱۷) قانون جرائم رایانه‌ای نیز به‌نحوی به حفظ حریم شخصی اشاره شده است.

۱. گفتنی است که در حوزه امنیت داده، علاوه بر کار گروه تعامل‌پذیری دو سازمان افتا (امنیت فضای تولید و تبادل اطلاعات) وابسته به نهاد ریاست جمهوری و نیز سازمان ماهر (مرکز امداد و هماهنگی رایانه‌ای) زیر نظر سازمان پدافند غیرعامل نیز به تدوین و اجرای سیاست‌ها و قوانینی اقدام می‌کنند که هدفشان ارتقای امنیت اطلاعات در کشور و مقابله با تهدیدات سایبری است.

با وجود آنکه می‌توان از قوانین دیگر برای پوشش ضعف در خصوص الزامات عدالت ترمیمی برای حوزه حریم خصوصی کمک گرفت، هنوز نمی‌توان به‌نحو کامل ادعای انطباق حوزه داده و اطلاعات با عدالت ترمیمی را داشت؛ زیرا می‌توان مسائل دیگری را که در دایره عدالت ترمیمی قرار دارد و در ارتباط با قانون مدیریت داده‌ها و اطلاعات ملی است، طرح نمود. از آن دست مسائل اینکه اگر نهاد یا سازمانی مانع از دسترسی افراد به اطلاعات ملی شود، آیا آنها می‌توانند از آن نهاد یا سازمان، ادعای خسارت داشته باشند؟ آیا حق شکایت و پیگیری توسط متضرر در قانون پیش‌بینی شده است؟ یا اگر یک نهاد در ارائه داده و اطلاعات به نهاد و سازمان دیگر کاهلی و خودداری نماید و به واسطه این موضوع، سازمان و نهاد دوم در ارائه خدمات به جامعه دچار مشکل شود و خسارتی از این طریق به جامعه تحمیل گردد، آیا نباید خسارت مذکور جبران و ترمیم شود؟ پاسخ آن است که قطعاً جبران خسارت حق کسی است که عدم اجرای مفاد این قانون توسط برخی، او را دچار ضرر و خسارت نموده است. لذا به‌منظور تقویت این قانون در زمینه عدالت ترمیمی نیاز به آن است تا ذیل ماده (۹) ماده دیگری تحت عنوان ماده (۹) تکراری، به این شکل به قانون اضافه شود:

ماده (۹) تکراری: در صورتی که تخلف، اخلال یا استنکاف موضوع این قانون، موجب ورود خسارت به اشخاص (حقیقی یا حقوقی) یا منافع عمومی گردد، مرتکب، مسئول جبران تمامی خسارات وارده می‌باشد. دادگاه صالح می‌تواند به درخواست زیان‌دیده، علاوه بر مجازات‌های مقرر، مرتکب را به پرداخت خسارت نیز محکوم نماید.

۳-۸. ارزیابی از منظر عدالت جزایی

عدالت جزایی، عرصه سوم از عدالت‌سیانته است. تفاوت این بخش از عدالت با دو بخش تأمینی و ترمیمی را می‌توان در قالب یک مثال توضیح داد. این‌گونه فرض کنید که یک زمین بر اساس معیارهای توزیع مشروع، سهم یک فرد باشد. تأسیس و احترام گذاشتن به نهاد مالکیت، امری تأمینی است. یا طراحی فرایندی مثل صدور سند مالکیت برای تثبیت و حفظ مالکیت آن زمین، همگی از منظر تأمینی و برای کاهش احتمال از دست رفتن حق آن فرد است. اما اگر کسی زمین او را غصب نماید، جامعه باید برای بازگرداندن حق و ترمیم آن اقدام نماید. در این مقام زمین این فرد باید به‌صورت تمام و بدون کم‌وکاست به این فرد بازگردانده شود. این گام در واقع در دامن عدالت ترمیمی قرار دارد. اما آیا جامعه نباید نسبت به تنبیه فرد غاصب اقدامی انجام دهد؟ این پرسش مرز ورود به عدالت جزایی است. البته این مثال از نوع تنبیه بود و می‌توان مثال‌های بسیاری را برشمرد که جامعه بر تشویق برخی افعال و کنش‌ها مکلف است. عدالت جزایی در واقع ناظر به تنبیه فرد یا افرادی است که در حقوق دیگران تخطی نموده‌اند و نیز در نقطه مقابل شامل تشویق افرادی است که از نظر اجتماعی با ایثار و از خودگذشتگی با تلاش بیش از انتظار، خدمات عمده‌ای به اجتماع و افراد جامعه عرضه داشته‌اند.

ماده (۹) بیشترین ارتباط را با عدالت جزایی دارد. در این ماده اشاره شده است که متخلف یا اخلال‌کننده در پردازش و تبادل یا مستنکف از اجرای این قانون مشمول مجازات انفصال از خدمت به مدت ۶ ماه تا ۵ سال یا حبس تعزیری به مدت ۹۱ روز تا ۶ ماه می‌شود. تأمل در جوانب این ماده، نشان از ضعف فراوان در بُعد جزایی است. در ادامه سعی خواهد شد تا بررسی جامعی از منظر جزایی صورت گیرد.

نکته نخست آنکه نگاه تنبیهی در این قانون مسلط بوده و هیچ توجهی به لایه تشویقی و پاداشی عدالت جزایی نشده است. آنچه در ماده (۹) درج شده است، صرفاً محدود به مجازات متخلفین، اخلال‌کننده‌ها و کسانی است که از اجرای قانون سر باز زده و استنکاف نموده‌اند. سؤال آن است که آیا اقتضای عدالت تشویق و پاداش دادن به افراد و نهادهای فعال در اجرای این قانون نیست؟ آیا نباید در عین تنبیه خاطیان، کسانی که عملکرد بسیار چشمگیری در اجرا و تحقق این قانون داشته‌اند، تشویق شوند و پاداش دریافت نمایند؟ توجه به این موضوع ایجاب می‌کند که ماده (۹) از نگاه تک‌بعدی و تنبیه‌ی فراتر رود و ابعاد تشویقی را نیز در دامن خود لحاظ نماید. لذا می‌توان تبصره زیر را به ماده (۹) اضافه نمود. تبصره: کارگروه تعامل‌پذیری دولت الکترونیکی موظف است در پایان هر فصل، گزارش رتبه‌بندی شده عملکرد کلیه سازمان‌ها و نهادهای مشمول این قانون را تهیه و به معاونت اداری و استخدامی رئیس‌جمهور (یا مرجع ذی‌صلاح دیگر) ارائه نماید. دستگاه‌هایی که در این ارزیابی



در زمره ۲۰ درصد برتر قرار گیرند، مشمول تشویق و پاداش مطابق آیین‌نامه‌ای خواهند بود که حداکثر ظرف سه ماه پس از تصویب این قانون به پیشنهاد معاونت اداری و استخدامی رئیس‌جمهور و تصویب هیئت‌وزیران خواهد رسید.

نکته دیگر که لازم است به آن توجه شود، آنکه آیا تناسب میان جرم و مجازات در ماده (۹) برقرار است یا خیر؟ سطح تخلف و اختلال یا استنکاف همواره به یک شکل نیست و می‌تواند از سطح جزئی تا سطوح اساسی و کلان تغییر کند. آثار این نوع کنش‌ها نیز می‌تواند محدود یا وسیع باشد؛ لذا جرم باید متناسب با مصداق تخلف یا اختلال یا استنکاف و آثار یا حتی جایگاه و سمتی که فرد بر آن نشسته است تنظیم شود. تعیین مجازات به صورت حداقل و حداکثر این اجازه را به نهاد ناظر یا نهاد قضایی داده است که بتواند تناسب میان تخلف و تنبیه را تنظیم نماید. اما نکته آن است که هیچ قید و معیاری برای انتخاب تنبیه حداقل یا تنبیه حداکثر قرار داده نشده است. در یک دادگاه ممکن است یک فرد با یک جرم مشخص به شکلی تنبیه شود و در دادگاه دیگر فردی با همان مختصات شخصیتی و جایگاهی و همان جرم، به نحو دیگری تنبیه و مجازات گردد. این امر محل عدالت جزایی است. البته نمی‌توان به صورت کامل تمام مصداق تخلف و اختلال و استنکاف را در قانون ذکر نمود و برای هر یک به صورت مشخص مجازات خاصی را تعیین کرد، اما لازم است معیارهایی را برای انتخاب از سطح مجازات مشخص نمود. از آن جمله هر میزان سطح و جایگاه افزایش یابد، لازم است شدت برخورد با او بیشتر شود. هر میزان آثار یک تخلف بیشتر باشد، لازم است سطح مجازات سنگین‌تر شود. هر میزان سطح تخلف از جزئی به کلان ارتقا یابد، لازم است مجازات تشدید شود. لذا می‌توان در همان ماده عبارتی افزود و تعیین میزان مجازات را به معیارهایی چون جایگاه فرد، میزان آثار و سطح تخلف وابسته نمود.

ماده (۹): متخلف یا اخلال‌کننده در پردازش و تبادل یا مستنکف از اجرای این قانون، متناسب با جایگاه اداری، سطح تخلف و گستره آثار آن، مشمول مجازات انفصال از خدمت به مدت شش ماه تا پنج سال یا حبس تعزیری به مدت نود و یک روز تا شش ماه می‌شود.

ثانیاً محصور کردن اقدامات تنبیهی به تخلف، اختلال یا استنکاف نمی‌تواند پوشش کاملی برای دغدغه‌های عدالت جزایی فراهم آورد؛ زیرا تصور اقدامات مجرمانه در این موضوع منتفی نیست. می‌توان چنین فرض داشت که فرد مرتکب جرائمی شده باشد که حتی اگر اشد مجازات قید شده در ماده (۹) بر او اعمال شود، باز هم نسبت میان جرم و مجازات برقرار نگردد. برای مثال، اگر مسائل امنیتی رعایت نشود و فردی داده‌های عمومی را به شکل غیر قابل بازگشت نابود کند یا او به عنوان عامل خارجی عمل کند و فعالانه و آگاهانه در انتقال داده‌ها به خارج از کشور نقش داشته باشد یا تخلف و اخلال او منتهی به خدشه بر امنیت ملی شود، در چنین شرایطی آیا می‌توان تنبیه به میزان ۵ سال انفصال از خدمت یا حبس تعزیری به مدت ۶ ماه را متناسب دانست؟ به سادگی نمی‌توان جواب مثبت داد. در این قانون از طرح مجازات برای جرائم ممکن در خصوص داده‌ها و اطلاعات عمومی مثل دسترسی غیرمجاز، جاسوسی رایانه‌ای، جعل و نشر اکاذیب، سرقت داده و اطلاعات و... غفلت شده است. البته باید گفت خوشبختانه در این حوزه می‌توان ظرفیت «قانون جرائم رایانه‌ای» را خوب ارزیابی کرد. در این قانون مصداق قابل توجهی از جرائم مرتبط با داده‌ها و اطلاعات با مجازات‌های شدیدتر احصا شده است. لذا فقط کافی است ذیل ماده (۹) تبصره‌ای در اشاره به قانون جرائم رایانه‌ای صورت گیرد و اقدامات با سطوح فراتر از تنبیه اداری به آن قانون ارجاع داده شود. از این رو نیاز است عبارت ذیل به عنوان یک بند به ماده (۹) اضافه شود:

چنانچه اقدامات انجام شده یا ترک فعل‌ها واجد عناصر تشکیل‌دهنده جرم به‌ویژه جرائم مندرج در قانون جرائم رایانه‌ای باشد، مرتکب در دادگاه صالح کیفری مجازات خواهد شد. رسیدگی و صدور حکم در دادگاه کیفری، مانع از اجرای مجازات انضباطی مندرج در این ماده نخواهد بود.

مسئله نهایی در خصوص عدالت جزایی، بازدارندگی احکام تنبیهی است. نکته آنکه با توجه به پیشنهادهایی که در بخش‌های تحلیل کارآمدی، عدالت ترمیمی و نیز تفکیک میان تخلف و جرم در بخش جزایی مطرح شد، مجموع این موضوعات می‌تواند از منظر بازدارندگی تا سطح قابل توجهی ارتقا یابد. اما قانون در شکل کنونی آن از منظر بازدارندگی در موقعیت ضعیف است. به خصوص آنکه در شکل کنونی، ماده (۹) در عمل اجرا نمی‌شود؛ زیرا ساختار نظارتی برای اعمال این حکم بسیار ضعیف دیده شده است. اجرا نشدن ابعاد تنبیهی یک قانون به خودی خود بازدارندگی آن را فرسوده می‌نماید. در این خصوص نیز در بخش تحلیل کارآمدی ساختاری نکات و پیشنهادهایی ذکر شده است که نیاز به تکرار در این بخش نیست.

۹. ارزیابی از منظر برش‌های جمعیتی

یکی دیگر از مقولات مهمی که می‌تواند گویای وضعیت یک طرح، قانون یا پیشنهاد سیاستی در نسبت با عدالت باشد، تحلیل آن قانون از منظر برش‌های جمعیتی و اجتماعی است. عدالت ذاتاً مفهومی مقایسه‌ای است و فهم آن نیازمند مقایسه وضعیت‌های مختلف با یکدیگر است. انتفاع بخش‌های جمعیتی مختلف در مقایسه با یکدیگر یا وضعیت قانون در این برش‌ها می‌تواند بصیرت عمیق‌تری از یک قانون فراهم آورد. برش‌های جمعیتی که می‌توان بر یک قانون وارد کرد و براساس آن وضعیت عدالت را بررسی نمود، شامل «برش جنسیتی»، «برش قومی»، «برش منطقه‌ای»، «برش طبقاتی»، «برش نسلی» و «برش قشری» است. از میان برش‌های مذکور، قانون مدیریت داده‌ها و اطلاعات ملی در دو برش نسلی و برش قشری قابلیت تحلیل و مقایسه دارد.

سرریز آثار این قانون در برش نسلی بسیار مطلوب و قابل دفاع است. داده‌ها و اطلاعات نمی‌تواند فقط برای استفاده یک نسل مدنظر باشد. انباشت داده‌ها و اطلاعات در طول زمان، می‌تواند به‌عنوان یک ثروت و میراث عظیم برای نسل‌های آتی فرض شود. این قانون بستر و گام بزرگی در زمینه تولید و به‌روزرسانی و نیز حفاظت و نگهداری از داده‌ها و اطلاعات در سطح ملی ارزیابی می‌شود. لذا منتفع اصلی از این قانون نسل‌های آتی خواهند بود و از این منظر این قانون نسبت عمیقی با تأمین حقوق کسانی دارد که امروز نماینده و صدایی برای احقاق حقوق خود ندارند. از منظر برش قشری، این قانون وضعیت مناسبی ندارد. برش قشری محصول قرار گرفتن افراد در موقعیت‌ها و نقش‌های تعریف شده در دامن اجتماع است؛ مثل نقش معلمی، دانش‌آموزی، پدری، همسری، ورزشکار و... عمده پیشنهاد‌های سیاستی در واقع تقسیم و تعریف حقوق تعاملی میان نقش‌هایی است که می‌توان آنها را از منظری خاص، دوگان هم‌قرار داد؛ دوگان‌هایی چون «کارگزار شهروند»، «معلم دانش‌آموز»، «امام امت»، «کارگر کارفرما»، «مالک مستأجر»، «تولیدکننده مصرف‌کننده» و... در این قانون همان‌طور که در بخش تحلیل ساختاری صحبت شد، با فرض نقش‌های مختلف در جایگاه‌های متفاوت، نسبت‌های تعریف شده میان افراد دچار خدشه است. از آنجا که تحلیل مفصلی در این خصوص در بخش‌های پیشین بیان شده است، در اینجا نیاز به تکرار آنها نیست.

۱۰. ارزیابی از منظر فساد و تعارض منافع

به وجود تعارض منافع بخشی و سازمانی می‌توان به‌عنوان یکی از مهم‌ترین موانع پیاده‌سازی این قانون اشاره کرد. تعارض مذکور وقتی با ضعف ساختاری و بی‌توجهی به مدیریت انگیزه‌ها همراه باشد، می‌تواند قانون را کاملاً در فرایند اجرا متوقف نماید. پیش‌تر توضیح داده شد که تعارض ناشی از آنجاست که ارائه داده از سوی یک سازمان هیچ عایدی سازمانی برای آن سازمان ندارد. حتی می‌توان فراتر از این موضوع آن را تفسیر کرد؛ زیرا حبس داده‌ها در اختیار یک سازمان می‌تواند در بزنگاه‌های تعاملی با دیگر سازمان‌ها و نهادها، ابزار قدرت و چانه‌زنی برای آن سازمان باشد. همچنین می‌توان ارائه قطره‌چکانی آن داده‌ها و اطلاعات را به‌عنوان مسیری برای درآمدزایی برای آن سازمان فرض کرد. مجموعه این عوامل نشان از وجود ضدانگیزه‌های قوی برای تعامل میان سازمان‌ها و نهادهاست.

پرسش آن است که آیا کارگروه تعامل‌پذیری دولت الکترونیکی می‌تواند در این زمینه به‌عنوان تسهیل‌گر عمل نماید؟ به دو دلیل جواب منفی است: یک آنکه قانون فعلی ابزارهای قوی برای اجبار و تسری اراده بر کنش سازمان‌ها برای کارگروه تعامل‌پذیری فراهم ننموده است؛ دوم آنکه ساختار و ترکیب خود کارگروه تعامل‌پذیری در این موضوع دچار تعارض منافع است. رأی به الزام ارائه داده و جدیت در این موضوع بدان معناست که همین الزام و جدیت در خصوص فردی که رأی به آن می‌دهد نیز اعمال شود. برای مثال فرض کنید موضوع در خصوص ارائه داده از سوی بانک مرکزی ج.ا.ا. به یک نهاد تقاضاکننده است. نماینده وزارت کشور چرا باید به این موضوع رأی دهد، وقتی این فرض در ذهن



و باشد که همین الزام پس از چندی در خصوص سازمان و نهاد ذیل او نیز اعمال خواهد شد؟ با فرض منافع سازمانی ذکر شده در بند پیشین، این الزام و جدیت قطعاً کند خواهد شد.

راهکار حل تعارض منافع آن است که اولاً منافع سازمانی تا حد ممکن رسمیت داده شود. این امر را می‌توان با تفکیک خدمات داده‌ای به دو سطح خدمات داده‌ای پایه و خدمات داده‌ای اختصاصی، که در بخش تحلیل از منظر برابری تعاملی بیان و تعریف شد، محقق کرد. سازمان‌ها باید مجوز داشته باشند که از طریق خدمات داده‌ای اختصاصی پنجره‌ای برای درآمدهای اختصاصی برای سازمان و نهاد خود داشته باشند؛ اما در خصوص خدمات داده‌ای پایه، که جزو وظایف ذاتی آنهاست، این موضوع ممنوع است.

ممکن است چنین استدلال شود که تجمیع تمام داده‌ها در یک نقطه براساس ملاحظات امنیتی، خطاست؛ زیرا این احتمال وجود دارد که داده‌ها به دلایل مختلف آسیب ببینند و از بین بروند. این ملاحظه می‌تواند با الزام دستگاه‌های متولی داده‌ها به داشتن پشتیبان از داده‌ها مرتفع شود. یعنی دستگاه‌های تولیدکننده داده، علاوه بر الزام به تولید، به روزرسانی و تحویل داده‌ها به مرکز مذکور، وظیفه نگهداری و پشتیبان‌گیری از آن را بر عهده دارند.

نکته بعد آنکه ممکن است اشکال شود با تجمیع داده‌ها در یک مرکز واحد، تعارضات موجود که در میان سازمان‌ها پراکنده بود، تجمیع شود و در اختیار مدیران آن مرکز واحد قرار گیرد. قدرت حاصل از تجمیع داده در این سازمان، این سازمان را نسبت به هر سازمان دیگر مسلط خواهد کرد. این امر با سلب تصمیم‌گیری در خصوص نحوه ایجاد دسترسی به داده‌ها از آن سازمان و در اختیار قرار دادن تصمیمات در حوزه دسترسی به داده و اطلاعات به کارگروه تعامل‌پذیری مرتفع می‌شود. با بیان این توضیحات می‌توان تبصره‌های زیر را به ماده (۴) به این ترتیب اضافه نمود:

تبصره «۱»: دستگاه‌ها و نهادهای مشمول این قانون و ارائه‌دهندگان خدمات ذیل تنظیم‌گران بخشی موظف‌اند داده‌ها و اطلاعات خود را حداکثر ظرف شش ماه از تاریخ ابلاغ این قانون در این درگاه بارگذاری و به‌روزرسانی نمایند.

تبصره «۲»: فهرست داده‌های ملی که دسترسی به آنها به موجب قوانین خاص یا به تشخیص کمیسیون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات (موضوع ماده (۱۸) قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات) به دلایل قطعی امنیت ملی محدود می‌شود، باید به صورت شفاف و علنی اعلام گردد. اعمال هرگونه محدودیت علاوه بر آنها ممنوع است. دسترسی به داده‌های محدود شده صرفاً براساس سطوح دسترسی تعیین شده توسط کارگروه تعامل‌پذیری دولت الکترونیکی و تصویب شورای عالی فضای مجازی خواهد بود.

تبصره «۳»: تولید و ارائه «خدمات داده‌ای پایه» جزو وظایف قانونی دستگاه‌های مشمول این قانون است و ارائه این خدمات رایگان می‌باشد.

تبصره «۴»: دستگاه‌های مشمول مجازند صرفاً برای ارائه خدمات داده‌ای اختصاصی، مطابق تعرفه‌ای که کارگروه تعامل‌پذیری دولت الکترونیکی تعیین و ابلاغ می‌نماید، هزینه دریافت نمایند. درآمد حاصل از این تبصره، به حساب درآمد دستگاه خدمات‌دهنده واریز و صرفاً برای بهبود کیفیت، توسعه و نگهداری خدمات داده‌ای همان دستگاه هزینه می‌گردد.

تبصره «۵»: دریافت هرگونه هزینه برای دسترسی به داده‌های عمومی که مطابق با این قانون و آیین‌نامه‌های آن در درگاه ملی داده‌ها و اطلاعات عمومی منتشر شده‌اند، مطلقاً ممنوع است.

۱۱. وضعیت در شاخصه‌های مردمی بودن



عدالت محقق نمی‌شود، مگر با مردم و اشاره به «قیام ناس» در آیه «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» تأکید بر همین موضوع است. ارسال رسل و انزال کتب و میزان از آن روست که مردم قیام به قسط کنند و تا مردم نباشند، قسط و عدالت رخ نخواهد داد. بر این مبنا، حکمرانی اسلامی وقتی عادلانه است که مردمی باشد و در غیر این صورت تهی از عدالت خواهد بود. بر این

مبنا نقش و جایگاه تعریف شده برای مردم و ابعاد مشارکت آنها در قانون مدیریت داده‌ها و اطلاعات ملی، یکی دیگر از موضوعات مهمی است که باید در ارزیابی و پیوست عدالت به آن توجه شود. ابعاد مشارکت مردم و به عبارتی مردمی بودن یک سیاست یا قانون را می‌توان به صورت خلاصه این‌گونه بیان کرد: «از مردم، با مردم، برای مردم و مقابل چشم مردم».

۱۱-۱. شاخصه «از مردم»

مقصود از عبارت «از مردم» آن است که تا حد ممکن، منابع مردمی باید در اولویت باشند. برای مثال، اگر بنا بر احداث پروژه‌ای خاص در کشور هست، اولویت آن است که منابع آن از طریق منابع مردمی تأمین شود. در صورتی می‌توان به منابع غیر مردمی اندیشید که امکان تکیه بر منابع مردمی کاملاً منتفی باشد؛ اما تا زمانی که ظرفیت‌های مردمی مشارکت داده نشده است، تکیه بر منابع دیگر صحیح نیست. در قانون مدیریت داده‌ها و اطلاعات ملی، اگر این امر بخواهد محقق شود، در زمینه تأمین زیرساخت‌های نگهداری و تبادل داده باید رخ دهد. ظرفیت این توجه در سازه کلان تبادل داده در کشور وجود دارد و می‌تواند در طرح‌های توسعه‌ای و زیرساختی وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات مورد توجه باشد. در این خصوص باید اشاره کرد که این موضوع خارج از کرانه‌های قانون مدیریت داده‌ها و اطلاعات است؛ لذا نیازی به اشاره و تأکید بر آن در این قانون نیست. البته باید اشاره کرد که این امر بدون ایجاد انگیزه رخ نخواهد داد. ضروری است تا دقت وسیعی در نرخ‌گذاری‌ها در حوزه نگهداری و تبادل داده صورت یابد تا ورود مردم برای سرمایه‌گذاری در این عرصه توجیه سودآورانه داشته باشد.

۱۱-۲. شاخصه «با مردم»

مقصود از عبارت «با مردم» آن است که باید اولویت در انجام و پیشبرد کارها با نیروهای مردمی (به معنای غیر رسمی، غیر حزبی، غیر جناحی و...) باشد. این مقوله هم ناظر به فرایند تصمیم‌گیری و هم ناظر به فرایند اجراست. بدان معنا که از یک سو در فرایند تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی باید بستر شنیدن نظرهای کارشناسان و مردم پیش از تصمیمات متناظر با موضوع و سطح تصمیم فراهم باشد. از سوی دیگر، در مقام اجرای سیاست‌ها، باید مسئولیت اجرا ابتدا بر دوش مردم قرار گیرد و با مشارکت آنها عملی شود. باید استفاده از مهارت‌ها، ابتکارات و دانش پراکنده میان مردم به عنوان رویکرد کلان و کلی در اولویت فرض شود. اگر مردم توان حضور در عرصه‌ای را نداشتند، لازم است به تدریج توانایی آنها برای برعهده گرفتن آن موضوع تقویت شود و اگر چنین امکانی فراهم نیامد، ضرورتاً می‌توان کار را به دست نیروهای رسمی و دولتی سپرد، اما به نحو محدود و مقطعی. هر میزان ظرفیت به کارگیری و مشارکت نیروهای مردمی در عملیاتی‌سازی قانون مدیریت داده و اطلاعات بیشتر شود، ساختار بودجه به سمت عادلانه‌تر شدن پیش رفته است. در خصوص قانون مدیریت داده‌ها و اطلاعات ملی، نمی‌توان مدیریت و اداره داده‌های ملی را خارج از نهاد رسمی و حاکمیت تعریف کرد؛ زیرا مباحث امنیتی و نیز حفظ حریم خصوصی افراد مانع از آن خواهد بود و نیز از آن رو که موضوع اصلی در داده و اطلاعات تجمیع و تمرکز آن است، باید توجه داشت که تمرکز و انباشت داده و اطلاعات فی‌نفسه تولید قدرت می‌نماید و نمی‌توان چنین قدرتی را خارج از حاکمیت و نظارت رسمی قرار داد. اما درباره تولید و به‌روزرسانی داده و اطلاعات، می‌توان بستر حضور بخش مردمی را ایجاد کرد. البته این امر همچون بسیاری از موارد که در این گزارش ذکر شده است، نیازمند ایجاد انگیزه برای حضور و فعالیت است. در این قانون، نسبت به نرخ‌گذاری در خصوص خدمات در حوزه داده و اطلاعات غفلت شده است و اگر این نقیصه برطرف شود، در حوزه تولید داده می‌توان با برون‌سپاری و استفاده از ظرفیت‌های مردمی کار را پیش برد. پیش‌تر در خصوص مواد (۴) و (۵) اصلاحاتی برای تعیین نرخ خدمات در حوزه نگهداری و تبادل داده پیشنهاد شده است. با فرض اصلاحات در آن دو ماده می‌توان یک ماده دیگر ذیل عنوان «ماده (۱۰) تکراری» به این صورت به قانون اضافه نمود:



ماده (۱۰) تکرار: مشارکت مردمی در تولید، به‌روزرسانی و اصلاح داده‌ها:

بند «۱»: کلیه نهادهای دولتی و مؤسسات عمومی، به‌ویژه نهادهای متولی اداره داده موضوع ماده (۱۰) این قانون، موظف‌اند در صورت امکان، با ایجاد سامانه‌های ایمن، یکپارچه و دسترس‌پذیر، امکان مشارکت شهروندان را در موارد زیر فراهم آورند:

الف) گزارش خطاها و نواقص موجود در داده‌های منتشر شده.

ب) پیشنهاد تکمیل یا به‌روزرسانی داده‌های ناقص یا قدیمی.

ج) ارسال و بارگذاری داده‌های تولیدی جدید و ارزش‌آفرین (مانند داده‌های آماری، مشاهدات میدانی، اطلاعات تخصصی و...) در چارچوب استانداردها و پروتکل‌های اعلام شده در آیین‌نامه اجرایی این ماده.

بند «۲»: داده‌های دریافتی از مردم باید در بازه زمانی حداکثر «پانزده روز کاری» توسط دستگاه مربوطه بررسی، اعتبارسنجی و در صورت صحت، در سامانه رسمی اعمال گردد. نتیجه بررسی و اقدام انجام شده باید از طریق همان سامانه به کاربر اطلاع‌رسانی شود.

بند «۳»: دولت موظف است با تعریف سازوکارهای تشویقی (مانند امتیازات مثبت در سامانه‌های خدمات الکترونیک، جوایز نمادین و...) شهروندان را به مشارکت فعال در این امر ترغیب نماید.

بند «۴»: حفظ حریم خصوصی مشارکت‌کنندگان و محرمانه ماندن هویت آنان (در صورت درخواست) و همچنین رعایت حقوق مالکیت فکری بر داده‌های ارائه شده، الزامی است.

بند «۵»: آیین‌نامه اجرایی این ماده، شامل جزئیات فنی سامانه‌ها، فرایندهای اعتبارسنجی داده‌ها و سازوکارهای تشویقی، حداکثر ظرف سه ماه توسط مرکز ملی فضای مجازی با همکاری وزارت ارتباطات و فناوری و نهادهای متولی اداره داده موضوع ماده (۱۰) تهیه و به تصویب شورای عالی فضای مجازی برسد.

عبارت «با مردم» را می‌توان به شکل دیگری نیز معنا کرد که منطبق با رویکرد حکمرانی محلی و استانی باشد. به این گونه که ساختار قانون باید از شکل متمرکز آن فاصله گیرد و به سمت افزایش تأثیر و اختیارات در سطح استان‌ها و شهرستان‌ها حرکت کند. بدیهی است که پیش‌نیاز این امر تقویت بازوهای نظارتی هم‌به‌شکل متمرکز و هم‌در سطوح متناظر با اختیارات تصمیم‌گیری است. در تبصره ماده (۷) این قانون، ظرفیت مسئله فوق‌پدید آمده و از این نظر می‌توان آن را در بُعد مردمی و حرکت به سمت حکمرانی محلی مثبت ارزیابی کرد؛ اما روح حاکم بر ماده (۷) بر اساس تمرکزگرایی تدوین شده است و نیاز است تا تغییراتی در آن پدید آید. با لحاظ موارد فوق و برای افزایش نقش مردم و به‌ویژه گام برداشتن در مسیر حکمرانی محلی می‌توان ماده (۷) را به این نحو اصلاح کرد:

جدول ۱۸. پیشنهادهای اصلاحی برای ارتقا از منظر شاخصه‌های مردمی

متن پیشنهادی برای ارتقای شاخصه‌های مردمی بودن	متن قانون
<p>ماده (۷): تبادل داده‌ها و اطلاعات بین دستگاه‌های مشمول این قانون و نیز با بخش خصوصی و غیردولتی، از طریق بسترهای فنی تحت نظارت «مرکز ملی تبادل اطلاعات» وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات و با رعایت استانداردهای امنیتی مصوب «شورای عالی فضای مجازی» انجام می‌شود. آیین‌نامه اجرایی این ماده، شامل فرایندها، استانداردهای فنی و سازوکارهای نظارتی، ظرف سه ماه توسط کارگروه تعامل‌پذیری دولت الکترونیکی تهیه و به تصویب «شورای عالی فضای مجازی» می‌رسد.</p> <p>تبصره «۱»: به‌منظور مدیریت بهینه، سریع‌تر و غیرمتمرکز تبادل داده‌ها، استان‌ها مجازند با تصویب شورای عالی استانی و تأیید کارگروه تعامل‌پذیری دولت الکترونیکی، «مراکز استانی تبادل اطلاعات» را ایجاد و اداره نمایند. این مراکز موظف‌اند:</p> <p>الف) داده‌های مبادله شده در سطح استان را مبتنی بر سکو (پلتفرم) ملی تبادل اطلاعات مدیریت و پردازش کنند.</p> <p>ب) استانداردهای امنیتی، فنی و تعامل‌پذیری مصوب کارگروه تعامل‌پذیری دولت الکترونیکی را رعایت نمایند.</p> <p>ج) گزارش‌های دوره‌ای عملکرد و تبادلات را در چارچوبی که مرکز ملی تبادل اطلاعات تعیین می‌کند، ارائه دهند.</p> <p>تبصره «۲»: ایجاد «مراکز تبادل اطلاعات موضوعی» (مانند سلامت، کشاورزی، حمل‌ونقل) با مسئولیت دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط و با رعایت بندهای «الف» تا «ج» تبصره «۱» بلامانع است.</p> <p>تبصره «۳»: آیین‌نامه اجرایی این ماده و تبصره‌های آن، از جمله معیارهای ایجاد، نظارت و انحلال این مراکز، ظرف سه ماه توسط کارگروه تعامل‌پذیری دولت الکترونیکی با همکاری معاونت برنامه‌ریزی استانی و استانداران تهیه و به تصویب شورای عالی فضای مجازی خواهد رسید.</p>	<p>ماده (۷): تبادل داده‌ها و اطلاعات بین دستگاه‌ها و نهادهای مشمول این قانون با دستگاه‌های اجرایی و یا کسب‌وکارها با رعایت اصول حفاظتی و امنیتی برعهده «مرکز ملی تبادل اطلاعات» وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات است.</p> <p>تبصره: ایجاد مراکز تبادل اطلاعات موضوعی یا منطقه‌ای به‌منظور مدیریت بهینه تبادل داده‌ها و اطلاعات تحت نظارت مرکز ملی تبادل اطلاعات و تصویب کارگروه تعامل‌پذیری دولت الکترونیکی بلامانع است.</p>

مأخذ: همان.

۳-۱۱. شاخصه «برای مردم»

مقصود از عبارت «برای مردم» آن است که نتایج و منافع حاصل از سیاست‌ها در نهایت باید برای مردم باشد نه برای طبقات یا گروه‌های خاص. انتفاع از قانون مدیریت داده‌ها و اطلاعات ملی باید برای مردم در عمومی‌ترین شکل آن باشد. مردمی بودن یک سیاست در برش «برای مردم» ایجاب می‌کند که حتی اگر منافع یک سیاست برای گروه یا افراد خاصی تعریف شده باشد، باید آن سیاست در کنه خود به‌نحو طولی در طریق تأمین منافع مردمی توجیه و توضیح داده شود. برای مثال، اگر سیاستی برای حمایت از نخبگان جامعه طراحی و پیشنهاد می‌شود، باید توجیه شود که این سیاست چگونه می‌تواند در نهایت به تأمین منافع بیشتر برای عموم مردم منتهی شود. باید توضیح داده شود که آیا در سیاست پیشنهادی نسبت به سناریوهای محتمل در خصوص انحراف از مقصود نهایی، یعنی عدم ختم منافع برای عموم مردم، مکانیزم و فرایندهای دقیقی تعبیه و طراحی شده است یا خیر؟ در قانون مدیریت داده‌ها و اطلاعات ملی، بزرگ‌ترین گام در این خصوص، تغییر سطح مالکیت داده‌ها از سطح بخشی و سازمانی به سطح ملی بوده است. این به‌نوبه خود گام بزرگی محسوب می‌شود. اما همان‌طور که در بخش مرتبط با



تحلیل برابری تمهیدی ذکر شد، نتوانسته است به نگاه ملی ملتزم بماند و آن را از سطح ملی به سطح دولتی تقلیل داده است. بهره مردم از این قانون بیشتر غیر مستقیم و به سبب بهینه‌سازی خدمات دولتی با استفاده از داده‌ها و اطلاعات ملی طراحی شده است. مردم می‌توانند و حق دارند به صورت مستقیم از داده‌های ملی بهره‌گیری نمایند، مگر آنکه مباحث حریم خصوصی و امنیت ملی مانع شود. از این رو پیشنهادهایی در بخش برابری تمهیدی برای تغییر رویکرد دولتی به ملی ارائه شده است که از تکرار آنها در این مقام پرهیز می‌شود.

۴-۱۱. شاخصه «مقابل چشم مردم»

مقصود از عبارت «مقابل چشم مردم» شفاف بودن فرایندهای اجرایی برای مردم و امکان نظارت آنها بر اجرای قوانین است. یکی از مهم‌ترین محورهای بحث در پیوست عدالت، میزان شفافیت در فرایندهای تصویب، ابلاغ و اجرای قوانین است. تأکید بر شفافیت از یک سو به کاهش فساد منجر می‌شود و قدرت نظارت بر عرصه حکمرانی در لایه‌های مختلف حاکمیتی را به خصوص برای مردم افزایش می‌دهد و بستر ساز بُعد مهمی از مشارکت مردم در حکمرانی در کشور است. از سوی دیگر فی‌نفسه عاملی برای گردش مدار تصمیم‌ها بر محور عدالت است و وزن ترجیحات اجتماعی در تصمیمات را افزایش خواهد داد. توضیح آنکه افراد وقتی خود را در معرض نظارت احساس کنند، رفتار مردمی‌تر و اجتماعی‌تری خواهند داشت. ممکن است در وضعیت غیر شفاف، فرد تصمیمی در راستای تأمین منافع خود اتخاذ نکند و فساد در جریان نباشد، اما این امکان وجود دارد که تصمیم مبتنی بر سلیقه و ترجیحات شخصی (و نه منافع شخصی) و بدون توجه به ترجیحات جمعی و مردمی صورت گیرد. شفافیت وزن و نقش تصمیمات مردمی را افزایش می‌دهد و از این بستر می‌تواند عیار عدالت در تصمیمات را افزایش دهد؛ زیرا افراد وقتی خود را در مقام پاسخ‌گویی و نظارت مردم فرض نمایند، تصمیمات اخلاقی‌تری اتخاذ می‌کنند. به عبارتی شفافیت با تغییر ریل تصمیمات از ترجیحات شخصی به ترجیحات اجتماعی، سلیقه و نظر عمومی مردم را به معیاری اساسی در فرایندهای تصمیم‌گیری تبدیل می‌کند.

مضاف بر شفافیت در فرایندها، توجه به فرایندهای آگاهی‌بخشی و اقناع افکار عمومی نیز می‌تواند تفسیرگر بُعد دیگری از مفهوم «مقابل چشم مردم» باشد. رضایت جامعه از سیاست‌ها متأثر از «احساس عدالت» است. توجه به این مقوله ضرورت وجود پیوست‌های رسانه‌ای را برای اقناع جامعه به خصوص در تصمیماتی که در اصطلاح با سطح گسترده‌ای از مردم جامعه است، توجیه می‌کند. به همان اندازه که عادلانه بودن تصمیم‌ها مهم است، عادلانه اجرا شدن آن تصمیمات نیز اهمیت دارد؛ لذا یکی دیگر از مواردی که پیوست عدالت باید نسبت به آن حساسیت نشان دهد، ارزیابی فرایندهای ناظر بر اقناع جامعه در خصوص تصویب و عملیاتی‌سازی یک قانون است. مقصود ما از اقناع می‌تواند هم مراحل پیشینی و هم مراحل پسینی تصمیمات را دربرگیرد. اقناع پیشینی با مشارکت مردم در تصمیمات و شنیده شدن نظرها و دیدگاه‌های آنها فراهم می‌آید. اما اقناع پسینی ناظر به توجیه و اقناع مردم توسط دولت در خصوص چرایی و چگونگی اجرای تصمیمات، به خصوص پیرامون تصمیمات و تغییرات کلان آن است.

قانون مدیریت داده در تأمین این بُعد از حکمرانی مردمی نواقص عمده‌ای دارد؛ به نحوی که می‌توان گفت هیچ توجهی برای آن نشده است؛ نه در بخش حق دسترسی و نه در بخش نظارت مردمی و نه در بخش شفافیت و گزارش‌دهی سالیانه توجه به مقوله حضور و نقش مردم و الزام به آن صورت نگرفته است. از این رو نیاز به آن است تا موادی برای تقویت ابعاد دسترسی، نظارتی، شفافیت و گزارش‌دهی به مردم در این قانون اضافه شود. در خصوص موضوع حق دسترسی، پیش‌تر نکاتی بیان شده و اصلاحاتی پیشنهاد شده است. در اینجا صرفاً برای تقویت بُعد نظارتی، شفافیت و گزارش‌دهی به مردم دو ماده برای قرار گرفتن بعد از ماده (۱۰) به این نحو پیشنهاد می‌شود.

ماده (۱۰) تکراری: اشخاص حقیقی و حقوقی حق دارند نسبت به صحت، کامل بودن و به‌روز بودن داده‌های مرتبط با خود که در اختیار دستگاه‌های مشمول این قانون است، از طریق «سامانه یکپارچه نظارت مردمی» اطلاع‌یابی و درخواست اصلاح نمایند.

تبصره «۱»: نهادهای متولی اداره داده موظفاند ظرف پانزده روز کاری به درخواست‌های وارده از طریق سامانه مذکور پاسخ و در صورت نیاز، اقدام قانونی نمایند.

تبصره «۲»: وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات موظف است ظرف سه ماه از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون، «سامانه یکپارچه نظارت مردمی» را ایجاد و راه‌اندازی نماید.

ماده (۱۰) تکراری دوم: نهادهای متولی اداره داده و مرکز ملی تبادل اطلاعات موظفاند گزارش عملکرد سالیانه خود در زمینه مدیریت، تبادل، حفاظت و بهره‌برداری از داده‌ها را حداکثر تا پایان فروردین ماه هر سال تهیه و از طریق درگاه ملی داده‌های باز منتشر نمایند.

تبصره «۱»: حداقل محتوای گزارش سالیانه باید شامل موارد زیر باشد:

- الف) آمار درخواست‌های مردمی و نتیجه رسیدگی به آنها؛
- ب) موارد نقض امنیت داده‌ها و اقدامات جبرانی انجام شده؛
- ج) فهرست داده‌های منتشر شده براساس قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات؛
- د) گزارش مالی درآمدها و هزینه‌های مرتبط با مدیریت داده.

تبصره «۲»: مرکز ملی فضای مجازی موظف به نظارت بر اجرای این ماده می‌باشد.

۱۲. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری



در این نوشتار تلاش شد تا قانون مدیریت داده و اطلاعات ملی، از منظر ابعاد مختلف عدالت بررسی و ارزیابی شود. در هر بخش ریال عواملی که باعث فاصله گرفتن و واگرایی این قانون از عدالت می‌شد، شناسایی، و مبتنی بر اقتضانات همان بخش، پیشنهاد‌های ایجابی برای اصلاح قانون ارائه گردید. نتیجه ارزیابی و تحلیل‌های صورت گرفته آن است که این قانون در بخش‌هایی توانسته است به سمت عدالت حرکت کند؛ اما نواقص و فاصله معناداری نیز از عدالت دارد. در مجموع می‌توان میزان تناسب آن با عدالت را متوسط ارزیابی کرد.

در پایان نیاز است از تمام پیشنهاد‌های اصلاحی برآیند گرفته شود و میان پیشنهاد‌های متزاحم، تعدیل براساس عدالت انجام گیرد. در ادامه تمام پیشنهاد‌های اصلاحی به صورت ماده به ماده و در مقایسه با قانون فعلی تجمیع و برآیندگیری شده است.



جدول ۱۹. متن نهایی پیشنهادهای اصلاحی برای ارتقای قانون در تمامی ابعاد عدالت

متن پیشنهادی برای تقویت از منظر عدالت	متن قانون فعلی
<p>ماده (۱): اختصارات و اصطلاحات به کاررفته در این قانون در معانی مشروح ذیل است:</p> <p>الف) دستگاه‌ها و نهادهای مشمول این قانون: دستگاه‌ها و نهادهای موضوع ماده (۱) قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور مصوب ۱۳۹۵/۱۰/۱۱ و ماده (۲۹) قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۵/۱۲/۱۴ به‌جز استثنائات آن و دبیرخانه شورای عالی مناطق آزاد تجاری صنعتی و ویژه اقتصادی و سازمان‌های مناطق آزاد تجاری صنعتی. تبصره: شمول این ماده در خصوص نهادها، مؤسسات، تشکیلات و سازمان‌هایی که زیر نظر مستقیم مقام معظم رهبری اداره می‌شوند، منوط به اذن ایشان است.</p> <p>ب) ارائه‌دهندگان خدمات ذیل تنظیم‌گران بخشی: آن دسته از ارائه‌دهندگان خدمات که به‌موجب قوانین و مقررات مربوط به صدور پروانه‌های کاربری (اپراتوری) و یا قوانین و مقررات مربوط به اصناف، اتحادیه‌ها یا شوراهای صادرکننده انواع موافقت‌نامه اصولی، تأسیس شده یا می‌شوند و فعالیت می‌کنند.</p> <p>پ) پایگاه داده‌ها و اطلاعات پایه: کلیه پایگاه‌های داده‌ها و اطلاعاتی که در ایجاد و ارائه خدمات الکترونیکی و هوشمند و اجرای فرایندهای الکترونیکی نقش پایه‌ای داشته و ارائه این خدمات و اجرای فرایندهای الکترونیکی وابسته به یکی یا ترکیبی از اطلاعات و داده این پایگاه‌های پایه است.</p> <p>ت) داده‌ها و اطلاعات ملی: داده‌ها و اطلاعات دستگاه‌ها و نهادهای مشمول این قانون و یا هر داده و اطلاعاتی که به‌موجب قوانین و مقررات در اختیار دستگاه‌ها و نهادهای مشمول این قانون قرار دارند.</p> <p>ث) داده‌ها: مجموعه‌ای از اعداد و حروف و علائم و نشانه‌هایی هستند که به‌صورت قراردادی در ابزارهای الکترونیکی یا رقومی یا توسط هر نوع فناوری جدید ارتباطی و اطلاعاتی تولید می‌شوند.</p> <p>ج) اطلاعات: مجموعه‌ای از داده‌ها که طی عملیات منطقی، پردازش می‌شوند.</p> <p>د) خدمات داده‌ای پایه: منظور، تولید، جمع‌آوری، استانداردسازی، نگهداری و به‌روزرسانی داده‌های عمومی مطابق با حداقل استانداردهای کیفی مصوب کارگروه تعامل‌پذیری دولت الکترونیکی است که دستگاه‌ها به‌موجب این قانون و سایر قوانین مرتبط، موظف به ارائه آن به درگاه ملی داده‌های باز می‌باشند.</p> <p>هـ): خدمات داده‌ای اختصاصی: منظور از خدمات داده‌ای اختصاصی، تولید، پردازش، تحلیل یا ارائه داده‌هایی است که به درخواست اشخاص حقیقی یا حقوقی و فراتر از وظایف قانونی پایه دستگاه، از جمله داده‌های عمومی که موظف به ارائه آنها به درگاه ملی داده‌های باز می‌باشد، انجام می‌پذیرد.</p>	<p>ماده (۱): اختصارات و اصطلاحات به کاررفته در این قانون در معانی مشروح ذیل است:</p> <p>الف) دستگاه‌ها و نهادهای مشمول این قانون: دستگاه‌ها و نهادهای موضوع ماده (۱) قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور مصوب ۱۳۹۵/۱۰/۱۱ و ماده (۲۹) قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۵/۱۲/۱۴ به‌جز استثنائات آن و دبیرخانه شورای عالی مناطق آزاد تجاری صنعتی و ویژه اقتصادی و سازمان‌های مناطق آزاد تجاری صنعتی. تبصره: شمول این ماده در خصوص نهادها، مؤسسات، تشکیلات و سازمان‌هایی که زیر نظر مستقیم مقام معظم رهبری اداره می‌شوند، منوط به اذن ایشان است.</p> <p>ب) ارائه‌دهندگان خدمات ذیل تنظیم‌گران بخشی: آن دسته از ارائه‌دهندگان خدمات که به‌موجب قوانین و مقررات مربوط به صدور پروانه‌های کاربری (اپراتوری) و یا قوانین و مقررات مربوط به اصناف، اتحادیه‌ها یا شوراهای صادرکننده انواع موافقت‌نامه اصولی، تأسیس شده یا می‌شوند و فعالیت می‌کنند.</p> <p>پ) پایگاه داده‌ها و اطلاعات پایه: کلیه پایگاه‌های داده‌ها و اطلاعاتی که در ایجاد و ارائه خدمات الکترونیکی و هوشمند و اجرای فرایندهای الکترونیکی نقش پایه‌ای داشته و ارائه این خدمات و اجرای فرایندهای الکترونیکی وابسته به یکی یا ترکیبی از اطلاعات و داده این پایگاه‌های پایه است.</p> <p>ت) داده‌ها و اطلاعات ملی: داده‌ها و اطلاعات دستگاه‌ها و نهادهای مشمول این قانون و یا هر داده و اطلاعاتی که به‌موجب قوانین و مقررات در اختیار دستگاه‌ها و نهادهای مشمول این قانون قرار دارند.</p> <p>ث) داده‌ها: مجموعه‌ای از اعداد و حروف و علائم و نشانه‌هایی هستند که به‌صورت قراردادی در ابزارهای الکترونیکی یا رقومی یا توسط هر نوع فناوری جدید ارتباطی و اطلاعاتی تولید می‌شوند.</p> <p>ج) اطلاعات: مجموعه‌ای از داده‌ها که طی عملیات منطقی، پردازش می‌شوند.</p>

متن پیشنهادی برای تقویت از منظر عدالت	متن قانون فعلی
<p>ماده (۲): سیاستگذاری، تعیین راهبردهای کلان و نظارت عالی بر حکمرانی داده‌ها و اطلاعات ملی با اهداف و وظایف زیر برعهده شورای عالی فضای مجازی است:</p> <p>الف) اهداف و مأموریت‌ها</p> <ul style="list-style-type: none"> - تسهیل دسترسی بهینه و عادلانه بخش خصوصی و غیردولتی با شخصیت حقوقی مستقل به داده‌ها و اطلاعات ملی. - توسعه زیرساخت‌ها و استانداردهای تبادل و یکپارچه‌سازی داده‌ها. - صیانت از حریم خصوصی افراد و امنیت داده‌ها و اطلاعات ملی. - ارتقای کارآمدی و ارزش‌آفرینی داده‌ها در خدمت توسعه اقتصادی، علمی و اجتماعی کشور. <p>ب) وظایف و اختیارات</p> <p>به‌منظور تحقق اهداف مندرج در ماده (الف)، وظایف و اختیارات شورای عالی فضای مجازی شامل موارد زیر است:</p> <ul style="list-style-type: none"> - تصویب راهبرد کلان و نقشه جامع حکمرانی داده‌ها و اطلاعات ملی. - تعیین و ابلاغ استانداردهای امنیتی، فنی و حقوقی در چرخه حیات داده (تولید، ذخیره‌سازی، پردازش، تبادل و انتشار). - تعیین نهادهای متولی و نظارت بر عملکرد آنان در حوزه‌های تخصصی داده. <p>تبصره: پیگیری و نظارت بر اجرای مصوبات این شورا و ارائه گزارش سالیانه به مقام رهبری برعهده مرکز ملی فضای مجازی است.</p>	<p>ماده (۲): سیاستگذاری و تصویب راهبردهای کلان نظام تولید، نگهداری، پردازش، دسترسی، یکپارچه‌سازی، تبادل و امنیت داده‌ها و اطلاعات ملی با هدف افزایش قدرت حکمرانی، سامان‌دهی و انسجام‌بخشی به نظام تبادل داده‌ها و اطلاعات، گسترش تبادل اطلاعات میان دستگاه‌ها و نهادهای مشمول این قانون و تسهیل دسترسی به اطلاعات پایه برای کسب‌وکارهای بخش خصوصی برعهده «شورای عالی فضای مجازی» است.</p>
<p>ماده (۳): «کارگروه تعامل پذیری دولت الکترونیکی» مصوب شورای عالی فضای مجازی موظف است در تصمیم‌گیری‌های خود به‌استثنای امر قضا نسبت به اعمال سیاست‌ها و راهبردهای کلان و نظارت و مدیریت بر نحوه نگهداری، پردازش، دسترسی، یکپارچه‌سازی، امنیت و به‌ویژه تبادل و به‌اشتراک‌گذاری داده‌ها و اطلاعات موضوع این قانون اقدام نماید.</p> <p>تبصره «۱»: کارگروه تعامل‌پذیری دولت الکترونیک به‌عنوان یک نهاد فرادستگاهی دائمی، ذیل شورای عالی فضای مجازی بوده و ترکیب اعضا و نحوه اداره آن توسط شورای عالی فضای مجازی تعیین می‌شود.</p> <p>تبصره «۲»: کارگروه فوق‌الذکر مکلف است گزارش‌های عملکرد دستگاه‌ها و نهادهای مشمول این قانون را هر سه ماه یک بار به مجلس شورای اسلامی و شورای عالی فضای مجازی ارائه نماید.</p>	<p>ماده (۳): «کارگروه تعامل پذیری دولت الکترونیکی» مصوب شورای عالی فضای مجازی موظف است در تصمیم‌گیری‌های خود به‌استثنای امر قضا نسبت به اعمال سیاست‌ها و راهبردهای کلان و نظارت و مدیریت بر نحوه نگهداری، پردازش، دسترسی، یکپارچه‌سازی، امنیت و به‌ویژه تبادل و به‌اشتراک‌گذاری داده‌ها و اطلاعات موضوع این قانون اقدام نماید.</p> <p>تبصره «۱»: ترکیب اعضا و نحوه اداره کارگروه موضوع این ماده توسط شورای عالی فضای مجازی تعیین می‌شود.</p> <p>تبصره «۲»: کارگروه فوق‌الذکر مکلف است گزارش‌های عملکرد دستگاه‌ها و نهادهای مشمول این قانون را هر سه ماه یک بار به مجلس شورای اسلامی و شورای عالی فضای مجازی ارائه نماید.</p>



متن قانون فعلی

ماده (۴): داده‌ها و اطلاعات ملی با لحاظ مسائل امنیتی و با رعایت محرمانگی اطلاعات اشخاص در اختیار دولت جمهوری اسلامی ایران است.
تبصره: دستگاه‌ها و نهادهای مشمول این قانون و ارائه‌دهندگان خدمات ذیل تنظیم‌گران بخشی موظف‌اند امکان دسترسی و تبادل داده‌ها و اطلاعات ملی را صرفاً براساس سطوح دسترسی تعیین شده توسط کارگروه تعامل‌پذیری دولت الکترونیکی فراهم نمایند.

ماده (۵): دستگاه‌ها و نهادهای مشمول این قانون که براساس شرح وظایف مقرر در قوانین مربوط و نیز تکالیف ناشی از این قانون موظف به تولید، نگهداری، پردازش داده‌ها و اطلاعات می‌باشند، مکلفند در امر تولید، نگهداری، پردازش، حفظ امنیت و صیانت از داده‌های شخصی و تبادل و اشتراک‌گذاری و تکمیل و به‌روزرسانی داده‌ها و اطلاعات ملی، سیاست‌ها و نظامات مصوب شورای عالی فضای مجازی و مصوبات کارگروه تعامل‌پذیری دولت الکترونیکی را اعمال و اجرا نمایند.
تبصره تنظیم‌گران بخشی ملزم به اجرای مصوبات کارگروه فوق‌الذکر و اعمال سیاست‌ها و نظامات این قانون از طریق درج یا الحاق در پروانه یا مجوزهای فعالیت، تأسیس، موافقت اصولی یا قرارداد ارائه‌دهندگان خدمات ذیل خود هستند.

متن پیشنهادی برای تقویت از منظر عدالت

ماده (۴): حاکمیت و مدیریت یکپارچه داده‌ها و اطلاعات ملی به نمایندگی از جانب جمهوری اسلامی ایران، برعهده دولت است.
تبصره «۱»: دستگاه‌ها و نهادهای مشمول این قانون و ارائه‌دهندگان خدمات ذیل تنظیم‌گران بخشی موظف‌اند اطلاعات عمومی (موضوع ماده (۱۰) قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات) خود را حداکثر ظرف شش ماه از تاریخ ابلاغ این قانون در این درگاه بارگذاری و به‌روزرسانی نمایند.
تبصره «۲»: فهرست داده‌های ملی که دسترسی به آنها به‌موجب قوانین خاص یا به تشخیص کمیسیون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات (موضوع ماده (۱۸) قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات) به‌دلایل قطعی امنیت ملی محدود می‌شود، باید به‌صورت شفاف و علنی اعلام گردد. اعمال هرگونه محدودیت علاوه بر آنها ممنوع است. دسترسی به داده‌های محدود شده صرفاً براساس سطوح دسترسی تعیین شده توسط کارگروه تعامل‌پذیری دولت الکترونیکی و تصویب شورای عالی فضای مجازی خواهد بود.
تبصره «۳»: تولید و ارائه «خدمات داده‌ای پایه» جزو وظایف قانونی دستگاه‌های مشمول این قانون است و ارائه این خدمات رایگان می‌باشد.
تبصره «۴»: دستگاه‌های مشمول مجازند صرفاً برای ارائه خدمات داده‌ای اختصاصی، مطابق تعرفه‌ای که کارگروه تعامل‌پذیری دولت الکترونیکی تعیین و ابلاغ می‌نماید، هزینه دریافت نمایند. درآمد حاصل از این تبصره، به‌حساب درآمد دستگاه خدمات‌دهنده واریز و صرفاً برای بهبود کیفیت، توسعه و نگهداری خدمات داده‌ای همان دستگاه هزینه می‌گردد.
تبصره «۵»: دریافت هرگونه هزینه برای دسترسی به داده‌های عمومی که مطابق با این قانون و آیین‌نامه‌های آن در درگاه ملی داده‌ها و اطلاعات عمومی (موضوع ماده (۱۰) قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات) منتشر شده‌اند، مطلقاً ممنوع است.
تبصره «۶»: آیین‌نامه اجرایی این ماده، شامل فرایندهای دسترسی، اعتراض و نظارت، ظرف سه ماه توسط شورای عالی فضای مجازی تهیه و به تصویب می‌رسد.

ماده (۵): دستگاه‌ها و نهادهای مشمول این قانون مکلف‌اند در حوزه‌های تولید، نگهداری، پردازش، تبادل، اشتراک‌گذاری، به‌روزرسانی و صیانت از داده‌ها و اطلاعات، مصوبات شورای عالی فضای مجازی و کارگروه تعامل‌پذیری دولت الکترونیکی را رعایت و اجرا نمایند.
تبصره «۱»: تنظیم‌گران بخشی موظف‌اند مفاد این قانون و مصوبات کارگروه تعامل‌پذیری دولت الکترونیکی و اعمال سیاست‌ها و نظامات این قانون را از طریق درج یا الحاق در پروانه‌ها یا مجوزهای فعالیت، تأسیس، موافقت اصولی یا قراردادهای ارائه‌دهندگان خدمات زیر نظر خود، اجرایی نمایند.
تبصره «۲»: دستگاه‌ها و نهادهای مشمول این قانون مکلف‌اند گزارش‌های عملکرد خود در راستای تحقق این قانون و مصوبات شورای عالی فضای مجازی و کارگروه تعامل‌پذیری دولت الکترونیکی را هر سه ماه یک بار به کارگروه تعامل‌پذیری دولت الکترونیکی ارسال نمایند.

متن پیشنهادی برای تقویت از منظر عدالت	متن قانون فعلی
<p>ماده (۶): اعمال تدابیر حفاظتی و امنیتی جهت صیانت از داده‌ها و اطلاعات و حفظ محرمانگی داده‌ها و اطلاعات اشخاص برعهده دستگاه‌ها و نهادهای مشمول این قانون و ارائه‌دهندگان خدمات ذیل تنظیم‌گران بخشی است که مسئول تولید، نگهداری یا پردازش‌کننده داده‌ها و اطلاعات هستند.</p> <p>تبصره: دستورالعمل و استانداردهای امنیت تبادل داده‌ها و اطلاعات و تأمین امنیت و ارزیابی آن مطابق نظامات و مصوبات شورای عالی فضای مجازی خواهد بود.</p>	<p>ماده (۶): اعمال تدابیر حفاظتی و امنیتی جهت صیانت از داده‌ها و اطلاعات و حفظ محرمانگی داده‌ها و اطلاعات اشخاص برعهده دستگاه‌ها و نهادهای مشمول این قانون و ارائه‌دهندگان خدمات ذیل تنظیم‌گران بخشی است که مسئول تولید، نگهداری یا پردازش‌کننده داده‌ها و اطلاعات هستند.</p> <p>تبصره: دستورالعمل و استانداردهای امنیت تبادل داده‌ها و اطلاعات و تأمین امنیت و ارزیابی آن مطابق نظامات و مصوبات شورای عالی فضای مجازی خواهد بود.</p>
<p>ماده (۷): تبادل داده‌ها و اطلاعات بین دستگاه‌های مشمول این قانون با یکدیگر و نیز با بخش خصوصی و غیردولتی، از طریق بسترهای فنی تحت نظارت «مرکز ملی تبادل اطلاعات» وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات و با رعایت استانداردهای امنیتی مصوب «شورای عالی فضای مجازی» انجام می‌شود.</p> <p>آیین‌نامه اجرایی این ماده، شامل فرایندها، استانداردهای فنی و سازوکارهای نظارتی، ظرف سه ماه توسط کارگروه تعامل‌پذیری دولت الکترونیکی تهیه و به تصویب «شورای عالی فضای مجازی» می‌رسد.</p> <p>تبصره «۱»: به‌منظور مدیریت بهینه، سریع‌تر و غیرمتمرکز تبادل داده‌ها، استان‌ها مجازند با تصویب شورای عالی استانی و تأیید کارگروه تعامل‌پذیری دولت الکترونیک، «مراکز استانی تبادل اطلاعات» را ایجاد و اداره نمایند. این مراکز موظفاند:</p> <p>الف) داده‌های مبادله شده در سطح استان را مبتنی بر سکو (پلتفرم) ملی تبادل اطلاعات مدیریت و پردازش کنند.</p> <p>ب) استانداردهای امنیتی، فنی و تعامل‌پذیری مصوب کارگروه تعامل‌پذیری دولت الکترونیک را رعایت نمایند.</p> <p>ج) گزارش‌های دوره‌ای عملکرد و تبادلات را در چارچوبی که مرکز ملی تبادل اطلاعات تعیین می‌کند، ارائه دهند.</p> <p>تبصره «۲»: ایجاد «مراکز تبادل اطلاعات موضوعی» (مانند سلامت، کشاورزی، حمل‌ونقل) با مسئولیت دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط و با رعایت بندهای «الف» تا «ج» تبصره «۱» بلامانع است.</p> <p>تبصره «۳»: آیین‌نامه اجرایی این ماده و تبصره‌های آن، از جمله معیارهای ایجاد، نظارت و انحلال این مراکز، ظرف سه ماه توسط کارگروه تعامل‌پذیری دولت الکترونیک با همکاری معاونت برنامه‌ریزی استانی و استانداران تهیه و به تصویب شورای عالی فضای مجازی خواهد رسید.</p>	<p>ماده (۷): تبادل داده‌ها و اطلاعات بین دستگاه‌ها و نهادهای مشمول این قانون با دستگاه‌های اجرایی و یا کسب‌وکارها با رعایت اصول حفاظتی و امنیتی برعهده «مرکز ملی تبادل اطلاعات» وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات است.</p> <p>تبصره: ایجاد مراکز تبادل اطلاعات موضوعی یا منطقه‌ای به‌منظور مدیریت بهینه تبادل داده‌ها و اطلاعات تحت نظارت مرکز ملی تبادل اطلاعات و تصویب کارگروه تعامل‌پذیری دولت الکترونیک بلامانع است.</p>



متن قانون فعلی

ماده (۸): به‌منظور صیانت و حفظ یکپارچگی در داده‌ها و اطلاعات ملی و صرفه‌جویی در تبادل داده‌ها و اطلاعات، دولت می‌تواند متناسب با کارکرد و نحوه و تواتر به‌روزرسانی آنها در مراکز داده دولت، براساس مصوبه کارگروه تعامل‌پذیری دولت الکترونیکی، این داده‌ها را نگهداری نماید. دستگاه‌ها و نهادهای مشمول این قانون موظف به به‌روزرسانی برخط این پایگاه‌های اطلاعاتی هستند. تعیین سطح دسترسی به این پایگاه‌های اطلاعات به‌موجب مصوبه کارگروه تعامل‌پذیری دولت الکترونیکی می‌باشد.

متن پیشنهادی برای تقویت از منظر عدالت

ماده (۸): به‌منظور صیانت و حفظ یکپارچگی در داده‌ها و اطلاعات ملی و صرفه‌جویی در تبادل داده‌ها و اطلاعات، دولت می‌تواند متناسب با کارکرد و نحوه و تواتر به‌روزرسانی آنها در مراکز داده دولت، براساس مصوبه کارگروه تعامل‌پذیری دولت الکترونیکی، این داده‌ها را نگهداری نماید. دستگاه‌ها و نهادهای مشمول این قانون موظف به به‌روزرسانی برخط این پایگاه‌های اطلاعاتی هستند. تعیین سطح دسترسی به این پایگاه‌های اطلاعات به‌موجب مصوبه کارگروه تعامل‌پذیری دولت الکترونیکی می‌باشد.

ماده (۹): هریک از اشخاص مشمول این قانون که برخلاف مفاد آن، مرتکب تخلف، اخلال در پردازش و تبادل داده‌ها یا استتکاف از اجرای آن گردد، به مجازات‌های زیر محکوم می‌شود:

الف) انفصال از خدمت دولتی به‌مدت شش ماه تا پنج سال متناسب با جایگاه اداری، سطح تخلف و گستره آثار آن.

ب) چنانچه اقدامات انجام شده یا ترک فعل‌ها واجد عناصر تشکیل‌دهنده جرم به‌ویژه جرائم مندرج در قانون جرائم رایانه‌ای باشد، مرتکب در دادگاه صالح کیفری مجازات خواهد شد. رسیدگی و صدور حکم در دادگاه کیفری، مانع از اجرای مجازات انضباطی مندرج در این ماده نخواهد بود.

تبصره «۱»: تعقیب، رسیدگی و صدور حکم به مجازات موضوع بند «الف» این ماده، مطابق قوانین و مقررات رسیدگی به تخلفات اداری خواهد بود.

تبصره «۲»: تعقیب، رسیدگی و صدور حکم به مجازات موضوع بند «ب» این ماده، در دادگاه‌های کیفری صالح صورت می‌پذیرد.

تبصره «۳»: کارگروه تعامل‌پذیری دولت الکترونیکی موظف است ظرف سه ماه، معیارها و شاخص‌های قابل اندازه‌گیری برای رتبه‌بندی عملکرد دستگاه‌های مشمول این قانون در زمینه اجرای مفاد آن را تدوین و به تصویب شورای عالی فضای مجازی برساند و ابلاغ نماید.

تبصره «۴»: کارگروه مذکور موظف است گزارش عملکرد دوره‌ای (حداقل هر سه ماه یک بار) دستگاه‌ها را براساس شاخص‌های مصوب تهیه و به مراجع ذی‌صلاح قضایی و اداری (از جمله معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس‌جمهور، معاونت اداری و استخدامی رئیس‌جمهور و سازمان بازرسی کل کشور) ارسال نماید. این گزارش باید به‌طور مشخص به تخلفات، جرائم و کاستی‌های اثبات شده و همچنین رتبه عملکرد هر دستگاه اشاره داشته باشد.

تبصره «۵»: دستگاه‌هایی که به‌طور مستمر در رده‌های پایین عملکردی قرار گیرند، مشمول برنامه نظارت و پیگیری ویژه توسط کارگروه خواهند بود.

تبصره «۶»: کارگروه تعامل‌پذیری دولت الکترونیکی موظف است در پایان هر فصل، گزارش رتبه‌بندی شده عملکرد کلیه سازمان‌ها و نهادهای مشمول این قانون را تهیه و به معاونت اداری و استخدامی رئیس‌جمهور (یا مرجع ذی‌صلاح دیگر) ارائه نماید. دستگاه‌هایی که در این ارزیابی در زمره ۲۰ درصد برتر قرار گیرند، مشمول تشویق و پاداش مطابق آیین‌نامه‌ای خواهند بود که حداکثر ظرف سه ماه پس از تصویب این قانون به پیشنهاد معاونت اداری و استخدامی رئیس‌جمهور و تصویب هیئت‌وزیران خواهد رسید.

ماده (۹): متخلف یا اخلال‌کننده در پردازش و تبادل یا استتکاف از اجرای این قانون مشمول مجازات انفصال از خدمت به‌مدت شش ماه تا پنج سال یا حبس تعزیری به‌مدت نود و یک روز تا شش ماه می‌شود.

متن پیشنهادی برای تقویت از منظر عدالت	متن قانون فعلی
<p>ماده (۹) تکراری: در صورتی که تخلف، اخلال یا استنکاف از موضوع این قانون، موجب ورود خسارت به اشخاص (حقیقی یا حقوقی) یا منافع عمومی گردد، مرتکب، مسئول جبران تمامی خسارات وارده می‌باشد. دادگاه می‌تواند به درخواست زیان‌دیده، علاوه بر مجازات‌های مقرر، مرتکب را به پرداخت خسارت نیز محکوم نماید.</p>	
<p>ماده (۱۰): متولی اداره و به‌روزرسانی پایگاه‌های داده‌ها و اطلاعات پایه مطابق جدول ذیل تعیین می‌شود. این متولیان مکلفند براساس مصوبات کارگروه تعامل پذیرى دولت الکترونیکی اقدامات اجرایی لازم را برای تحقق اهداف این قانون به اجرا گذارند: تبصره «۱»: کارگروه فوق‌الذکر می‌تواند حسب ضرورت نسبت به حذف، الحاق یا ادغام و تفکیک پایگاه داده‌ها و اطلاعات پایه به فهرست مذکور اقدام نماید. تبصره «۲»: دستگاه‌ها و نهادهای مشمول این قانون حسب اعلام کارگروه مزبور، ضمن به‌روزرسانی داده‌ها و اطلاعات خود، موظف به همکاری با متولیان پایگاه‌های داده‌ها و اطلاعات پایه می‌باشند. تبصره «۳»: نهادهای متولی اداره داده موضوع این ماده، مکلفاند گزارش عملکرد سه‌ماهه خود را مطابق با فرم و شاخص‌های مصوب کارگروه تعامل‌پذیری دولت الکترونیکی تهیه و حداکثر تا پانزدهم ماه بعد از پایان هر فصل به این کارگروه ارائه نمایند. تبصره «۴»: کارگروه تعامل‌پذیری دولت الکترونیکی موظف است خلاصه‌ای از گزارش‌های دریافتی و رتبه‌بندی عملکرد نهادهای متولی را به‌صورت عمومی از طریق درگاه ملی داده‌های باز منتشر نماید. تبصره «۵»: آیین‌نامه اجرایی این ماده، شامل جزئیات شاخص‌های نظارتی، فرایندهای گزارش‌دهی و ضمانت‌های اجرایی، ظرف سه ماه توسط کارگروه مذکور تهیه و به تصویب شورای عالی فضای مجازی می‌رسد.</p> <p>جدول ماده (۱۰)</p> <p>۱. ...</p> <p>۲. ...</p> <p>۳. ...</p> <p>....</p> <p>۲۷.</p>	<p>ماده (۱۰): متولی اداره و به‌روزرسانی پایگاه‌های داده‌ها و اطلاعات پایه مطابق جدول ذیل تعیین می‌شود. این متولیان مکلفاند براساس مصوبات کارگروه تعامل پذیرى دولت الکترونیکی اقدامات اجرایی لازم را برای تحقق اهداف این قانون به اجرا گذارند: تبصره «۱»: کارگروه فوق‌الذکر می‌تواند حسب ضرورت نسبت به حذف، الحاق یا ادغام و تفکیک پایگاه داده‌ها و اطلاعات پایه به فهرست مذکور اقدام نماید. تبصره «۲»: دستگاه‌ها و نهادهای مشمول این قانون حسب اعلام کارگروه مزبور، ضمن به‌روزرسانی داده‌ها و اطلاعات خود، موظف به همکاری با متولیان پایگاه‌های داده‌ها و اطلاعات پایه می‌باشند.</p> <p>جدول ماده (۱۰)</p> <p>۱. ...</p> <p>۲. ...</p> <p>۳. ...</p> <p>....</p> <p>۲۷.</p>



متن قانون فعلی

متن پیشنهادی برای تقویت از منظر عدالت

ماده (۱۰) تکرار اول: مشارکت مردمی در تولید، به‌روزرسانی و اصلاح داده‌ها: بند «۱»: کلیه نهادهای دولتی و مؤسسات عمومی، به‌ویژه نهادهای متولی اداره داده موضوع ماده (۱۰) این قانون، موظف‌اند در صورت امکان، با ایجاد سامانه‌های ایمن، یکپارچه و دسترس‌پذیر، امکان مشارکت شهروندان را در موارد زیر فراهم آورد: الف) گزارش خطاها و نواقص موجود در داده‌های منتشرشده. ب) پیشنهاد تکمیل یا به‌روزرسانی داده‌های ناقص یا قدیمی. ج) ارسال و بارگذاری داده‌های تولیدی جدید و ارزش‌آفرین (مانند داده‌های آماری، مشاهدات میدانی، اطلاعات تخصصی و...) در چارچوب استانداردها و پروتکل‌های اعلام شده در آیین‌نامه اجرایی این ماده.

بند «۲»: داده‌های دریافتی از مردم باید در بازه زمانی حداکثر «پانزده روز کاری» توسط دستگاه مربوطه بررسی، اعتبارسنجی و در صورت صحت، در سامانه رسمی اعمال گردد. نتیجه بررسی و اقدام انجام شده باید از طریق همان سامانه به کاربر اطلاع‌رسانی شود.

بند «۳»: دولت موظف است با تعریف سازوکارهای تشویقی (مانند امتیازات مثبت در سامانه‌های خدمات الکترونیک، جوایز نمادین و...) شهروندان را به مشارکت فعال در این امر ترغیب نماید.

بند «۴»: حفظ حریم خصوصی مشارکت‌کنندگان و محرمانه ماندن هویت آنان (در صورت درخواست) و همچنین رعایت حقوق مالکیت فکری بر داده‌های ارائه شده، الزامی است.

بند «۵»: آیین‌نامه اجرایی این ماده، شامل جزئیات فنی سامانه‌ها، فرایندهای اعتبارسنجی داده‌ها و سازوکارهای تشویقی، حداکثر ظرف سه ماه توسط مرکز ملی فضای مجازی با همکاری وزارت ارتباطات و فناوری و نهادهای متولی اداره داده موضوع ماده (۱۰) تهیه و به تصویب شورای عالی فضای مجازی خواهد رسید.

متن پیشنهادی برای تقویت از منظر عدالت	متن قانون فعلی
<p>ماده (۱۰) تکراری دوم: اشخاص حقیقی و حقوقی حق دارند نسبت به صحت، کامل بودن و به‌روز بودن داده‌های مرتبط با خود که در اختیار دستگاه‌های مشمول این قانون است، از طریق «سامانه یکپارچه نظارت مردمی» اطلاع‌یابی و درخواست اصلاح نمایند.</p> <p>تبصره «۱»: نهادهای متولی اداره داده موظفاند ظرف پانزده روز کاری به درخواست‌های وارده از طریق سامانه مذکور پاسخ و در صورت نیاز، اقدام قانونی نمایند.</p> <p>تبصره «۲»: وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات موظف است ظرف سه ماه از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون، «سامانه یکپارچه نظارت مردمی» را ایجاد و راه‌اندازی نماید.</p> <p>ماده (۱۰) تکراری دوم: نهادهای متولی اداره داده و مرکز ملی تبادل اطلاعات موظفاند گزارش عملکرد سالیانه خود در زمینه مدیریت، تبادل، حفاظت و بهره‌برداری از داده‌ها را حداکثر تا پایان فروردین ماه هر سال تهیه و از طریق درگاه ملی داده‌های باز منتشر نمایند.</p> <p>تبصره «۱»: حداقل محتوای گزارش سالیانه باید شامل موارد زیر باشد:</p> <p>الف) آمار درخواست‌های مردمی و نتیجه رسیدگی به آنها؛</p> <p>ب) موارد نقض امنیت داده‌ها و اقدامات جبرانی انجام شده؛</p> <p>ج) فهرست داده‌های منتشر شده براساس قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات؛</p> <p>د) گزارش مالی درآمدها و هزینه‌های مرتبط با مدیریت داده.</p> <p>تبصره «۲»: مرکز ملی فضای مجازی موظف به نظارت بر اجرای این ماده می‌باشد.</p>	
<p>ماده (۱۱): کارگروه تعامل‌پذیری دولت الکترونیکی، مرجع تفسیر مقررات فنی و حل اختلافات اجرایی بین دستگاه‌های مشمول این قانون است.</p> <p>تبصره «۱»: آرای صادره توسط این کارگروه در چارچوب مصوبات شورای عالی فضای مجازی، برای دستگاه‌های اختلاف‌کننده لازم‌الاجراست.</p> <p>تبصره «۲»: در صورتی که یکی از دستگاه‌های طرف اختلاف، ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ رأی، به آن اعتراض داشته باشد، می‌تواند اعتراض خود را به شورای عالی فضای مجازی تسلیم نماید. رأی شورا قطعی است.</p> <p>تبصره «۳»: مفاد این ماده و آرای مذکور، مانع از رسیدگی مراجع قضایی ذی‌صلاح در حدود قوانین و مقررات مربوط نمی‌باشد.</p>	<p>ماده (۱۱): در صورت بروز اختلاف در اجرا و تفسیر فنی مصوبات کارگروه تعامل‌پذیری دولت الکترونیکی، بین دستگاه‌های اجرایی، «شورای اجرایی فناوری اطلاعات» و برای نهادهای خارج از قوه مجریه، «مرکز ملی فضای مجازی» مرجع داوری است. این حکم نافی اختیارات قضات نبوده و برای آنان لازم‌الاتباع نیست.</p>



متن قانون فعلی

ماده (۱۲):

الف) در تبصره «۴» ماده (۱۶۹ مکرر) قانون مالیات‌های مستقیم اصلاحی مصوب ۱۳۹۴/۴/۳۱، عبارت «کارگروه تعامل پذیری دولت الکترونیکی» جایگزین عبارت «هیئت‌وزیران و حفظ طبقه‌بندی مربوط» می‌شود.

ب) در ماده (۲۳۲) قانون مالیات‌های مستقیم اصلاحی مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۷، عبارت «جز در موارد مربوط به حوزه قضا فقط با تصویب کارگروه تعامل‌پذیری دولت الکترونیکی به سایر دستگاه‌ها ارائه دهند و در غیر این صورت» جایگزین عبارت «محرمانه تلقی و از افشای آن جز در امر تشخیص درآمد و مالیات نزد مراجع ذی‌ربط در حد نیاز خودداری نمایند و در صورت افشا» می‌شود.

پ) در ماده (۳۴) قانون ثبت احوال مصوب ۱۳۵۵/۴/۱۶، عبارت «دستگاه‌های اجرایی با مصوبه کارگروه تعامل‌پذیری دولت الکترونیکی» جایگزین «دولتی ذی‌صلاح» می‌شود.

ت) تبصره ماده (۷۳) قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲/۱۰/۳ به شرح زیر اصلاح می‌شود:

تبصره: تعیین نحوه و سطوح دسترسی به داده‌ها جز در مواردی که مشمول دسترسی‌های قوه قضائیه است، برعهده کارگروه تعامل‌پذیری دولت الکترونیکی می‌باشد.

ث) ماده (۱۵) قانون پایانه‌های فروشگاهی و سامانه مؤدیان مصوب ۱۳۹۸/۷/۲۱ به شرح زیر اصلاح و تبصره‌های آن حذف می‌شود:

ماده (۱۵) دستورالعمل نحوه دسترسی به اطلاعات سامانه مؤدیان توسط کارگروه تعامل‌پذیری دولت الکترونیکی تعیین می‌شود.

ج) در ماده (۱۹) قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۴/۹/۱ عبارت «کارگروه تعامل‌پذیری دولت الکترونیکی» جایگزین عبارت «دادستان کل کشور» می‌شود.

متن پیشنهادی برای تقویت از منظر عدالت

ماده (۱۲):

الف) در تبصره «۴» ماده (۱۶۹ مکرر) قانون مالیات‌های مستقیم اصلاحی مصوب ۱۳۹۴/۴/۳۱، عبارت «کارگروه تعامل‌پذیری دولت الکترونیکی» جایگزین عبارت «هیئت‌وزیران و حفظ طبقه‌بندی مربوط» می‌شود.

ب) در ماده (۲۳۲) قانون مالیات‌های مستقیم اصلاحی مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۷، عبارت «جز در موارد مربوط به حوزه قضا فقط با تصویب کارگروه تعامل‌پذیری دولت الکترونیکی به سایر دستگاه‌ها ارائه دهند و در غیر این صورت» جایگزین عبارت «محرمانه تلقی و از افشای آن جز در امر تشخیص درآمد و مالیات نزد مراجع ذی‌ربط در حد نیاز خودداری نمایند و در صورت افشا» می‌شود.

پ) در ماده (۳۴) قانون ثبت احوال مصوب ۱۳۵۵/۴/۱۶، عبارت «دستگاه‌های اجرایی با مصوبه کارگروه تعامل‌پذیری دولت الکترونیکی» جایگزین «دولتی ذی‌صلاح» می‌شود.

ت) تبصره ماده (۷۳) قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲/۱۰/۳ به شرح زیر اصلاح می‌شود:

تبصره: تعیین نحوه و محدودیت‌های دسترسی به داده‌ها جز در مواردی که مشمول دسترسی‌های قوه قضائیه است، برعهده کارگروه تعامل‌پذیری دولت الکترونیکی می‌باشد.

تبصره: تعیین نحوه و سطوح دسترسی به داده‌ها جز در مواردی که مشمول دسترسی‌های قوه قضائیه است، برعهده کارگروه تعامل‌پذیری دولت الکترونیکی می‌باشد.

ث) ماده (۱۵) قانون پایانه‌های فروشگاهی و سامانه مؤدیان مصوب ۱۳۹۸/۷/۲۱ به شرح زیر اصلاح و تبصره‌های آن حذف می‌شود:

ماده (۱۵) دستورالعمل نحوه دسترسی به اطلاعات سامانه مؤدیان توسط کارگروه تعامل‌پذیری دولت الکترونیکی تعیین می‌شود.

ج) در ماده (۱۹) قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۴/۹/۱ عبارت «کارگروه تعامل‌پذیری دولت الکترونیکی» جایگزین عبارت «دادستان کل کشور» می‌شود.



- [۱] قانون مدیریت داده‌ها و اطلاعات ملی، مصوب ۱۴۰۱، ۰۶، ۳۰، با اصلاحات و الحاقات بعدی.
- [۲] صدری خواه شیخ آبادی، امیررضا؛ مرتب، یحیی (۱۴۰۴). تکالیف قانون مدیریت داده‌ها و اطلاعات ملی در قانون برنامه پنج ساله هفتم پیشرفت و ارائه پیشنهادها سیاستی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل، ۲۰۹۰۱.
- [۳] زینت بخش، جعفر؛ بابایی مجرد، حسین؛ خسروی، مهدی (۱۴۰۴). ارزشیابی قوانین (۴): شناسایی و تبیین پیش‌آیندها و پس‌آیندهای قانون مدیریت داده‌ها و اطلاعات ملی با رویکرد ارزشیابی فارغ‌از‌هدف، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل، ۲۰۷۶۵.
- [۴] کریمی، مهسا؛ عزیزی، حسین؛ مرتب، یحیی؛ شریفی، سیدمسعود. (۱۴۰۳). بررسی چالش‌های تعامل پذیری دولت الکترونیکی در کشور، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۲۰۵۳۲.
- [۵] سپیده، شفیعا؛ حسن‌پور، اسماعیل؛ میرزابابایی، سید محمدرضا (۱۴۰۱). اظهار نظر کارشناسی درباره: «طرح یکپارچه‌سازی داده‌ها و اطلاعات ملی» مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۱۸۱۴۷.
- [۶] قانون جرایم رایانه‌ای، مصوب ۱۳۸۸، ۰۳، ۰۵، با اصلاحات و الحاقات بعدی
- [۷] قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات، مصوب ۱۳۸۷، ۱۱، ۰۶، با اصلاحات و الحاقات بعدی.
- [۸] آیین‌نامه داخلی کارگروه تعامل پذیری دولت الکترونیکی، مصوب ۱۳۹۸، ۰۳، ۲۱، با اصلاحات و الحاقات بعدی.

گزیده سیاستی

در این گزارش سعی بر آن بوده تا قانون مدام از منظر عدالت بررسی شود. نتیجه آن بود که این قانون گام‌های مثبتی در راستای عدالت برداشته است، ولی هنوز اشکالات اساسی همچنان وجود دارد و نیازمند بازنگری سراسری در آن است. در انتهای گزارش، ماده به ماده پیشنهادهای اصلاحی نیز بیان شده است.



مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

تهران، خیابان پاسداران، رویروی پارک نیاوران (ضلع جنوبی، پلاک ۸۰۲)

تلفن: ۷۵۱۸۲۰۰۰ صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۵۸۵۵ پست الکترونیک: mrc@majles.ir

وبسایت: rc.majles.ir